



خدا آفرین

تورکجه - فارسی
فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

فروردین - اردیبهشت ۱۴۰۵ - شمارگان مسلسل ۲۴۷-۲۴۸ - سال ۲۳ - قیمت ۳۰۰۰۰۰ تومن

SAVAŞIN ACILARLI (MİNAB QIZ MƏKTƏBİ və...)



کاریکاتور کمال شرف (کاریکاتور بیست)

الله

شماره مسلسل ۲۴۸-۲۴۷ سال ۱۴۰۵- فروردین و اردیبهشت ۷۰ صفحه
مدیر مسئول سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران: فرید ستاری فر

علی محمد نیا

تانای شرقی دره جک

زمینه مجله:

فرهنگی؛ مسایل اجتماعی؛ معلومات عمومی و طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی؛ تحلیلی؛ خبری؛ اطلاع رسانی؛ پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی؛ غربی؛ اردبیل؛ تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ ۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت word به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی

جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۱۰۰۰۰۰۰ تومان به شماره کارت بانک شهر

۷۰۰۷۸۶۴۷۹۳۸۹ به نام حسین شرقی دره جک واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and scial mnthly magazin managing Directr
ncnessiner and chief Editr: Dr. HOSSEIN
SHARGHIDAREHJAK (SOYTÜRK)

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

Say 247-248 - il 24- mart- NİSAN 2026, Tehran

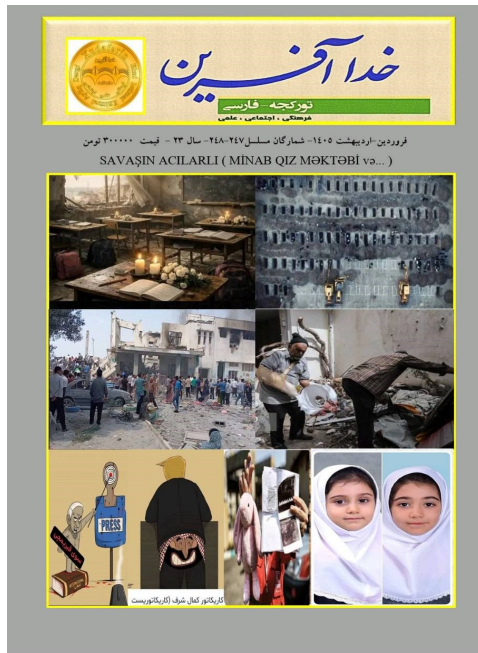
tiraj: 1000

www.khudafarin.ir

Telegram: <https://t.me/xudafarindergisi>

khudafarin@yahoo.com

خداآفرین 247-248 Xudafərin



ایچینده کیلر:

- ۲- ایران بحرانلارین قووشاغیندا
- ۴- ایران در تنگنای بحرانها
- ۷- اونلو تورکولوق اسماعیل هادی مزرعه دونیاسینی دیدشیدی
- ۸- تایی آز تاپیلان ایتیمولوق عزیز دوستوم اسماعیل هادی آرامیزدان گئنتدی
- ۹- کند اوشاغی کوچدو
- ۱۱- آسیب شناسی فاجعه جیلولوق در غرب آذربایجان
- ۱۳- میکاییل آزافلی - "قوجا قارتال" داستانی
- ۱۵- نمونههایی از کشتارهای شاهان خونریز امپراطوریهای هخامنشی و ساسانی
- ۱۷- بیر کیتابین خوش طالعی
- ۲۴- قرهباغی نین سسسینز نیسگیلی و دوشمنین قارا اورهگی
- ۲۵- داروهای ضروری برای شرایط بحرانی و جنگی
- ۲۷- بدیعی فکر تاریخیمیزده نسیمی زیروهسی
- ۳۱- نظامینین میلی کیملیگی
- ۳۷- زبان تاتاری در قفقاز قرن نوزدهم از نگاه ایوان شوپن، تاریخنگار و قومشناس روس
- ۴۰- حکایه لر- اوپکولر
- ۴۸- شعیریمیز
- ۵۳- درلمه لر
- ۶۲- اوغوزخان زامانیندا نوروز بایرامی دبلری
- ۷۰- کامیل آراز یارادیجیلیغیندا اوشاق ادبیاتی

ایران بحرانلارین قووشاغیندا

İRAN BÖHRANLARIN QOVUŞAĞINDA

پروبلئملرین مرکبلیگی و چوخشاخهلی اولماسی وضعیتینی داها دا چتینلشدیریر. خاریجی گوجلرله آرتان گرگینلیک، رئگیونال قارشى دورمالار، اقتصادی سانکسییالار و داخلی ایدارهچی لیک پروبلئملری بیرلیکده اؤلکه اوچون یئنی بیر رئاللیق فورمالاشدیرمیش دیر.

خاریجی تضييقلر و رئگیونال گرگین لیک

سون ایللرده ایرانین بین الخالق موناسیبتلرینده گرگین لیکلر آرتمیش دیر. رئگیونال موناقیشهلر، سیاسی قارشى دورمالار و بین الخالق سوییهده آرتان تضييقلر اؤلکنین تهلوکه سیزلیک موحیطینه جدی تأثیر گؤستریر.

بو گرگین لیکلرین نتیجه سینده ایران تئز-تئز حربی تهدیدلر و موختلیف هوجوم تهلوکه لری ایله اوز-اوزه قالیر. بئله وضعیتلر یالیز حربی و سیاسی ساحهده دئییل، هم ده جمعیتین پسیخولوژی آتموسفئرینده درین ایزلر بوراخیر.

اینسانلار گله جک حاقیندا ناراحات اولور، اؤلکنین ثابت لیگی و تهلوکه سیزلیگی بارهده سواللار یارانیر.

خصوصیله بؤیوک شهرلرده یاشایان اینسانلار رئگیونال موناقیشهلرین گئنیشلنه بیلجی احتمالیینی جدی ناراحتلیقا ایزلییرلر. معاصر دونیادا حربی قارشى دورمالارین تأثیرى تکجه جبهه خطی ایله محدودلاشمیر؛ اونلار اقتصادیاتا، انرژی تأمیناتینا و سوسیال ثابتنیه ده تأثیر اندیر.

SORUMLU MÜDÜR :
Dr.HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

مدیر مسئول و سردبیر :

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)



خاریجی تضييقلر، داغیلان اینفر استروکتور

و جمعیتین آغیر سیناگی

بوگونکو ایران جمعیتی سون اونیللیکلرین ان مرکب و چتین دؤورلریندن بیرینی یاشاییر. سیاسی گرگین لیکلر، خاریجی تضييقلر، اقتصادی چتین لیکلر و سوسیال پروبلئملر بیر-بیری ایله ایچ-ایچ کئچهرک اؤلکنین عمومی وضعیتینی آغیرلاشدیرمیش دیر. بو پروسئسلر تکجه دؤولت ایستروکتورلارینی و اقتصادی سیستمی دئییل، هم ده اینسانلارین گونده لیک حیاتیینی، پسیخولوژی وضعیتینی و گله جک حاقیندا دوشونجه لریینی درین شکیلده تأثیرلندیریر.

ایران تاریخ بویو بیر چوخ بحران و سیناقلاردان کئچمیش دیر. لاکین بو گون قارشیا چیخان

حاللاردا ايسه اينسانلار اؤز حيات سوييه لريني آشاغي سالاراق يالنيان ضروري احتياجلاريني قارشيلاماغا چاليشيرلار.

گنجلرين گله جك ناراحات ليغي

ايرانيان گنج نسل اؤلكنين ان بؤيوك سوسيال پوتنسياليني تشكيل ائدير. لاکين اقتصادي چتين ليكلر و سوسيال قئيري-معين ليک گنجلرين گله جهيه اولان ايناميني سارسي دير. اونيوتريسيئتت ماذونلاري ايش تاپماق دا چتين ليک چکير، بير چوخ گنج ايسه اؤز باجاريقلاريني رئاللاشديرماق اوچون باشقا اؤلكه لره گئتمک باره ده دوشونور. بو پروسئس تدريجا اؤلكه ده «بئيين آخيني» پروبلئميني گوجلنديرير. گنجلرين اؤلكني ترك ائتمه سي يالنيان فردي سئچيم مسئله سي دئييل؛ بو، عيني زاماندا اؤلكنين گله جك علمي و اقتصادي اينكيشافينا دا تاثير گؤسترير.

پسيخولوژي و سوسيال گرگين ليک

اقتصادي و سياسي پروبلئلر جمعيتين پسيخولوژي وضعيتينه ده تاثير ائدير. اينسانلار گونو گوندن اميدلريني ايتيرمه يه باشلايرلار.



اينفراستروكتورون كوورك وضعيتي

اؤلكنين قارشيلاشديغي پروبلئلردن بيرى ده آلت ياپنين كوهنلمه سي و ضعيفله مه سي دير. انرژي شبكه لري، صنايع موسسيسه لري، نقليات سيستمي و شهر اينفراستروكتورو ايللرله داوام ائدن اقتصادي چتين ليكلر و اينوئستيسييا چاتيشمازليغي سببندن جدي پروبلئلرله اوزلشميش دير.

ائلكتريک انرژي سي كسينتيلري، سو تجهيزاتي پروبلئلري و بعضي صنايع ساحه لرينده استحصالين آزالماسي بو وضعيتين آچيق گؤستريجيلري دير. بعضي حاللاردا ايسه رئگيونال گرگين ليكلر و تهلوکه سيزليک ريسكلري بو پروبلئلري داها دا آغيرلاشديرير.

متخصص حساب ائدير كي، اينفراستروكتورون يئني لنمه سي اوچون بؤيوك مالييه رئسورسلاري و اوزونمدت لي پلانلاشديرما طلب اولونور. لاکين اقتصادي سانكسييالار و مالييه محدوديتلري بئله لايحه لرين حياتا كئچيريلمه سيني چتينلشديرير.

اقتصادي بحران و حيات شرايطي

ايران جمعيتينين قارشيلاشديغي ان بؤيوك چتين ليكلردن بيرى اقتصادي پروبلئلردير. يوكسك اينفلياسيا (تورم)، ميللي واليوتانين (ارز) ديردن دوشمه سي و ايشسيزليک اينسانلارين گونده ليک حياتينا جدي تاثير گؤسترير.

سون ايللرده ارزاق محصوللارينين، منزيل قيمت لرينين و اساس خيدمتلرين قيمت لري كسكين شكيل ده آرتميش دير. بو وضعيت خصوصيله اورتا و آشاغي گليرلي عائله لر اوچون حيات شرايطيني داها دا چتينلشديرير.

بير چوخ عائله گونده ليک خرچلريني قارشيلاماق اوچون علاوه ايشلر گؤرمه يه مجبور اولور. بعضي

جنگ و تهدیدهای خارجی

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر وضعیت کنونی ایران، افزایش تنش‌های نظامی در منطقه و تهدیدهای خارجی است. طی سال‌های اخیر، حملات پراکنده به برخی مراکز نظامی و زیرساختی، تهدیدهای آشکار قدرت‌های خارجی و فضای پرتنش منطقه‌ای، احساس ناامنی را در میان مردم افزایش داده است.

در شرایطی که منطقه خاورمیانه همواره یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان بوده است، هرگونه درگیری نظامی می‌تواند به سرعت ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. برای کشور ایران که دارای جمعیت گسترده، زیرساخت‌های وسیع و اقتصاد پیچیده است، حتی حملات محدود نیز می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر زندگی مردم داشته باشد.

در چنین فضایی، نگرانی درباره آینده کشور به موضوعی فراگیر تبدیل شده است. بسیاری از خانواده‌ها در شهرهای مختلف ایران با این پرسش روبه‌رو هستند که در صورت گسترش درگیری‌ها، چه بر سر امنیت و معیشت آنان خواهد آمد.

آسیب به زیرساخت‌های حیاتی

یکی از پیامدهای مهم تنش‌های سیاسی و نظامی، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی کشور است. زیرساخت‌هایی مانند شبکه برق، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال انرژی، صنایع بزرگ و مراکز حمل‌ونقل، ستون‌های اصلی اقتصاد و زندگی روزمره جامعه محسوب می‌شوند.

در شرایطی که برخی از این زیرساخت‌ها به دلیل سال‌ها فرسودگی، کمبود سرمایه‌گذاری و مدیریت ناکارآمد با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند، هرگونه حمله یا اختلال می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای به

ایران در تنگنای بحران‌ها

SORUMLU MÜDÜR:

Dr.HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

مدیر مسئول و سردبیر :

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

تأملی بر پیامدهای جنگ، فشار خارجی و بحران‌های اجتماعی

در سال‌های اخیر ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های درهم‌تنیده مواجه شده است؛ بحران‌هایی که تنها محدود به حوزه سیاست یا اقتصاد نیستند، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از زندگی اجتماعی، روانی و فرهنگی جامعه را نیز دربر گرفته‌اند. تشدید تنش‌های منطقه‌ای، حملات نظامی و تهدیدهای خارجی، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و نابسامانی‌های مدیریتی داخلی، در کنار فرسایش زیرساخت‌های حیاتی کشور، تصویری پیچیده و نگران‌کننده از وضعیت کنونی ایران به نمایش گذاشته‌اند.

این شرایط نه تنها معیشت روزمره مردم را دشوارتر کرده، بلکه احساس ناامنی، اضطراب و بی‌ثباتی روانی را نیز در بخش‌های مختلف جامعه افزایش داده است. امروز بسیاری از شهروندان ایران خود را در میانه وضعیتی می‌بینند که در آن آینده اقتصادی، امنیت اجتماعی و حتی ثبات روانی جامعه در حال‌های از ابهام قرار گرفته است.

دانشجویان و نیروهای تحصیل کرده کشور تصمیم به ترک ایران گرفته‌اند.

این پدیده که از آن با عنوان «فرار مغزها» یاد می‌شود، نه تنها باعث کاهش سرمایه انسانی کشور می‌شود، بلکه در بلندمدت توان علمی، فناوری و اقتصادی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بسیاری از جوانان ایرانی معتقدند که چشم‌انداز روشنی برای آینده شغلی و اجتماعی خود در کشور نمی‌بینند. همین احساس ناامیدی یکی از عوامل اصلی افزایش مهاجرت در میان نسل جوان محسوب می‌شود.

بحران روانی و اجتماعی در جامعه

در کنار مشکلات اقتصادی و امنیتی، جامعه ایران با نوعی فرسایش روانی نیز مواجه شده است. اضطراب ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی، نگرانی درباره آینده و فشارهای اجتماعی، سطح استرس و مشکلات روانی را در میان مردم افزایش داده است.

گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که افسردگی، اضطراب و احساس ناامیدی در میان اقشار مختلف جامعه رو به افزایش است. این وضعیت به‌ویژه در میان جوانان و طبقات آسیب‌پذیر بیشتر مشاهده می‌شود.

افزون بر این، مشکلات اقتصادی می‌تواند به افزایش تنش‌های خانوادگی، کاهش اعتماد اجتماعی و گسترش احساس بی‌اعتمادی در جامعه منجر شود.

نقش رسانه‌ها و جنگ روایت‌ها

در دنیای امروز، بحران‌ها تنها در میدان‌های نظامی یا اقتصادی شکل نمی‌گیرند؛ بلکه در

همراه داشته باشد. قطع برق در شهرهای مختلف، اختلال در شبکه‌های ارتباطی و مشکلات در تأمین انرژی تنها بخشی از نشانه‌های این آسیب‌پذیری هستند.

کارشناسان معتقدند که بازسازی زیرساخت‌ها نه تنها نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم اقتصادی است، بلکه به ثبات سیاسی و برنامه‌ریزی بلندمدت نیز وابسته است؛ امری که در شرایط پرتنش کنونی به سادگی قابل تحقق نیست.

فشارهای اقتصادی و بحران معیشت

در کنار تهدیدهای امنیتی، اقتصاد ایران نیز با مشکلات گسترده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری، و افزایش هزینه‌های زندگی باعث شده است که بسیاری از خانواده‌ها با دشواری‌های جدی در تأمین نیازهای روزمره خود روبه‌رو شوند.

در سال‌های اخیر قیمت کالاهای اساسی، مسکن و خدمات به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. در حالی که درآمد بخش بزرگی از جامعه با این افزایش‌ها همگام نشده است، فاصله میان درآمد و هزینه روزبه‌روز بیشتر شده است.

این وضعیت به‌ویژه برای طبقات متوسط و کم‌درآمد جامعه فشار سنگینی ایجاد کرده است. بسیاری از خانواده‌ها ناچار شده‌اند سطح مصرف خود را کاهش دهند، از برخی نیازهای ضروری چشم‌پوشی کنند یا چند شغل هم‌زمان داشته باشند.

مهاجرت و فرار سرمایه انسانی

یکی از پیامدهای مهم بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش روند مهاجرت از ایران است. در سال‌های اخیر، تعداد قابل توجهی از متخصصان،

بحران‌ها، نیاز به رویکردی جامع وجود دارد که همزمان به مسائل اقتصادی، اجتماعی و امنیتی توجه کند.

کاهش تنش‌های بین‌المللی، اصلاح ساختارهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و توجه به سلامت روانی جامعه از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت کمک کنند.

همچنین افزایش شفافیت، تقویت اعتماد عمومی و مشارکت بیشتر جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند زمینه‌ای برای بازسازی امید در میان مردم فراهم آورد.

نتیجه

ایران امروز در نقطه‌ای حساس از تاریخ معاصر خود قرار دارد. مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی، شرایطی پیچیده و دشوار ایجاد کرده است. حملات خارجی و تهدیدهای منطقه‌ای، آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها، فشارهای معیشتی و بحران‌های روانی، همگی بخش‌هایی از واقعیتی هستند که جامعه ایران با آن روبه‌روست.

با این حال، آینده این کشور تنها به بحران‌ها وابسته نیست؛ بلکه به تصمیم‌هایی بستگی دارد که در امروز گرفته می‌شود. اگر راهکارهایی برای کاهش تنش‌ها، بهبود اقتصاد و تقویت سرمایه اجتماعی اتخاذ شود، امکان عبور از این دوران دشوار نیز وجود خواهد داشت.

سرنوشت ایران، همان‌گونه که در طول تاریخ بارها ثابت شده است، در نهایت به اراده مردم و خرد جمعی جامعه گره خورده است.



عرصه رسانه‌ها و فضای مجازی نیز جریان دارند. روایت‌های مختلف درباره وضعیت ایران، از سوی رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر می‌شوند و هر یک تلاش می‌کنند تصویری خاص از واقعیت ارائه دهند.

این جنگ روایت‌ها گاهی باعث سردرگمی افکار عمومی می‌شود. در شرایطی که اطلاعات دقیق و شفاف به‌سادگی در دسترس نیست، جامعه ممکن است میان روایت‌های متناقض گرفتار شود.

در چنین فضایی، نقش رسانه‌های مستقل و تحلیل‌گران آگاه برای ارائه تصویری واقع‌بینانه از شرایط کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

جامعه‌ای میان امید و نگرانی

با وجود تمام مشکلات، جامعه ایران همچنان ظرفیت‌های قابل توجهی برای عبور از بحران‌ها دارد. تاریخ این سرزمین نشان داده است که مردم ایران در دوره‌های مختلف توانسته‌اند در برابر دشواری‌ها مقاومت کنند و راه‌هایی برای ادامه زندگی بیابند.

فرهنگ غنی، پیوندهای اجتماعی قوی و روحیه تلاش و خلاقیت در میان مردم، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در عبور از شرایط دشوار نقش مهمی ایفا کنند.

با این حال، استفاده از این ظرفیت‌ها نیازمند سیاست‌گذاری‌های خردمندانه، کاهش تنش‌های خارجی و توجه جدی به مشکلات معیشتی و اجتماعی مردم است.

ضرورت بازنگری در مسیر آینده

شرایط کنونی ایران نشان می‌دهد که ادامه روندهای موجود می‌تواند پیامدهای سنگینی برای جامعه به همراه داشته باشد. برای عبور از

اونلو تور کولوق اسماعیل هادی مزرعه (کند اوشاغی) دونیاسینی دییشدی

ÜN LÜ TÜRK O L O Q İ S M A Y İ L H A D İ D Ü N Y A S İ N İ D Ə Y İ Ş D İ (K Ə N D U Ü A Ğ I) (1 9 5 7 - 2 0 2 6)

دانشمند و نویسنده بزرگ تورک استاد

حاضرلادی :

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

اسماعیل هادی درگذشت

اسلام‌شناس؛ حقوقدان و تورکولوق کشورمان جناب استاد اسماعیل هادی مزرعه در مورخه ۱۳۳۶ در شهرستان ورزقان متولد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساند. سپس جهت تحصیل علوم دینی به تبریز مهاجرت کرده و در مدرسه طالبیه تبریز مشغول شد. وی در حوزه های فقه و اصول، ادبیات عرب، منطق، فلسفه، اسلامشناسی، حقوق و زبان‌شناسی و سینما مطالعات گسترده و عمیقی داشته و آثار ارزشمندی در حوزه های یاد شده از ایشان منتشر شده است.

او برای نخستین بار مقالاتی در زمینه معرفی ادبیات مرثیه آذربایجان و همچنین ترجمه فراهایی از نهج البلاغه در مجلات وارلیق و کیهان فرهنگی منتشر نمود. او که از شاگردان ممتاز میرزه عمران علیزاده لغت شناس برجسته بوده در علم اللغه و اتیمولوژی واژگان ترکی از متخصصان نادر کشورمان می باشد. کتاب لغت دلیل دینیز ثمره زحمات ایشان در زمینه علم اللغه می باشد. هادی از مبدعان ادبیات ساتیریک پس از انقلاب بوده نوشته های وی در این زمینه با امضای کند اوشاغی در نشریه های کشور منتشر شده است. میرزه اسماعیل هادی در بخش رمان و سینما هم فعال بوده و سناریوی فیلم بالاش از قلم ایشان چکیده است.

وی تحصیلات دینی خود را از مدرسه طالبیه تبریز به همراه رفقای خود شیخ شعیب اسماعیل، میرزا بایرام هاشم زاده، میرزا عیسی ملانژاد، میرزا حسین علیزاده آغاز و تحصیلات تکمیلی خود را در حوزه علمیه قم مداوم بخشیده است. در حوزه قم در حوزه ی درسی



(۱۴۰۵ تبریز وادی رحمت ۱۳۳۶ آذربایجان -قاراداغ)

خدا فرین درگیسی اولاراق دیرلی عالی میمیزین وفاتینی ، زون و کدرله قارشیلادیق. تورک بیلیم جامعه سینه بویوک ایتگینی هم میللتیمیزه و هم ده عایله سینه باش ساغلیغی دئییریک. خدا فرین درگیسی نین ۲۳۰ سایی اوزل اولاراق اسماعیل هادیه حصر اندیلیمیشدیر. یولو گئدرلی و اثرلری یولوموزا چیراغ اولسون. مکانی جنت و روحو شاد اولسون. تورک دونیاسینین باشی ساغ اولسون

دکتر حسین شرقی دره جک سوی تورک

تای آذ تاپیلان اتیمولوق عزیز دوستوم اسماعیل هادی آرامیزدان گتدی

به یاد استاد اسماعیل هادی، اتیمولوق کلمات ترکی

دکتر توحید ملک زاده

اواسط دهه هفتاد نشریه وزین «نوید آذربایجان» با مدیریت آقای مهرا تبریزی از اورمیة منتشر می شد. این نشریه هفتگی تجلی افکار اساتید آذربایجانی بود که دغدغه فرهنگ آذربایجان را داشتند. من هم با افتخار تمام عضو هیئت تحریریه نشریه بودم و سلسله مقالات تحت عنوان «آذربایجان تورکلرینین تشکول تاریخیندن» اثر پروفیسور غیبو الایف را ستون وار ترجمه کرده و چاپ می کردم. یکی از مشتریان پروپاقرص این ستون مرحوم اسماعیل هادی بود چون ایشان در اتیمولوژی کلمات ترکی کار می کردند و غالباً درباره شیوه نوشتاری کلمات صحبت می کردیم. مثلاً ایشان علاقمند بودند نویسنده کتاب، غیبوالایف را من به صورت غیب الله یوف بنویسم. من هم مخالف عقیده ایشان بودم و معتقد بودم مردم ما هر آنچه که نوشته می شود می خوانند نه با تلفظ ترکی. بعدها این نظر را آقای فیوضات با ارائه یک مقاله خوب در سمینار اورتوگرافی ترکی در سال فکر کنم ۷۸ تایید کرد. در این سمینار آقای فیوضات یک متن را با کلمات دخیل فارسی و عربی را با فونوتیک ترکی و متنی جداگانه حاوی کلمات دخیل با نوشتار اصلی فارسی و عربی تهیه کرده و دو نفر متن را خواندند. نتیجه بسیار شگفت انگیز بود. نوشته ای که کلمات دخیل را با فونوتیک نوشته بود آنرا با تلفظ ترکی قرائت شد و نوشته که کلمات دخیل را بدون تغییر نوشته بود مثل تلفظ فارسی تلفظ می کرد.

آیت الله العظمی سید یوسف مدنی دیزماری و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله العظمی نجفی مرعشی و آیت الله العظمی جعفر سبحانی تبریزی شرکت جسته است. در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده است.

وی به سه زبان عربی و فارسی و ترکی قلم زد و از نویسندگان مجله وزین وارلیق بود.

از این دانشمند بزرگ کشورمان آثاری به ارمغان مانده است که برخی از آنها عبارتند از:

برخی از آثار قلمی استاد اسماعیل هادی عبارتند از

۱- ترجمه از زبان عربی

-پویش ایمان اثر مصطفی محمود

-طنین کین مصطفی محمود

تالیفات:

-فراز های از نهج البلاغه

-منابع حقوق اسلامی

-حباب رمان

-دومانی گونلر رمان

-لاچین

-گوی قورشاغی

-کهلپک

-عمومر آخار سویا بنزر

-فرهنگ لغت - اتیمولوژی

دیل دنیز

-ترکی هنر است فارسی شکر است

استاد اسماعیل هادی امروز در سن ۶۹ سالگی در اثر

سکته قلبی دار فانی را وداع گفت.

@Yolpress



کند اوشاغی کوچدو

دکتر مرتضی مجدفر

آذربایجانلی تدقیقاتچی، یازیچی، مترجم و خصوصیه دیلچی و لغت تانییان و مذهبی و حقوق ساحه‌سینده آدلیم عالی‌میز، مطبوعاتدا "کند اوشاغی" امضاسی ایله تانییمیش "اسماعیل هادی" بو گون حیاتی، ۶۹ یاشیندا دیشدی. او ۱۳۳۶نجی ایله، ورزقان ماحالیندا دونیا یا گوز آچدی. او اجتماعی ادبی محفیلر آراسیندا، انسانی و علمی اوزه‌لیک‌لرینه گوره، چوخ تانییمیشدیر.

آلاه بو عزیز دوستوموز، غنی غنی رحمت ائله‌سین. یاخشی عالیم و مهربان دوست ایدی. من اونو اوشاق اولاندان تانییاردیم. صادقیه مدرسه‌سینه و دبیرستانا گلیب، گئنده، بیزیم دوکانین قاباغیندان کنچردی و هر دن منیم آتملا خوسانلاشاردی. انقلابین لاپ اول آیلاریندا، حباب آدلی بیر نثر مجموعه‌سینی چاپ ائتدیردی. او مجموعه، او گونلر چوخ چاپ و یایملانان شعر کیتابلاری‌نین 'راسیندا، ائله‌جه ده بللمه‌دی. اونو مرتب اولراق، وارلیق مجله‌سینده گورردیم. ادبی محفللرده، چوخ آز و سچیم ایله حاضر اولادی و ائله‌جه ده دانشماغا رغبتی اولمایان لاردان ایدی. آنجاق دانشاندا، چوخ دولغون و معنالی چیخیش ائدردی. اونون یادلاردا قالان چیخیش لاریندان و دانشیق‌لاریندان، رحمتلیک دوکتور هیئتین یاس مجلسینده ایدی. هم ده صابر انجمنینده دانشیق‌لاری، چوخ آز و عمومیتله تورکجه‌میزین دیل قایدالاری حاققیندا اولاردی. اونون چوخ اجتماعی و اینسان سئور روحیه‌سی وار ایدی و دفعه‌لرله، شلوغ و پوزغون حیات گونلرینده، بیز اونو یادلاردان چیخارتدیغیمیز زامانلاردا، لاپ آز اولسا دا، بیر تلفون آچماقلا، دوست لارینی و قلمداشلارینی یاد ائدردی. منیم شخصی کیتابخانام، اونون دولغون لغت و باشقا کیتابلاری و اوزونون امضاسی ایله اتحاف

در هر حال دوستیمان با اسماعیل هادی محکم و محکمتر شد. ایشان چند بار در آنکارا مهمان من شدند و از مصاحبت با وی لذت می بردم. چند بار هم در کنفرانسهای علمی داخل و خارج همسفر بودیم. اواخر سال ۱۳۹۷ تصمیم به سروسامان دادن نویسندگان زبان ترکی و محققان تاریخ و ادبیات آذربایجان گرفتم و فروردین ۱۳۹۸ گروه واتساپی جهت استشاره و پیگیری امور فرهنگی آذربایجان و ترکان ایران با حضور بیش از ۶۰ نفر از محققان و نویسندگان برجسته آذربایجان و ترکان خلیج و قشقای و تورکمن

تشکیل دادم که جناب هادی نیز جزو این گروه بودند. حضور ایشان در این گروه مغتنم بود. چند سال قبل متاسفانه ماشینی به ایشان زد و ایشان زمینگیر شدند و فعالیتهای فرهنگیشان متاسفانه کمرنگ شد. ارتباطمان تا این اواخر بصورت تلفنی بود که متاسفانه خبر فوتشان را شنیدم.

دنیاى علم آذربایجان و تورکولوژی عالم بی نظیری از دست داد که جزو اولین نسل محققین بدون تحصیلات آکادمیک ایران در زبان و ادبیات ترکی بودند. در خارج این تحقیقات توسط موسساتی با بودجه کافی و متخصصینی با تحصیلات در ترکی انجام می شود.

فرهنگ اتیمولوژیک دیل دنیز ایشان اثری نو در بررسی کلمات ترکی است که از هزاران سال قبل به ما به یادگار رسیده است .

ضمن طلب مغفرت به ایشان، امیدوارم بجای ایشان صدها تن از جوانان آذربایجان متخصص زبان و ادبیات ترکی شوند.

۸ فروردین ۱۴۰۴

ble.ir/tohidmelikzade



در ادامه، بخشی از مقاله‌ای که چند سال پیش درباره‌ی این استاد بزرگ نوشته بودم، آورده می‌شود:

استاد اسماعیل هادی

به سبب نقش استادی ایشان بر نگارنده در دوران اولیه وکالت، شاید بتوان وی را از اساتیدی برشمرد که نه تنها در حوزه‌های مطالعاتی خویش - ادبیات، اتیمولوژی و حقوق - استاد مسلم است بلکه در زمینه اخلاق و ادب نیز اسوه و نمونه می‌باشد. اغراق نخواهد بود که اگر وی را از نمونه‌های سمبلیک تواضع و ادب ذکر کنیم.

استاد اسماعیل هادی در سال ۱۳۳۶ در روستای «مزره» ورزقان دیده به جهان گشود. قسمتی از تربیت وی مدیون ابوی بزرگوار و اهل علم و سوادش مرحوم میرزا فتحعلی می‌باشد که در سطح علوم حوزوی تحصیلات عالی‌های داشت. استاد اسماعیل هادی بعد از طی مراحل تحصیل در ساحه علوم حوزی، در دانشگاه تهران دوره لیسانس حقوق را با موفقیت به پایان رساند و در کسوت قضاوت در تهران مشغول به کار شد و بعد از بازنشستگی (در دهه ۷۰)، شروع به وکالت در دادگستری نمود.

بنا به اظهار استاد، وی قبل از آموزش‌های علمی در خصوص زبان مادری خویش، شروع به آشنایی با زبانهای روسی، عربی، انگلیسی و فارسی نمود و بعدها، پروفیسور نطقی راهنمای خوبی برای وی بوده است.

در زمینه تخصص اصلی استاد از وی تحقیقات مختلفی وجود دارد که نمونه‌های از آنها دو کتاب «دورنمای حقوقی ازدواج موقت» و «منابع حقوق در اسلام» می‌باشد که در آنها تحلیلهای علمی - حقوقی خوبی ارائه داده است.

در زمینه ادبیات و زبانشناسی (اتیمولوژی) نیز کتب مختلفی از استاد تهیه و برخی به چاپ رسیده است که کتب «دیل دنیز (فرهنگ اتیمولوژیک زبان

اولونان اثر لرله زینت‌لنمیشدیر و بو منه بویوک بیر فخر دیر.

اونون اثر لریندن، تورکجه‌میزده حباب،دومانلی گونلر، کهلیک، گوی قورشاعی، عومور آخار سویا بنزر و...کیتاب‌لارینا اشاره ائتمک اولار. هم ده دیل‌چیلیکده، فرهنگ لغت اتیمولوژی دیل‌دنیز، ترکی هنر است - فارسی شکر است کیتاب لارینی آد آپارماق اولار. اونون بیر چوخ باشقا فارسجا تالیفلری و ترجمه‌لری ده وار.

او عالی دینی و حقوقی تحصیل آلدیغی اوچون، اوزهل باخیش‌لارا صاحب ایدی. آنجاق، آیری سئچگین‌لیک قویما یاراق، هامی محفیلرده، آچیق کونولله اشتراک ائدردی. اونون اخلاقی و هامییا حرمت گوسترمه‌سی و احتراملا دانیشیب، داورانماسی، دیل‌لر ازبری ایدی.

اسماعیل هادی‌نین اولومو، هم کند اوشاق‌لارین، هم ده شهر اوشاق‌لارین کدرلندیردی. او هامی‌نین عالیمی و یازیچیسی ایدی.

آلاه تعالی اونار رحمت ائتسین.

وداع با استاد اسماعیل هادی؛ مردی از تبار

دانش، ادب و عدالت*

خاموشی قلمی از مکتب وارلیق

با اندوهی عمیق، درگذشت استاد فرهیخته، ادب‌دوست و حق‌طلب، جناب آقای اسماعیل هادی را تسلیت می‌گویم.

او برای من تنها استادی در دوران کارآموزی وکالت در تهران نبود، بلکه الگویی از اخلاق، درستی، فروتنی و دانش بود که هرگز از یاد نخواهد رفت. در آموختن علم حقوق، عدالت و آزادگی را با منش خویش درس می‌داد و حضورش برایم نعمتی بزرگ و ماندگار بود. درگذشت ایشان فقدانی است برای دوستداران عدالت و فرهنگ آذربایجان، و یاد نیکش همواره در دل‌هایمان زنده خواهد ماند.

آسیب شناسی فاجعه جیلولوق در غرب آذربایجان

دکتر توحید ملک زاده



اسفندماه سالروز جنایتی هولناک موسوم به جیلولوق در اورمییه و سلماس می باشد که به مدت حداقل شش ماه غرب آذربایجان را درگیر کشتار همگانی کرد. ایام، ایام جنگ جهانی اول است و مناطق شمالی ایران از جمله آذربایجان در تصرف روس و قسمت جنوب در اختیار انگلیس. آذربایجان زیر چکمه های سالداتهای روس له شده بود. دست به دست شدن شهرها و روستاهای آذربایجان بین قوای روس و عثمانی لطمات سنگینی به اهالی آذربایجان وارد کرده بود. ولی ورق یکباره برگشت و پاییز سال ۱۲۹۶ شمسی بود که با وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه تزاری، قشون روس از جنگ جهانی خارج شده و حین تخلیه آذربایجان و بازگشت به روسیه با تخریب اماکن و آتش زدن بازار اورمییه، سلماس و خوی خاطره بسیار بدی در اذهان مردم آذربایجان ایجاد کردند. تخلیه آذربایجان از طرف روس به معنای رهاکردن این مناطق به دست عثمانی بود که درگیر جنگ با متفقین (روس، انگلیس، فرانسه و غیر مستقیم آمریکا) بود. بنابراین قرارگاه مرکزی متفقین برای جلوگیری از پیشروی قوای عثمانی در آذربایجان در صدد مسلح کردن مسیحیان فراری از عثمانی به

ترکی)»، «حاشیه‌های بر زبانشناسی»، «ترکی هنر است» از آثار مشهور استاد میباشند .

استاد میگویند: «من به عنوان یک خواننده به نشریه وارلیق رفتم، سپس به آرامی شروع به نوشتن نمودم. در اوایل نویسندگی شروع به ترجمه سخنان حضرت علی(ع) به ترکی آذربایجانی نمودم و بعدها در نشریات مختلفی مثل "یول" و "آذری"، به ارائه مقالات مختلف پرداختم».

استاد هادی از نویسندگان چیره‌دست نشریه وارلیق بوده و از یاران شفیق شادروان دکتر هیئت نیز بود. به بیان دیگر میتوان وی را از شخصیت‌های مهم مجموعه قدرتمند وارلیق دانست که منش و سختکوشی و فداکاری مجموعه وارلیق به یادگار در وی باقی مانده است .

قلم شیوای استاد هادی را نه تنها در مقالات و کتب ادبی ایشان، بلکه در لوایح دفاعی حقوقی ایشان نیز میتوان مشاهده نمود .

دغدغه اصلی ایشان را میتوان در حفظ عدالت (در همه عرصهها) و پاسداشت هویت و فرهنگ و ادبیات آذربایجان خلاصه نمود. استاد اسماعیل هادی در حال حاضر نیز در زمینه ادبیات، حقوق و علیالخصوص علم اتیمولوژی تحقیقات متعددی انجام میدهد و نگارنده با توجه به اینکه در سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ کارآموز وکالت و اخلاق در نزد ایشان بودم و فیالحال نیز خود را شاگرد وی دانسته و بدان افتخار میکنم، به عینه تمامی موارد فوق‌الذکر را در استاد دریافتم و همواره مشاهده مینمودم که علیرغم استدلالهای علمی در زمینه علم حقوق، یافته‌های خوبی نیز در زمینه علم اتیمولوژی (شاخه ریشه‌شناسی علم زبانشناسی) داشتند و حتی اساتیدی از دانشگاه‌های مختلف تهران و حتی ترکیه و آذربایجان از علم ایشان تلمذ میکردند .

برگرفته از مقاله :

«حقوقدانانی در کنار پروفیسور هیئت و مکتب وارلیق» ، نوشته حمید والا، منتشر شده در فصلنامه پژوهشی «آنا وارلیق»، شماره اول، پاییز ۱۳۹۵، تهران.

متمایل به اروپا و جهان مسیحیت در خارج از ایران نماید. (خصوصاً از دوران حملات شیخ عبیدالله و سپس سالهای ۱۲۸۰ شمسی به بعد)

۲- وابستگی فکری و حتی تسلیحاتی عوامل اصلی این فجایع و کشتار به قوای سیاسی- نظامی خارجی متفقین خصوصاً روس، انگلیس و فرانسه محرز می باشد.

۳- اطاعت محض از سیاستهای خارجی قوای متفقین سبب شد که نه تنها از مسلمانان بلکه هزاران نفر از آشوری ها و مسیحیان آذربایجانی نیز تلف شوند و این جوامع تا امروز نیز نتوانستند از این اوضاع بوجود آمده از طرف اروپا و آمریکا خارج شوند.

۴- ماجراجویی برای تشکیل مملکتی آشوری در دل آذربایجان باعث برخورد های خونینی شد که به تحلیل اقلیت قومی مذهبی مسیحیان اورمیه و سلماس منجر شد. تشکیل ارمنستان در ایالت ایروان نیز باعث قتل عام صدها هزار ترک مسلمان در آن ناحیه شد.

۵- بی تفاوتی جدی حاکمان و طبقه اشراف اورمیه و سلماس برای بسیج مردمی در زمان نبود حاکمیت دولت مرکزی و ماجراجویی های سرسپردگان به خارج

۶- عدم توجه جدی به موضوعاتی از قبیل بررسی نقاط ضعف و آسیب پذیری شهرهای آذربایجان غربی از سوی والی و حاکمان منطقه

گفتنی است خواندن تاریخ به مثابه پرونده خوانی و سپس عبرت از اعمال گذشتگان است برای داشتن آینده ای بهتر و زندگی در صلح و امنیت. حوادث جیلولوق خصوصاً برای ماجراجویانی که یکصد سال بعد از فاجعه جیلولوق احیاناً درصدد اجرای طرحی دیگر در منطقه هستند و می خواهند همچون جیلوها و ارامنه مملکتی از دل آذربایجان برای خود دست و پا کنند می تواند بسیار پربهرت باشد.

۲۶ بهمن ۱۴۰۴

<https://t.me/melikzadeh>

آذربایجان برآمد و در این امر ناصواب متاسفانه میسیونرهای مذهبی کشورهای اروپایی نیز که مثل مور و ملخ در منطقه مستقر بودند به یاری این قوای مسلحه آمدند. ماجراجویانی از همشهریان مسیحی نیز که گول میسیونرها، مقامات انگلیس و فرانسه را خورده بودند نیز وارد میدان شدند و شد آنچه که متاسفانه نایستی می شد.

در طی جنگ خونین تسلط مسیحیان (جیلو و ارامنه) به اورمیه و سلماس از اسفند ۱۲۹۶ الی خرداد ۱۲۹۷ بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر از اهالی آذربایجان نیست و نابود شدند. رقمی که ناواردان به تاریخ اورمیه از شنیدن آن یکه می خورند و به هیچ وجه باور نمی کنند.

با پیشروی قوای عثمانی در غرب آذربایجان این بار مسیحیان از ترس جان شهرهای خوی، سلماس و اورمیه را با وضع فلاکت باری ترک و با رهنمودهای مستشاری انگلیسی ها از راه میاندوآب، صابین قالا، بیجار و همدان و کرمانشاه به شمال بغداد در منطقه بعقوبه رسیدند. ماجراجویان اروپایی خرسند از اطلاق عنوان کوچکترین متفق به هموطنان مسیحییمان باعث کشتاری وحشتناک در منطقه شده بودند. در طی این فرار آبی هزاران نفر از مسیحیان آذربایجان مخصوصاً زنان، کودکان و پیرمردان در دست و پای افراد مسلح ماجراجوی مسیحی تلف شدند. پس از پنج سال با اعلام عفو عمومی، اتباع مسیحی ایرانی مخفیانه و در حالی که یارای چشم در چشم شدن با همسایگان مسلمان خود نداشتند و پشیمان از این وضعیت به روستاهای خود برگشتند و این بار نیز از سوی همشهریان مسلمانشان پذیرفته شدند هر چند نگرانی از ماجراجویی های دوباره آنها (اسناد رسمی دولتی) در این باره بسیار زیاد بود.

آسیب شناسی این فاجعه:

۱- گزارشهای بسیاری از روند دخالت گستاخانه میسیونرهای مذهبی خارجی در اورمیه و سلماس در دست است که سعی دارد هموطنان مسیحی را



میکاییل آزافلی – "قوجا قارتال" داستانی

MİKAYIL AZAFLI - "QOCA QARTAL" DASTANI

نئچه حکومدارى سویدو ایسگندر

شاهلارین گۆزونو اویدو ایسگندر

دونیانى ساپانا قویدو ایسگندر

بولادی-بولادی علی بوش گئتدی .

آزافلی بشرین تۆکن قانینى ایشله دیر

قلین دیرمانینى زحمت-ظلم چکن الینین قانینى

یالادی-یالادی علی بوش گئتدی .

Nizami Bağirov (Calal oğlu)

برگردان : حسین شرقی دره جک

USTADNAMƏLƏR

اوستادنامه لر



حادثة لرین جریانی

بلى، سیزه هاردان خبر وئریم توووز ماحالینین آزافلی کندیندن. بو کندده ساییلان، سئچیلهن، آدی-سانی ایله مشهور اولان حسن کیشی آدلی بیر ائل آغساققالی یاشاییردی. حسن کیشینین عائله سینده اؤز اوشاقلاری ایله برابر میکاییل آدلی بیر گنج ده بؤیویوردو. میکاییلین والیدئینلری واخت سیز وفات ائتدی اوچون حسن کیشی اونو اؤز حمایه سینه گۆتورموش دو .

میکاییل عقللی، فراستلی، ایتی ذهینلی، گوجلو حافیظه سی اولان ایستعدادلی بیر گنج ایدی. او، شعر یازماق قابیلیتینه گۆره یولداشلاریندان سئچیلیردی. کند توپلارینا گلن آشیققلاری ماراقلا دینلییردی. داستانلاری و داستان هاوالارینى دقتله دینلہ یهن میکاییل اؤز شعرلرینه ده هاوالار بسته لییردی .

گئتدی کجه پوختلشن میکاییلی زامانین آمانسيز مشققتلری داها چوخ سیخماغا باشلادیقجا اؤز حیسلرینى گیزله ده بیلمیردی. اؤزونون گنج یاشلاریندا اوزلشدی قارانلیق بیر حیات حادثه سی اونون حیاتینى باشقا بیر سمته یؤنلتدی. اوخودوغو سینیفده او زامانکی دؤولت رهبری ایستالینین شکلینین اوزرینه مرکب تۆکورلر. قورخولو سورغو-سواللار باشلاییر .

۱. کۆنول آچان شعر یازسام اللر اونو الدهن آلا ر . سؤز گوجونو حقیقتدن بیر اورکدن دیل دن آلا ر . آجی سؤزلر زهر دادار آجی سینى صبر اودار چؤکور تیکان ال قانادار گول اترینى گول دن آلا ر . ایچدیم عشقین مین جامینى دويدوم اونون هر تامینى آزافلی دا ایلهامینى اؤز اوستادى ائلدن آلا ر .
۲. آغیر ائلر عاشیققیههه ایستر یاخشی-یامان منى اؤزوم اؤلسهه سؤزوم اؤلمز ساخلار اصل-زامان منى . سنتکارام سؤز باغیيام مین معناین بولاغیيام قم داغیندا قاف داغیيام بورویوب قار-دومان منى . یاشایانلار تئز قوجالار یاشامایان جاوان قالار آزافلینى یادا سالار مهربان دوست، گومان منى .
۳. نئچه فیرون شدات گلدى جاھانا تالادی-تالادی علی بوش گئتدی اؤلکه لر تالادی قویدو ویرانه قالادی، قالادی علی بوش گئتدی .

حېس و زېندان حياتی

آشيغين نه دئدينين فرقىنه وارمايان حكومت
آداملارى فورستين گلدينى آنلايب هوجوم پلانى
حاضرلاديلار. اونو حېس ائتمك اوچون گورجوستانين
اوزاق كندلرينين بيرينه تويا دعوت ائتديلر. ماشينينا
اولو سلاحلا برابر بير نئچه قيمتلى اشيا قويوب اونو
شرلهديلر. يئنى دن حېس اولوندو، ايستالينين حېس
اولوندوغو مئتئخ قالاسيندا زېندان سالىندى .
زېنداندا اولاركن ياخين دوستو آشيق موراد نيازلى
اونونلا گوروشور. آزافلى اونا دئير :

آشيق موراد، ائللر منى سوروشسا
دئين قهرى-قضا قوجاغيندادير .
اوركلر، كؤنوللر، ديللر سوروشسا
دئين فلكلرين اوجاغيندادير .

گرديشى-دونيانى ياراتدى
سبحان فرمانى شاه وئير،

فيتينه نى شيطان بلكه ده قورولدى عدالت-ديوان
دئين جانى جلالد بيچاغيندادير .
قوى دو زېندانلاردا جاني آزافلى
تؤكور گؤزلريندن قانى آزافلى
دوستلار خبر آلسا هانى آزافلى؟
دئينه قازاماتين بوچاغيندادير .

آزافلى داها سونرا اؤز ساچلارينين آغارماسينا بئله
خيئاب ائدير :

جاوانليغين محببتين عشقينه
آغارمايين آي ساچلاريم،

آماندير عهدى-پيمان صداقتين عشقينه
آغارمايين آي ساچلاريم، آماندير .
اولمازمى كى، قم چكيجه گوله سن
ندن بئله يانيب دؤندون كوله سن
يارى ياشا چاتمى سان هله سن
آغارمايين آي ساچلاريم، آماندير .

قارانلىق دونيانين قارانلىق سواللارى اونون مکتب دن
اوزاقلشماسينا زمين يارادير. بير مدت باشقا-باشقا
بؤلگه لرده دولانير، حتى قاراباغ بؤلگه سینه قدر گئديب
چيخير .

داها سونرا گنجه باساردا دولانير، بير گون معلملرينين
بيرى ايله راستلاشير. معلمينين تكليفى ايله آشيق ليق
صنعتينى اؤيرنمى قبول ائدير. عمى سى حسن كيشى
اونو آشيق يوسف يوسفوون يانينا شاگيرد وئير .

ايللر كئچدى ميكاييل سازى-سؤزو ايله تانينماغا
باشلادى. تحصيلينى داوام ائتديرمك مقصديله قازاخدا
گيمنازييا قبول اولوندو. لاکين روس-آلمان ساواشى
باشلادى. خيدمتته چاغيريلدى، ۴۱۶-جى تاقانروق
ديويياسيندا خيدمتته باشلادى، تحصيلى ياريمچيق
قالدى. خيدمتته آذربايجان ليلارا قارشى پيس
موناسيبتلر حؤكم سوردويو اوچون حاقسيزليقلارا
قارشى موباريزه آپاردى. سياسى محبوس كيمي
حېس اولوندو. محاربه قورتاردىق دان سونرا براتله
آزادليغا بوراخيلدى .

يئنى دن ائل شنليكلرينده، آغير تويلاردا ايشتيراك
ائتدى. صنعتينده يئنى يوللار آچيلدى. يئنى دن
قازاخدا ۲ ايللىك معلملر سئميناريياسينا قبول
اولوندو، لاکين سياسى محبوس اولدوغو اوچون
ايزنيلدى. ائل شنليكلرينين بيرينده آشيق اؤز
دونياسيندان بئله اوخودو :

اوريمده مين درديم وار بيل آشكارا دئيممرم .
منيم ايشيم حاق ايلدير طولمكارا دئيممرم .

آتام قوجا طبيعتدير، آنام عشقى-محببتدير
ايلك سئوديم حقيقتدير گئديب هارا دئيممرم .

دوست دو دوستو ساتان، آلان قويو قازان اودا
يانان دوزه ايرى، حاقا يالان چكين دارا دئيممرم .

فلک منى ووردو داغا گؤى دن بوزلار ياغا-ياغا
دئيرلر كى، اولاجاغا بوخديو چاره دئيممرم !

آزافلىيا درد اولسا دا جان قزايا اوغراسا دا
دؤوران منى دوغراسا دا آغا، قارا دئيممرم .



آزادلیق

بیر گون قازاماتین رئیسی قافار کیشی گلیب آشیغین عفو اولوندوغونو بیلدیریر. آزافلی آزادلیغا قوووشور و دونیایا بئله سسلنیر :

آی بختور قوجالمادین گیردین دوندان-دونا دنیا مین عصرلر، قرینه لر کئچدی ایلرلر سنه دنیا . صابیرله، شیروانی هانی؟

العسگرله، آشیق حسین عباسلا، قوربانی هانی؟ وورغون کیمی شاه سنتکار اولدوردون ایمامی هانی؟ توتدوغوندان اوتانمادین باخدین یئکخانا دنیا .

گل آزافلی میکاییللا بیر عدالت سؤز دانیشاق حیرصین-آجیغین توتماسین ایری اوتوراق، دوز دانیشاق. تاریخ، دؤوران، زمان کئچیر ایستر دوخسان، یوز دانیشاق اورک یاردیم، کله یاردیم تۆکدوم نئچه گۆز دانیشاق هئچ سیرریندن باش آچمادیم ایستر منی قینا دنیا .

پرولولوق: حؤرمتلی اوخوجو! تورک دونیاسینین گورکملی اوزانی و بسته کاری، آشیق صنعتینین بؤیوک اوستادی میکاییل آزافلی حاقیندا قلمه آلدیغیم "قوجا قارتال" داستانی آذربایجانین مستقیلیگی اوغروندا دؤیوشچولرین ایشتیراکچیسی، ۴۴ گونلوق ظفر محاربه سینین احتیاطدا اولان ظابطی نظامی باغیروو (جالال اوغلو) طرفیندن عرصه یه گتیریلدی .

نمونه‌هایی از کشتارهای شاهان خون‌ریز امپراطوری‌های هخامنشی و ساسانی

دکتر حمید رزاقی



شاهان هخامنشی:

۱. قتل عام شهر اوپیس توسط کوروش

در سال ۵۳۹ پیش از میلاد، کوروش به شهر اوپیس در بین‌النهرین حمله کرد. پس از مقاومت مردم، او دستور قتل عام ساکنان و غارت شهر را صادر کرد.
منبع: پی‌یر بریان، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۷، جلد اول، صفحات ۱۴۵-۱۴۷.

۲. قتل عام مردم نینوا توسط کوروش

بر اساس گزارش گزنفون در کتاب کوروش‌نامه، کوروش برای تسخیر شهر نینوا از غافلگیری در روز جشن استفاده کرد. او دستور داد خانه‌های مردم را آتش زده و هر کسی را که در کوچه‌ها پیدا می‌شود، بکشند.

منبع: گزنفون، کوروش‌نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، صفحات ۲۱۴-۲۱۶.

۳. نابودی تمدن لیدی توسط کوروش

پس از تصرف لیدی، کوروش قیام مردم این سرزمین را به شدت سرکوب کرد و بسیاری از ساکنان را کشت یا به اسارت برد.

منبع: پی‌یر بریان، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، جلد اول، صفحات ۱۱۴-۱۱۷.



ریختن سرب گداخته در گوش و چشم و کندن پوست بدن استفاده می‌شد.

منبع: کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، صفحه ۳۱۵.

۴. سرکوب خشونت‌بار مخالفان مذهبی

در زمان شاهپور دوم، مسیحیان تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفتند. مجازات‌هایی مانند مصلوب کردن، سنگسار، و زنده در دیوار نهادن برای آن‌ها اعمال می‌شد.

منبع: کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، صفحه ۳۴۱.

طبقه‌بندی جنایات شاهان هخامنشی و ساسانی

۱. قتل عام و نسل‌کشی:

قتل عام مردم اوپیس (کوروش).

قتل عام مردم نینوا (کوروش).

قتل عام مردم گیلان و دیلمان (انوشیروان).

۲. شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه:

به صلیب کشیدن و برده‌داری اسیران جنگی (هخامنشیان).

اعمال مجازات‌های وحشیانه مانند «نه مرگ» و ریختن سرب گداخته (ساسانیان).

۳. قتل‌های خانوادگی و سیاسی:

قتل ۱۸ شاهزاده توسط شیرویه.

سرکوب مخالفان مذهبی:

شکنجه و اعدام مسیحیان در زمان شاهپور دوم.

تصرف و مصادره زنان اسیر:

افزودن زنان اسیر به حرمسرای شاهان یا اهدای آن‌ها به فرماندهان.

۴. شکنجه و رفتار بی‌رحمانه با اسیران جنگی

شاهان هخامنشی پس از تصرف سرزمین‌ها، با اسیران جنگی رفتارهای خشنی داشتند، از جمله به صلیب کشیدن و به بردگی گرفتن آن‌ها.

منبع: والتر هینتس، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجیبی، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۱، صفحه ۳۱۵.

۵. تصرف و مصادره زنان اسیر

شاهان هخامنشی، از جمله کوروش و داریوش، زنان و دختران زیبای اسیر را به حرمسرای خود می‌بردند یا به سرداران خود هدیه می‌دادند.

منبع: یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰، صفحه ۲۴۷.

شاهان ساسانی:

۱. قتل عام مردم گیلان و دیلمان توسط انوشیروان

انوشیروان، شاه ساسانی، به دلیل مقاومت مردم گیلان و دیلمان در برابر حکومت مرکزی، دستور قتل عام آن‌ها را صادر کرد.

منبع: کریستن‌سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷، صفحه ۲۸۹.

۲. قتل عام خانوادگی توسط شیرویه

شیرویه (قباد دوم) پس از خلع پدرش خسرو پرویز، هفده یا هجده تن از برادران خود را در جلوی چشم پدرشان اعدام کرد و سپس خسرو پرویز را نیز کشت.

منبع: تاریخ طبری، جلد ۲، صفحه ۸۹۰.

۳. شکنجه و مجازات‌های وحشتناک در دوره ساسانی

در دوره ساسانی، مجازات‌هایی مانند «نه مرگ» اعمال می‌شد که در آن، اعضای بدن محکوم به تدریج قطع می‌شد. همچنین، روش‌هایی مانند



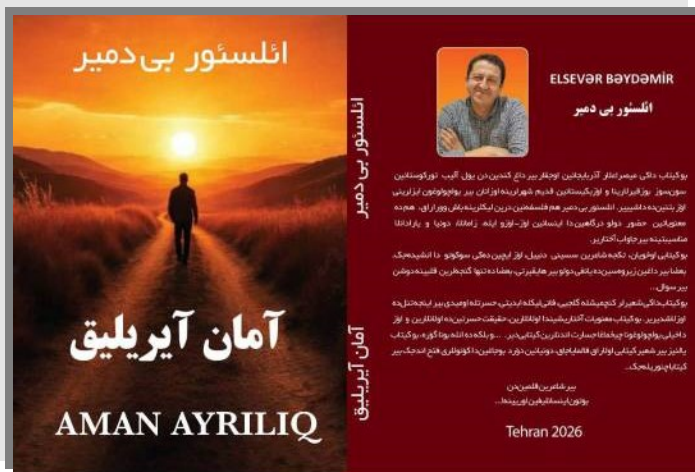
بیر کیتابین خوش طالعی

BİR KİTABIN XOŞ TALEYİ

مؤلف و یارادیجیلیغی حاقیندا

اٹلسئور بیدمیر یارادیجیلیغینی خیلی زاماندى ایزلیدییم مؤلفردندیر. گاه اوجقار داغ رایونون باشی قارلی داغلاریندان اسن مئهین سرینلیگی، بعضا اوجسوز-بوجاقسیز بوزقیرلاردان قوپان بورولغانلارین اوغولتوسونو حس ائتمک، بعضا اوزو قارانلیق دونیایا یوروشه چیخمیش فاتحلرین آتلازینین کیشنرتیسینی، بعضا دوغما یوردو یاغیلارین باسقینلاریندان قورویان باهادیرلارین قیلینجلارینین جینگیلتیسینی، بعضا ده چاناقالا ساواشیندا آتیلان مرمیلرین وییلتیسینی ائشیتیمک اولور بو شعرلرین نفسینده... بعضا ده قاراباغ

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)
Dr. Hüseyin Şərqidərəcək (SOYTÜRK)



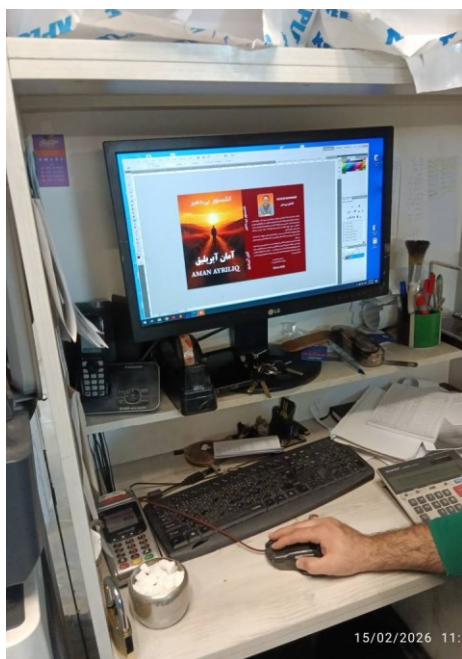
ظفرینین محتشمیلینی اؤز روحوندا داشیییر.

میسراعلار معنا دولو، سؤز بازاسی زنگین اولان شاعردير اٹلسئور بیدمیر، بعضا یازدیغی شعرلرین فلسفی یوکو او قدر آغیر اولور کی، تام درک ائلمک اوچون آدام بیر نئچه دفعه تکرار اوخومالی اولور. هم

اوخوجولارا تقدیم اولونان بو کیتاب قوربتده یاشاییب- یارادان شاعر اٹلسئور بیدمیرین ایلك کیتابیدیر. شاعرین «حسرت نغمه‌لری» آدلاندردیغی بو کیتابدا توپلانان شعرلر ماهیتجه اونون پوئتیک دیلله مراجعت ائتدی مؤوضولارا عایید فلسفی دوشونجه‌لریدیر. وطن سئوگیسی، تورپاغا باغلیلیق، الهی اینانچ، اولوی محبت، خیرخواهلیق، اینسانا محبت کیتابین اساس مؤوضولارینداندیر.

شعرلرین یازی دیلی زنگیندیر، آخیجیدیر، دوشوندوروجودور، تاثیر ائدیجیدیر، طبیعت و منظره تصویرلری مکملدیر. ایلك میصراعلاردانجا حس اولونور کی، مؤلف، تکجه آذربایجان تورکجه‌سینی دئییل، هم ده تورکیه تورکجه‌سینی مکمل منیمسمیشدیر و هر ایکی تورکجه‌دن یارادیجیلیغیندا ثمره‌لی فایدالانا بیلیر.

E 3103000005 (2025) © S. Abdulla
065(11)-2025 © E.Bəydəmir



صاحبینین بۇیوکلویونه گوونیر، بوتون وارلیغی ایله اونا اینانیر، سجده سینده دایانیر. ائلسئور بیر چوخ شعرلینده روحانی لیباسی گئیینیپ سونسوزلوق یولچولوغونا چیخیر، هئچلیکله نهایتسیزلیک آراسیندا وار-گل ائدیر، وارلیقلا یوخلوق آراسینداکی مسافه لری قطع ائتمک هوه سینده دوشور، کایناتین سیرلرینی آنلاماغا جهد ائدیر، زامان لاغیمینا باش ووروب حیاتلا ابدیت آراسینداکی مکمللیگی درک ائتمه یه چالی شیر.

ائلسئور بیدمیرین مراجعت ائتدی مؤوضولاردان بیر

ده، طبیعی کی، ابدی سئوگی مؤوضوسودور. بیر الهی وصال آرزوسوندا اولان مؤلف ایلك محبتین آغری-آجیلارینی، آریلیقلارین مشقتینی یاشادان و بونولا اونو حیاتا باغلايان تورپاغا، آنايا، وطنه، دونيايا،



عائله یه، اوولادا اولان سئوگی سینی حیاتین بوتون رنگ چالارلاریندا جانلاندیرماغی، سؤز-سؤز، میصرع-میصرع، شعر-شعر قلمه آلماغی باجاریر.

یارادیجیلیغی حاقیندا بو کیچیک یازی

ایله اوخوجولاردا تصور یاراتماغا چالیشدیغیمیز شاعر ائلسئور بیدمیر هله گنجدیر، اونون نئچه-نئچه مکمل اثرلر یاراداجاغی زامان هله قابقادی و اینانیرام کی، ایستعدادلی مؤلف بیزی ظنیمیزده یانلیتما یاجاق.

اونا بو آغیر یولچولوقدا اوغورلار آرزولاییر، بیر-بیریندن مکمل شعرلر یازیب-یاراتماق تمناسیندا بولونورام.

سلیمان عبدالله - شاعر،

آذربایجان یازیچیلار بیرلینین عضوو، پرتزیدنت تقاعدچوسو.

البته. آشاغیدا ائلسئور بیدمیرین یارادیجیلیغینا حصر اولونموش، کیتاب اوچون او یغون، ادبی-علمی اوسلوبدا، تخمیناً ایکی صحیفه حجمینده اؤن سؤز تقدیم ائدیره م. متن اؤن سؤز ژانرینا او یغون اولاراق

آذربایجان تورکجه سینی، هم ده تورکیه تورکجه سینی مکمل بیلن مؤلف، هر ایکی تورکجه نین ایمکانلاریندان ثمره لی یارارلانیر و اونلارین سینتتیزیندن عمله گلن

یارادیجیلیق نومونه لری چوخ گؤزل آلینیر و اوخوجو درحال حس ائدیر کی، ائلسئور بی اوست سوییه لی تورکیه تحصیلی آلمیش گنجلریمیزدندیر. اورتاق تورک دیلی مؤوضوسو گونده می ضبط ائتدی بی مقامدا دقتیمی جلب ائدن شعرلری بو مؤوضو اوچون ان گؤزل نومونه اولایلیجی قناعتینه ائله ایلك میصراعلاری نظردن کئچیره نده گلدیم.

بیر توران سئودالیسیدیر ائلسئور بی، ان بؤیوک

آرزوسو پارامپارچا اولموش آذربایجانین بوتؤولشمه سی، تورانین قورولماسیدیر.

معنوی پایتختیمیز تبریزه حصر ائتدی شعرلری دویغولانمادان اوخوماق ممکن دئییل. دئمک اولار کی، قلمه آدیغی هر

شعرده تورکچولوک، آذربایجان چیلیق

اؤزونو قباریق شکیده گؤستریر، اؤز میلی عظمتینه، میلی ازلیینه جان آدیغی حس اولونور، تمثیل ائدی میلیتین، دیلین، اینانجین، کئچمیشین محتشم لیگی دویولور. ائلسئور بیدمیره، میلیتینین، دؤولتینین ساغلام اؤزول اوزرینده برقرار اولاجاغی گلجین ده محتشم اولاجاغی اباندیر و بؤیوک توران ایدئاسینین یاخین زامانلاردا رئاللاشاجاغینا اولان اینامی تامدیر.

ائلسئور بی هم ده عرفان

شاعریدیر، اینانجی بوتؤودور، حاقا اولان اینامی شکسیدیر. او، بیر چوخ شعرلینده اولو یارادانا خطاب ائدیر، «قول حاقی» نین مدافعه سینده دایانیر، کاینات



ئىلىستور بىدمىرىن دىلە
مناسىبىتى خىصوصى قىئىد
اولونمالىدىر. اونون دىلى
سادە، آخىجى، لاکىن
درىن معنا قاتلارىنا
مالىك دىر. بو سادەلىك
پرىمىتۈپلىك دىئىل،



ەكسىنە، اوستالىق گۇستىرىجىسىدىر. مۇلف سۇزلە
اويناماقدان چوخ، سۇزە يوك وئرمىى باجارىر. هر
جملە اۆلچولوب-بىچىلمىش، هر مئتافورا شىعيرىن
روحونا خىدمت ائىدن شكىلدە قورولوب. اوخوجو بو
شىعيرلىرى اوخوباركن يورولمور، ەكسىنە، دوشونمەيە
وادار اولونور.

يارادىجىلىغىندا اينسان طالعىى مركزى مۇقەدە
دايانىر. ئىلىستور بىدمىر اوچون اينسان يالنىز
حادئەلەرىن اىچىندە سوروكلنن بىر وارلىق دىئىل؛ او،
سئچىم ائىدن، عذاب چكن، عصيان ائىدن و بعضا دە
سوسارق دىرەنن بىر اوبرازدىر. يازىچىنىن قەرمانلارى
چوخ زامان سىسسىز دىر، لاکىن بو سوکوتون اىچىندە
بۇيوك فرىاد گىزلىنىر. محض بو سىسسىز فرىاد
ئىلىستور بىدمىر يارادىجىلىغىنىن اساس بدىعى
گوجودور.

ئىلىستور بىدمىرىن اثرلىرىندە آنا اوبرازى دا خىصوصى
معنوى يوك داشىيىر. آنا تىكجە عائلىن يوخ، بوتۇو بىر
خالقىن سىموولونا چئورلىر. اونون چكىدى
اضطىرابلار، صبر و دۇزومو، ايتكىلر قارشىسىندا
سارسىلمايان روحو مۇلفىن ھومانىست دونياگۇرۇشونو
آيدىن شكىلدە اورتايا قويور. بو آنا اوبرازى اوخوجونو
دويغولاندىرماق اوچون دىئىل، دوشوندورمك اوچون
يارادىلىب.

مۇلفىن يارادىجىلىغىندا زامان آنلايىشى دا ماراقلى
شكىلدە تقدىم اولونور. كئچمىش، بو گون و گلەجك
بىر خط اوزرىندە دىئىل، بىر-بىرى ايلە دىالوق حالىندا
وئرىلىر. تارىخ مۇلف اوچون دونموش حادئەلر توپلوسو
يوخ، بو گونە تائىر ائىدن جانلى پروسس دىر. بو

ھم مۇلفى، ھم دە يارادىجىلىق خىطىنى درىنلىكلە
تقدىم ائدىر.

اۇن سۇز

ادىيات خالقىن يادداشى، طالعىى و روحنون يازىيا
چئورلىمىش خالىدىر. بو يادداشىن قورونماسى و
گلەجك نىسىلەرە اۇتورولمەسى ايسە سۇزە ويجدانلا
ياناشان، زامانىن آغرىلارىنى اۇز اىچىندەن كئچىرەرك
قلمە آلان صنتكارلارىن پايىنا دوشور. ئىلىستور بىدمىر
محض بئلە قلم صاحبلرىندىر. اونون يارادىجىلىغى
بىر فردىن شىصى دونياگۇرۇشوندىن داھا چوخ، بوتۇو
بىر توپلومون حسلرىنى، ايتكىلرىنى، اومىدلرىنى و
معنوى دىرنىشىنى عكس ائىدىرەن ادبى سالنامە دىر.

ئىلىستور بىدمىرىن اثرلىرىندە اوخوجو ايلك نۇوبەدە
صمىمىتلە قارشىلاشىر. بو صمىمىت صونعى
پافوسدان، شىعارچىلىقدان اوزاق، حياتىن اۇز اىچىندە
سوزولوب گلن حقىقتلر اوزرىندە قورولوب. اونون
پوئىتىك و نثر مئتلرىندە كندىن توزو، شىهرىن سوکوتو،
مهاجىرتىن آغرىسى، وطن حسرتى، آنا اوبرازى،
اينسانىن اۇز-اۇزو ايلە دىالوقو خىصوصى يئر توتور.
يازىچى اوچون مۇوضو سئچىمىندە داھا واجىبى
مۇوضويا مناسىبتىر و ئىلىستور بىدمىر بو مناسىبىتى
ھر زامان مسولىتلە قورور.

مۇلفىن يارادىجىلىق دونياسىندا وطن آنلايىشى يالنىز
جغرافىى مکان دىئىل. وطن اونون اوچون خاطرەلر،
ايتىرىلمىش سىسلر، يارىمچىق قالمىش طالعلر، كۇرپو
سالىنمامىش قوووشمالاردىر. بو باخىمدان ئىلىستور
بىدمىرىن شىعيرلىرى ھم تارىخى يادداشى دىرى
ساخلايان، ھم دە معاصر اينسانىن داخىلى
سارسىنتىلارىنى ايفادە ائىدن بدىعى سىندلر تائىرى
باغىشلايىر. او، كئچمىشى نوستالژى ايلە دىئىل،
مسولىتلە خاطرەلار دىر؛ بو گونون سواللارىنى ايسە
ويجدان سوزگىچىندەن كئچىرەرك اوخوجويا تقدىم
ائدىر.

بعضا يول آيريجيندا سنى آرادى گۇزوم،
سنسىز اوميدىم سينار، يوخلۇغوندا نە چىخار؟
وارليغين حيات اولور و يا هيجرانا دۇزوم،
ايچيمده كۆك سالميسان، سنى تك اولوم يىخار .

بعضا چاره يوخ ايكن هر شئى بيترجه سينه،
حيات اۇزولو كيمي بيردن فيليزلىرىسن . *
هر تورلو مشقته يالنىز يئترجه سينه،
طالعين گۇز ووردوغو جيلوهده گيزلىرىسن .

سئودالار دايانيلماز بير يارادير ايچيمده،
سئودالارا گوج وئره ن اصيلزاده سويلوسان .
ايللردير ياشاميشام درديمله بو بيچيمده،
باش قويدوغوم يوللارا سن ده اوزوقويلوسان .

قوروموش تورپاقلارا سو وئره ن ياغمور كيمي
بير نيزه تسليسن، چيسكسن اوريمه .
اۇزومو حس ائديره م باسيلمايان سور كيمي
اندامينلا طلوع لنن بزكسن اوريمه .

بيلمه م، ايندى هارداسان - عقبادا، محشرده سن؟
گل ده قووش روحوما، آغريلاريمي ديندير .
بيليرم، سونسوزلۇغون باشلادىغي يئرده سن،
گل، بو سونسوز يوللاردا اوريمى سئويندير .

بخارا BUXARA

يئنه حزين بير آخشام ...
دار و شيرين كوچهلر ...
روحوم سوزولوب گئدير،
تعريفى ائشسىز آنلار ...
كريبجىدن ديوارلارا
حك اولونموش زامانلار ...
سن تاريخين اۇزوسن -
بخارا .

ياناشما ائلسئور بيدميرين اثرلرينى ساده جه ادبى نظم
يوخ، هم ده معنوى - اجتماعى دوشونجه پلاتفورماسينا
چئويرير .

بو كيتابدا توپلانان اثرلر ائلسئور بيدميرين
ياراديجيلىق يولونون آيرى-آيرى مرحلهلرينى عكس
ائتديرير. اوخوجو بو متنلر واسطه سيله مؤلفين
دوشونجه تكاملونو، مؤوضو دايره سينين
گئنيشلىنمه سيني و بديعى آختاريشلاريني آيدين
شكيلده ايزله يه بيله جك. بو، عيني زاماندا بير
يازچينين اۇز زامانينا وئردى صميمى حساباتدير .

نتيجه اعتباريله، ائلسئور بيدميرين ياراديجيلىغي
معاصر آذربايجان ادبياتيندا معنوى مسوليت داشيان،
سۇزون ديريني قورويان و اوخوجونو پاسسيو
مشاهيده چى يوخ، دوشونن طرفداش كيمي گورن
بير ياراديجيلىق نومونه سيدير. بو اۇن سۇز اوخوجونو
همين ياراديجيلىق دونياسينا دعوت ائدير -
سس سىز، لاکين درين؛ ساده، لاکين آغير معنالى بير
دونيايا .

اوميد ائديرىك كى، بو كيتاب ائلسئور بيدمير
ياراديجيلىغىنى داها گئنيش اوخوجو کوتله سينه
تانيداجاق و اونون سۇز دونياسى ايله يئنى معنوى
كۇرپولر قوراجاق .

دؤكتور حسين شرقى دره جك (سوى تورک)
آذربايجان و ايران يازچيلار و ژورناليستلر بيرلينيى عضو
تهران ۱۲، ۰۲ . ۲۰۲۶

شعيرلر شاعير ائلسئور بى دميردن دير

ŞEİRLƏR ŞAİR
ELSEVƏR BƏYDƏMİRDƏNDİR

اوميدلر ÜMİDLƏR

هانسى بير دنيزده سن، هاراي ايتلكن آچدين؟
او شيمشك لؤوبرينى اوزاق ليماندا سالدین .
سوزوب حر قوشلار كيمي هانسى ديارا اوچدون،
كؤچرى قوشلاريني قانادلاريندا قالدین؟

گۆزلنن آلتون چاغ
GÖZLƏNƏN ALTUN ÇAĞ

مىن ايللردى مؤژدهسى وئريلن آلتين چاغيم،
آرزولاريم اووجومدا توراب اولدو، گلمدين .
يوللارا پرچىملىب انتظارلى باخيشلار
گۆزله مكدن گۆزلريم خاراب اولدو، گلمدين .

فريادلار، آه-نالهلر ارشه چيخيمش، نه حالدير؟
بىر مسيح ظهور ائتمهسه، دوزلمهسى محالدير .
اينسانليغين ناموسو، عفتى پاييمالدير
مظلومون بوينو بوكوك، بيتاب اولدو گلمدين .

يئتمزمى آزغين ظالم، يئتمزمى بونجا كينين؟
يوخدورمو، حاقسىز دونيا، بىر تسلىن، تسكينين .
ظلم آلتيندا اينلهين يئتميم، يئسىر، ميسكينين،
گۆز ياشى حيرانلارا شراب اولدو گلمدين .

بىر گون سن قايدىنجا قيرىلاجاقدى بوتلر،
يوسيفيمين اونونده سيناجاقدى كيليدر .
آغ آتلى ايگيديمسن، - دؤنوشونه اوميدلر،
آرخان ايله سپيلن گولاب اولدو گلمدين .

حسرتيندن قورودو، چوراق اولدو واديلر،
سولاردا سنى گزدى ياشىلباشلى باديلر .
سنى مؤژدهله ديلر، گلن توم مناديلر
سندن اونجه داستاين كيتاب اولدو گلمدين .

اينسانليغين آديندان گونده مين كس ايليم
سجده-سجده يالواريم، دعااا قالسين اليم
گل آرتيق آلتين نسيل، چين اولسون آلتين ديليم
گليشين چوخ گنج اولدو، عذاب اولدو، گلمدين

شكىلله ده قوجالير...
ŞAKILLƏRDƏ QOCALIR...

شكىل وار بىر عمرون سالنامه سيدير،
شيرينلى، آجيللى گونلر عكس ائدير .
هانسيسا خاطره دونور شكىلده،
دونموش باخيشلاردا ايللر رقص ائدير .

شكىل وار كى خاطرهسى بال اولور
ان گۆزل حسلرين اوردا قالارميش
اول دوشونوردوم شكىل لال اولور
ان چوخ دانيشان دا ائله اونلارميش .

شكىل وار باخينجا سنى آپاير،
بوتون وارليغيندان اوزاقلاشيرسان .
شكىل وار باخينجا ساچين آغارير،
شكىل وار باخينجا اوشاقلاشيرسان .

شكىل وار اليه ييغيب بىر قوما،
يانديريب اوزونه باخماغين گلير .
شكىل وار سادهجه دؤنور آلبوما،
نينكى اوزونو آچماغين گلير .

شكىل وار دوغمادير دوستدان، قارداشدان
صاحبيندن قالان وكيللر كيمي .
شكىل وار اوزونه بويلاير داشدان،
باخينجا دونورسان شكىلله كيمي .

بو دونيادا هر شئى سونا يول آير،
سونسوزا آشينا اوجالير آنجاق .
ائله بيلمه هر شئى شكىلده قالير،
حيف شكىلله ده قوجالير آنجاق .

سنین اوچون SƏNİN ÜÇÜN

هاچان ایلاهی؟ Haçan ilahi?

چوخ آچیلدی آیریلیغین آراسی،
نقصان اولار دئسه، آی جان پاراسی.
آی گۆزومون فری، آغی-قاراسی،
حسرت-حسرت باخیشلاریم سنینچون.

بوتون آیریلانلار بیرلشه بیلدی،
بیزیم بیرلیمیمیز هاچان، ایلاهی؟
آیریلیغین یاشی ایکی یوز ایلدی،
سن سەن کیلیدلری آچان، ایلاهی!

هر دؤیونوش سس سیز چاغری سینهمده،
چوشوب دورار سنه دوغرو سینهمده،
سئودا آدلی شیرین آغری سینهمده-
اوریی می سیخیشلاریم سنینچون.

سرحدلر چکیلدی بیزه داغ کیمی،
خاین حسابلان دی سرحددن اؤتن.
اؤز یوردوم ساییلدی یاد تورپاق کیمی،
سرحدین ایچی می، چؤلومو - وطن!؟

سئومک حاق سا، سئومک اوچون ازیم وار،
بو یوللارین هر داشیندا ایزیم وار،
یار یولوندا هر محنته دؤزوم وار-
ائیشلریم، یوخوشلاریم سنینچون.

بیر دیل دانیشساق دا، آیری دوشموشوک،
بیر قان سویداشیم دان یاد سایلمیشام.
او تایدان بو تایا درد بؤلوشموشوک،
من اؤزوم-اؤزومدن اوزاقلاشمیشام...

قورورومو یئرہ اییب دورموشام،
رنگلرین دن لیباس گئییب دورموشام،
هر آددیمدا سنی دئییب دورموشام-
صحبتلریم، چیخیشلاریم سنینچون.

آرازین ساحلی سوکوتا باتیب،
آیریلیغین نغمه سینی چالمیشیق.
آرزولار، اومیدلر ائله باش قاتیب،
اورکدن-اوریه کۆرپو سالمیشیق...

سن اللها، من ده سنه وورولدوم،
گۆز یاشیمدا تمیزلنیب دورولدوم،
یاناغیمدان یاناغینا بورولدوم-
گیله-گیله آخیشلاریم سنینچون.

او گون گله جک می؟ هله بیلیمیرم،
اومیدیم توکنمز، یانار کۆز کیمی.
وطن دن وطنه گله بیلیمیرم،
سرحدلر تیکان لی، یوللار بوز کیمی...

هر نغمه ده سنی، سنی اوخودوم،
گوله دؤندوم، سنین کیمی قوخودوم،
هر دئتایدا سنی هؤردوم، توخودوم-
ایلمه-ایلمه ناخیشلاریم سنینچون.

بوتون آیریلانلار بیرلشه بیلدی،
ایلاهی، بیزی ده قوووش دور بیزه!
وطن پارام-پارچا ایکی یوز ایلدی،
تک پارچا یئرلش سین خریطه میزه!

ده آدليم و شيك مدرسه لرده درس اوخوموشدولار. اونلارين بوتون دونياسى؛ او محروم محله نين شلوغ كوچه لرى، يان-يان دوزولموش گنجه قوندو ائولرى و بير ده اتالارى نين زحمتدن چاتلاميش اللرى ايدى.

دوشمنين داش اوره گى

اما او گنجه، قارانليغين ايچيندن چيخان دوشمنين قدارليغى، بوتون اينسانليغى اوتانديردى. دوشمن نه قدهر داش اوركلى، نه قدهر موردار و كينه لى اولمالى ايدى كى، پولاددان و آلودان يارانميش اولوم ماشينلاريني، يوخودا اولان ساوونماسيز بير محله نين اوستونه توشلاسين؟ او قانسيز جلادار، گوزلرينى كين-كودورت توتوموش وحشيلر كيمي، هنج بير گوناھى اولمايان اوشاقلارين اوستونه اولوم ياغديرماقدان ذره قدهر ده تيتره مه ديلىر.

كاسيب هميشه قورباندير...

آذربايجاندا ائل آراسيندا دئييلن او آجى سؤز، بير داھا اؤز قارا اوزونو گؤستردى: «كاسيب، هميشه جنگين و قدارليغين ايلك قوربانى دير».

آى ظاليم و شرفسيز دوشمن! يئر اوزو قورتولموشدو؟ آخى بو اوشاقلار هانسى باغين آلماسينا داش آتميشديلار؟ بيز اونسوز دا عدالت سيزليك ايچينده، صيفر شهرى امكانلارلا ياشايان اوشاقلار ايديك، ندن بيزه قييدينيز؟

بيزيم مدرسه لريميزده هر كلاسدا قيرخ-اللى اوشاق بير-بيرى نين نفسينده درس اوخويارديق. نه بير پاركيميز وار ايدى اوينا ماغا، نه بير تفريح يثريميز اوشاقلق ائتمه يه. گوزلريميزي آچاندان، عائله لريميزين «دوقوزونو اونا دويمه سيني» گوردوك. شهرين مركزينه گئتمك اوچون سينيقي-سالخاق اتوبوسلارين يولونو ساعت لارلا گوزله مك، بيزيم يئنى يئتمه ليگيميزين آجى عادتلى ايدى. بونلار آز ايدى، بير طرفدن ده قيزلاريميزي و آنالاريميزي

قره باغى نين (تبريزده محله آدى)

سسيز نيسگىلى و دوشمنين

قارا اوره گى

محمد شكرى - او محله نين قديم بير اوشاغى



بو، تبريزين غريب و محروم بير گوشه سينده، سؤنموش اولدوزلارين و داش اوركلى بير دوشمنين قدارليغى نين حزين داستانى دير؛ او يئرده كى يوخسوللوق و معصوميت ال-اله وئريب، آغريلى و قانلى بير تاريخه چئوريلدى. من، او محله نين قديم توزلو، ايندى ايسه قاينار و شلوغ كوچه لرينده بوي-باشا چاتان بير اوشاق كيمي، بو آغرى نى ايليگيمه قدر حيس ائديرم.

سسيز گنجه نين فاجيعه سى

تبريزين باغريندا، «قره باغى» محله سينده، گنجه نين قاپ-قارا سيخيچى سسسيزليگى حاكيم ايدى. او گنجه، محيا ايله فاطمه نين كيچيك اوركلرى صبحه دوغرو دؤيونوردو. اونلار، دونيانين رانتيندان، ددبه لى امكانلاريندان و شهرين آلداديچى ايشيقلاريندان اوزاق، اؤز كيچيك و ساده ائولرينده يوخو عالمينده ايديلر. اونلار نه ياشيل پاركلاردا قاچيشميشديلار، نه



داروهای ضروری و اقلام درمانی را در کیف نجات خود داشته باشید.

یک داروخانه اضطراری خانگی باید بر اساس شایع ترین نیازهای پزشکی در زمان بحران تهیه شود. کنترل درد و تب، پیشگیری از کم آبی، کنترل آلرژی، مراقبت از عفونت، کنترل و مراقبت از مسمومیت غذایی و ناراحتی گوارشی، کنترل استرس و اضطراب، اقلام مورد نیاز برای کمک های اولیه و نهایتاً مکمل ها و ویتامین ها

۱. مسکن ها و تب برها

برای کاهش درد، تب و التهاب باید داروهای مسکن زیر را به همراه داشته باشید:

استامینوفن

ایبوپروفن

ژلوفن

ناپروکسن

نوافن (استامینوفن، کافئین، بروفن)

سرماخوردگی، آبریزش بینی و سرفه

سایر ضد دردهای غیراستروئیدی

به صورت قرص و شیاف و شربت به اقتضای سن

این داروها کاربرد عمومی دارند و مصرف آن ها در

شرایط جنگی بسیار رایج است

۲. داروهای ضد عفونت و آنتی بیوتیک

ابتلا به انواع عفونت ها در شرایط بحرانی بسیار رایج است، بنابراین قرص و پمادهای زیر را به همراه داشته باشید:

پماد آنتی بیوتیک (مانند موپیروسین تتراسایکلین)

کرم های ضد قارچ (مانند کلوتریمازول تربینافین

کتوکانازول میکونازول)

کرم های سوختگی (مانند زینک اکساید، پماد روغن

ماهی، کرم سیلورسولفادیازین، ادیب، آلفا) قرص

وکسپول های آنتی بیوتیک (مانند مترونیدازول

، سفالکسین سفیکسیم آموکسی سیلین)

اینجیدن یئرسیز تعصب لرین آغیر یوکونو داشیییردیق.

گوئن اممد گویرچینلر

سیزین قدارلیغینیزین سینه سپری بو گوئن اممد معصوم بالالارمی اولمالی ایدی؟ سیزین مدرن سیلاحلارینیز، بیزیم پالتاری «تاخما مارک»، آما اوره گی بو یوک بالالاریمیزی هدفه آلدی. بو محله نین اوشاقلاری، یاشادیققلاری یئره گویره هر زمان قیناندیلار؛ اولنلار «حاشیه نشین» دئییلدی، «سه راهه سرگردان» دئییلدی، آما هئج کیم دوشونمه دی کی، بو صیفر امکانلار ایچینده دؤیونن جسارتلی اورکلرین

طالعی، نیه بئله وحشیجه سینه یازیلمالی ایدی؟

محیا ایله فاطمه، بوگون تبریزین کدرلی باغریندا تکجه بیر یارا یوخ، دوشمین قدارلیغی نین ان بو یوک سندی کیمی قالدیلار. اولنلار نه رانت بیلیردیله، نه اوشاق حقوقو، نه ده دونیانین چیرکین سیاستلرینی.

اولنلار فقط یاشاماق ایسته ییردیله...

ایندی قره باغی محله سی داها دا سسسیزدیر. اولن فقط ایکی اوشاق دئییل، اولن اینصافدیر، اولن اینسانلیقدیر. محیا و فاطمه نین ناحق یئره تۆکولن قانی، او توزلو کوچله رین غئیرتلی توپراغینا قاریشدی، تا دنیا بیلسین دوشمین الی نه قدهر قانا باتیب. گوئلردن بئله مظلومون سسی ائشیدیلدی، آما دوشمین کار و قارا اوره گی هئج واخت ایشیق اوزو گوومه یه جک.

روحوز شاد، قدارلیغین قوربانی اولان گوئن اممد

گویرچینلریم ♥ ...

داروهای ضروری برای شرایط

بحرانی و جنگی

در زمان جنگ، امکان دسترسی به داروخانه و مراکز درمانی محدود می شود. بنابراین، باید مجموعه ای از

می‌تواند به کاهش تنش روانی کمک کنند، برخی از این اقلام دارویی عبارتند
 مکمل‌های حاوی ملاتونین؛ برای بهبود خواب
 قرص‌های آرام‌بخش گیاهی مثل والرین، بیدمشک
 ،رازک، گل‌گاوزبان
 قرص پروپرانولول ۱۰ یا ۲۰؛ برای کنترل تپش قلب و
 پنیک‌اتک (حمله عصبی)
 قرص سرتالین، فلوکستین یا سیتالوپرام؛ برای
 افسردگی و اضطراب
 قرص آلپرازولام؛ ضد استرس و خواب‌آور
 قرص کلردیازپوکساید برای کنترل اضطراب شدید
 توجه! به خاطر داشته باشید قبل از تهیه انواع
 داروهای آرام‌بخش، باید با پزشک یا داروساز مشورت
 کنید و از مصرف خودسرانه این داروها جدا خودداری
 کنید.

۷. محلول‌های ضد عفونی و وسایل پانسمان

(مانند سرم شستشو، بتادین، الکل ۷۰، کلرهگزیدین
 ،باند پانسمان گاز استریل چسب زخم کیسه اب گرم
 و سرد، تب سنج، ماسک یکبارمصرف).

۸. مکمل‌ها و مولتی ویتامین

در شرایط بحرانی پیش‌بینی اینکه تغذیه مناسب
 خواهیم داشت یا نه، آسان نیست بنابراین این میتوان از
 کپسول و پودرهای مکمل و مولتی ویتامین برای
 جبران استفاده کنیم

نظیر ویتالیتون

مولتی دیلی

مولتی ویتامین مینرال

مولتی ویتامین تراپوتیک

پودر گین آپ

انشور

وی ام پروتئین و...

۳. داروهای گوارشی پر کاربرد

ضد اسهال (لوپرامید)

او آراس (برای جبران کم‌ابی)

داروهای ضد تهوع (متوکلوپرامید اندانسترون)

داروهای رفلکس و سوزش معده (امپرازول پنتوپرازول

فاموتیدین و)....

داروهای آنتی کولینرژیک نظیر هیوسین و

دیسیکلومین (ضد اسپاسم و درد شکم)

۴. داروهای ضد حساسیت

در شرایط بحرانی تماس با گردو غبار و آلودگی
 افزایش یافته و واکنش‌های آلرژیک شایع‌تر
 میشود بنابراین این بهتر است یکی از داروهای زیر را به
 همراه داشته باشید

لوراتادین

نثوتادین

ستیریزین

هیدروکسی‌زین

فکسوفنادین

امپول هیدروکورتیزون کلرفنیرامین و اپی نفرین
 (برای افرادی با سابقه واکنش‌های شدید آلرژیک)

۵. داروهای بیماری‌های مزمن

اگر شما یا اعضای خانواده‌تان بیماری‌هایی مثل
 دیابت، فشار خون، آسم، مشکلات کلیه و کبد، کم
 کاری و پرکاری تیروئید، بیماری‌های خود ایمنی
 و... دارید، حتماً داروهای مخصوص هر فرد را به تعداد
 کافی و به همراه نسخه پزشک نگه دارید. بهتر است
 نام دارو و دوز مصرفی روی کاغذ جداگانه‌ای نوشته
 شود.

۶. داروی آرام‌بخش، ضد استرس و اضطراب

در شرایط اضطراری، کنترل اضطراب و حفظ آرامش
 ذهنی اهمیت زیادی دارد. قرص ضد اضطراب

بدیعی فکر تاریخیمیزده نسیمی زیروهسی

BƏDİİ FİKİR TARİXİMİZDƏ NƏSİMİ ZİRVƏSİ

صنعتکارلیغی، اوسلوبو، دیلی، افاده طرزى، فلسفی فکرلى، فسونکار شعرى سایه سینده بؤیوک شهرت قازانان، یاشادیغی دؤورده و اؤزوندن سونرا یئتیشمیش بیر چوخ شاعر و عاشقلارا گوجلۇ تأثیر گؤسترن نسیمی غرور منبعیمیزدیر .

دؤورونون کامل ساوادلی آداملاریندان اولان شاعرین اثرلرینده جلال الددین رومینین، شمس تبریزینین، سعدینین، ابن سینانین، عطارین و باشقالارینین آدینی چکمه سی چوخ مطلبلردن خبر وئیر .

شاعر دؤورونون علملرینی مکمل اؤیرنمیش، دینی-فلسفی اثرلر و طریقتلر اونو داها چوخ مشغول ائتمیشدیر. اسلاملا باغلی بیلکیرلرین سویییه سی، شریعت حکملری و قرآنین شرحلری ایله باغلی مکمل بیلکیره مالک اولماسی، دیگر سماوی کتابلارا (تورات، زبور، اینجیل) بلدیگی، فلسفی بیلکیره دریندن ییهلنمه سی نسیمین مکمل مدرسه تحصیلی آلدیغینی گؤستریر .

نسیمی زنگین ارث قویوب گئتمیشدیر. اونون آذربایجان و فارس دیلرینده دیوانلاری واردیر. علم عالمینه اونون عربجه شعرلری ده معلومدور. بو داهی فضولیده ده بئلدیر. نسیمین ده، فضولینین ده عربجه دیوانی اولدوغو قید اولونسا دا، اوزه چیخاریلما ییب. قناعتیمیز بئله دیر کی، انسان بیر نئچه دیله دانیشا بیلر، لاکین اصل پوئزیا نمونه لرینی بیر-یکی دیله یازادا بیلر. زامان و محیطی نظره آلاق گمان ائتمک اولار کی، نسیمین وقتیندا و حتی اوندان دا چوخ-چوخ اول حاکم دیل عرب دیلی اولدوغوندان، آذربایجان دیلیندن عرب دیلینه بدیعی ترجمه تجروبه سی اولوب. کیم بیلیر، بلکه ده ایندی عرب دیلی آذربایجانلی شاعر کیمی تانیدیغیمیز یازارلارین چوخو وقتینده آذربایجانجا یازیب، اثرلری اوخونوب-یایلماق

پروفسور غضنفر پاشایئو

Pror.QƏZƏNFƏR PAŞAYEV

برگردان : دکتر حسین شرقی دره جک



آنادیلی شعریمیزدا فلسفی غزلین و قصیدینین، عاشق یارادیجیلیغیندا قیفیل-بند دئییشمه لرین، «الف-لام» و «ترس الفبا» نین بانسی، قوشما و دیوانی کیمی ژانرلارین تکاملونه تکان وئرن، آذربایجان ادبیاتی تاریخینده مستزاد، مربع و ترجیبندلرین ایلك نمونه لرینی یارادان نسیمی کلاسیک شعریمیزین و عاشق یارادیجیلیغینی مضمون و ایده باخیمیندان زنگینلشدیرن، مکتب یارادان قدرتلی شاعریمیزدیر .

نسیمی شناس عالم، پروفسور جهانگیر قهرمانوون گؤستریدی کیمی، ۱۴-جو عصرین سونلاری، ۱۵-جی عصرین اوللریندن باشلا یاراق زمانه میزه قدر آذربایجان، اورتا آسیا (ترکستان)، آنادولو، ایران، عراق کیمی اؤلکه لرده ادبی-اجتماعی فکری مشغول ائدن،



دوشدو كمندى- زلفونه كۆنلو نسيميني، نئجه

جانى بو رسمه يانماسين، كۆنلو بو حاله دوشمه سين .

گلناريم و ناريم، چيچگيم، ميوه لى باغيم،
لاله م، سمنيم، سنبل و ريحانيم، افندى .

عشقينده نسيمي ديلميش جانيني قربان،
قربانينا قربان اولو بو جانيم، افندى .

اي كۆنول، شاد اول يئنه، محبوب رعنادير گلن،
يولونا جان وئردىگيم، ماه دل آرادير گلن .

گلدی فغانه جان يئنه، نى كيمي، سوز درد ايله،
كيم نه بيلير بو خسته نين دردى ندير، دواسى نه؟

يوزونو مندن نهان ائتمك ديلرسن، ائتمگيل !
گۆزليم ياشين روان ائتمك ديلرسن، ائتمگيل !

جانانى منيم سئودىگيمي جان دخى بيلمز،
كۆنلوم ديلگين دنيا دا جانان دخى بيلمز .

لبينه اهل نظر جان دئديلر، گئرچك ايميش،
آغزينا نقطه پنهان دئديلر، گئرچك ايميش .
نسيميني دنياگوروشونه و ياراديجيليغينا دينى-
فلسفى شعرين ترقيسينده مهم رولو اولان ماراغالى

اوچون عرب ديلينه ترجمه ائديليب. محض بونا گۆره دير
كى، دوغوم و اولوم تاريخى معلوم اولمايان، ۱۳-جو-۱۴-
جو اثرلرده ياشادىغى تخمين ائديلنحسن اوغلو شيخ
عزالدين آنادىللى شعريميزين ايلك معلوم نمايندهسى
حساب اولونور. شاعرين زمانه موزه قدر گليب چيخان
آذربايجانجا ايكي، فارسجا بيرجه شعرى واردير. حسن
اوغلودان آز سونرا يازيب-يارادان، قاضى برهان الددينين
(۱۳۹۸-۱۳۴۴) معاصرى، حيرتاميز شعرى ايله دؤوروندىن
چوخ يوكسكده دوران شاعر نسيميدير. ادبى-بديعى
كاملينه گۆره اوزوندىن سونراكى بير چوخ شاعرلر اؤرنك
اولان نسيمي شعرينين بئله فسونكار يارانماسينا قدر
آنادىللى شعريميز، شهبه سيز، بير تكامل يولو كئچمه لى
ايدى .

كلاسيك ادبياتيميزين تدقيقات چيسى پروف. عليار سفرلى
۱۳-جو عصرده آذربايجانجا يازيلميش «داستان احمد
حرامى» شعريندن دانىشاركن دوغرو اولارق وورغولاير:
«بو اثر دوغما ديلميزده يازيلميش ايلك مثنوى كيمي
چوخ سعجويدير... اؤزومخصوص بديعى-نظم عنعنهلر
مالك اولمايان بير خلق ۱۳-جو عصرده آنا ديلينده بئله بير
گۆزل، مكمل صنعت اثرى يارادا بيلمزدى.» ۱۵
پروفسور ع.سفرليني سؤزلرى هدفه دوز دوير. اگر بديعى-
نظم عنعنه اولماسايدى، نسيمي آذربايجان ديلينده محبت
ليريكاسينين ان گۆزل نمونه لريني نئجه ياراداردى !
دوشدو يئنه دلى كۆنول گۆزلىرين خيالينه،
بيلميرم بو كۆنلومون فكرى ندير، خيالى نه؟
شاعرين ليрик محبت شعرلى اولنارجادير. اولارين بير
نئجه سيندن بير-ايكى بيت وئرمكله كفايتلنيريك.

قوشمالاريندان نمونه لر :

دوداغين قند ايميش، بال اوندا نئيلر؟
بو زيبا خط ايميش، خال اوندا نئيلر؟

منه سنسيز جهاندا جان گر كمز
وصالين وار ايكن هجران گر كمز .
باشقا شعر شكلكلريندن نمونه لر :

آينه وئرميشم كۆنول، آلى چوخ آله دوشمه سين،
ياناغينين قيزيل گولو اوستونه ژاله دوشمه سين .



نسیمینین نذیره سیندن :

فلیین اصلی نندیر، ملیین نسلی نندن؟
آدمین صورتینه بونجا طلبکار نذیر؟ ۱۶

اودو سو، تورپاغ و یئل آدی نندیر، آدم؟

اونا سجده نه اوچون، ایلیسه انکار نذیر؟

نسیمی ده اؤز نؤوبه سینده شاه اسماعیل خطایی،
جهانشاه حقیقی، حبیبی، فضولی، حتی واقف کیمی
بؤیوک صنعتکارلارین یارادیجیلیغینا گوجلو تأثیر
اتمیشدیر .

نسیمینین فضولی یارادیجیلیغینا تأثیرینی شاعرین
نسیمینین «نئیلرهم»، «آرزولار»، «ایمیش» و
«اوینار» ردیفلی غزلرینه نذیره یازماسیندان دا
گؤروروک. ماراقلیدیر کی، بو داهی شاعرلرین هر
بیرینین «نئیلرهم» و «اوینار» ردیفلی تکجه بیر غزلی
واردیر .

هر شاعرین «اوینار» شعریندن دؤرد بیتتی تقدیم
اندیریک .

نسیمینین «اوینار» یندان :

سحرده گولروخون، شها، چو گلشنده گلاب اوینار،
آنی گؤروب صفاسیندان فلکده آفتاب اوینار .

عجب ذات مطهرسن، نذیرین یوخدور، ایی دلبر،
وجودین نور برقیندن جمالیندا نقاب اوینار .

قورولدو شاهوار مجلس، چالینیر چنگ و نی، قانون،
ترنوملر قیلیر مطرب، آرا یئرده شراب اوینار .
جهان عکسینه دؤنموشدور، مگر آخیرزaman اولدو،

اوحدی گوجلو تأثیر اتمیشدیر. آکادئمیک حمید
آراسلی بو مناسبتله یازمیشدیر :

-اوحدی حیاتدا و کایناتدا اولان ضدیتلری گؤروب،
بو ضدیتلرین معناسینی درک ائتمه یه چالیشمیشدیر.
او، «وارلیغین اساسی نذیر؟» - سوالینی قویور، حل
ائتمک ایستدیکده، وحدت وجودا گلیب چیخیر.

اوحدی یارادیجیلیغیندا قویولان ایدئیا حروفیلر
طرفیندن اساساً قبول ائدیلب. نسیمی استثنا تشکل
اتمیردی. بو او دئتمک دیر کی، داهی نصرالدین
طوسینین اورتایا قویدوغو، یونس امرنین نظمه
چکدی :

شریعت، طریقت، بولدور گئدنه،

حقیقت، معرفت اوندان ایچری -

دؤردلوک فلسفه سینی گلیشدیرن اوحدینین
تعلیمینی نسیمی قبول اتمیشدیر. نسیمییه گؤره
حیاتدا شریعت، طریقت، معرفت، حقیقت
مرحله لرینی کئچن انسان حقیقتی درک ائتمک،
یارادانا قوووشماق مقامینا چاتیر .

اوحدینین ایدئیا لاری نسیمییه او قدر درین تأثیر
اتمیشدی کی، حتی اوحدینین «چیست» - «نذیر»
قصیده سینه نذیره یازمیشدیر. اوحدینین فارس
دیلیلندن حرفی ترجمه ائدیلمیش قصیده سیندن :

بو اولدوزلارلا بز نمیش چرخ نذیر؟

بو کینلی، دعواکار طالع نذیر؟

اللهی اؤز نفسینله تانیماق لازیمدیر،

اؤز نفسین نذیر، پروردگار کیمدیر؟

بیر آریدا هم زهر وار، هم بال،

بیر یئرده ایلانلا خزینه نذیر؟

منزیل بیر، یول بیر، گئدیش بیر،

بس هر طرفده مینلرجه تفرقه نذیر؟ و س .

(باخ: حمید آراسلی. آذربایجان ادبیاتی: تاریخی و پروبلملری.
باکی، «گنجلیک»، ۱۹۹۸، ص. ۲۴۶-۲۴۹).

درد محبت عاشقه درمان یئتر، وار، ای حکیم،
 هردن مانا بیر درد ایله آرتیرما درمان اوستونه .
 و یا :
 دردیمین درمانینا هئج کیمسه بولماز چون علاج،
 یاریدن اؤزگه نه چاره سؤیگیل سن، ای طبیب .
 فضولیدن :

عشقدن جانیمدا بیر پنهن نظر وار، ای حکیم
 خلقه پنهن دردیم اسضحار ائتمه زینهار، ای حکیم .
 وار بیر دردیم کی، چوخ درماندان آرتیقدير منه،
 قوی منی دردیمله، درمان ائيله مه، وار، ای حکیم .
 تدقیقات چی «سؤز» له باغلی دا هر ایکی داهی
 شاعریمیزدن مثاللار گتیره رک اونلاری ادبی موازیلیق
 آدلاندیرمیشدیر. بیزجه، بورادا موازیلیقدان دها چوخ
 صحبت تأثیردن، بلکه ده نذیره دن گنده بیلر .
 بیزه قالیرسا، نسیمی یارادیجیلیغی او قدر گوجلو
 اولموشدور کی، اؤزوندن سونرا گلن قدرتلی شاعرلر
 احمد پاشا و نجاتی، ۱۶-جی عصرده یاشامیش روحی
 بغدادی، خصوصاً ده جهانشاه حقیقی نسیمییه چوخلو
 نذیره لر یازمیش، شاعرین تأثیر دایره سیندن چیخا
 بیلیمیشدیر .

روحي بغدادی نسیمی ادبی مکتبیین
 دوامچیلاریندان اولموش، شاعرین، «گؤرونور»،
 «اولور» و س. ردیفلی غزلرینه عینی ردیفلی نذیره لر
 یازمیشدیر .

نسیمی شعرلری اونا گؤره بئله محبتله اوخونور کی،
 نظم خصوصیتلری زنگین، تصویر واسطه لری اورجینال
 و یئنیدیر. تصادفی دئییلدیر کی، شاه اسماعیل
 خطابی نسیمین شعره گتیردی بدیعی نظم
 افاده لردن بول-بول یارارلانمیشدیر. نسیمین
 لیریکاسیندا تکجه گؤزللیک، عشق، محبت ترنوم
 ائدیلمیر، بورادا انسانا محبت، شخصیتین آزادلیغی،
 انسانلیق کیمی بشری ایده لر مهم یئر توتور. شاعرین
 شعرلرینین شکلی جهندن زنگینلیگی آنا دیلینده
 یارانان شعریمیزین دیرچلمه سین ده میتلسیز رول
 اوینامیشدیر .

قفس ده طوطی و قمری، چمنلرده قوراب اوینار .
 (باخ: نسیمی. دیوانین عراق نسخه سی. باکی، «یازیچی»، ۱۹۸۷،
 ص. ۷۹)

فضولینین «اوینار» یندان :
 صبادن گل اوزونده سنبل پرپیچ و تاب اوینار،
 ساناسان پر آچیب، گلشنده بیر مشکین قوراب اوینار .
 خیال عارضین جؤولان ائدر بو چشم پر نمده،
 نه چوک کیم، موجه لنمیش سودا عکس آفتاب اوینار .

ریا زاهد خوشکون سیماسیندن نولور حاصل،
 خوش اول کیم، رند می خواره، ایچیب جام شراب اوینار .

قیلیر گؤز پرده سین خوناب سرت چاک هر دم کیم،
 روخونده لذت دیدار ذوقیندن نقاب اوینار .
 (باخ: محمد فضولی. اثرلری. ۱-جی جلد، باکی، ۲۰۰۵،
 ص. ۱۱۳)

غزلرده کی اوخشارلیق و دوغمالیغا حیران اولماماق اولمور.
 سانکی عینی عصرده یازیلیلار .
 خلق شاعری قابیل نسیمی حقیقنده پوئما یازارکن
 نسیمین فضولی یارادیجیلیغینا تأثیرینی ایزلمیش و
 دوغرو قناعته گلیمیشدیر :

**آنا دیلیمیزین آخار-باخاری،
 شعرینده بیر دها آشیکار اولدو .
 بؤیوک فضولینین شاه مصراعلاری،
 سنین بونؤورنده برقرار اولدو .**

فضولی شناس عالم گلشن علی اوا کنگرلی «نسیمی و
 فضولی: نظم سیستئمه ادبی پاراللیزم» مقاله سینده
 ماراقلی مسئله دن سؤز آچیر. تدقیقات چی گؤستریر کی،
 ادبیاتین اؤزل بیر قانونا اویغونلوغو وار: صنعتکارلارین
 اثرلرینده بیر-بیرینه اوخشار موتیو، سؤز، افاده و بنزتمه لر
 مؤوجوددور. بونو نئجه آدلاندیرماق اولار: ادبی موازیلیق
 یوخسا اوغورلوق؟ - دئییه مقاله مؤلفی سوال وئیر و اؤزو
 ده جواب وئیر کی، اگر صحبت کلاسیک صنعتکارلاردان
 گندیرسه، بونو هئج جور اوغورلوق حساب ائتمک اولماز. بو
 اوخشارلیق دیر .آراشدیریجی نسیمی و فضولیدن
 چوخسایلی مثاللار گتیره رک فکرینی تصدیقه چالیشیر .
 نسیمین :



نظامینین میلی کیملیگی

NİZAMİNİN MİLLİ KİMLİYİ

قانوناویغولوقلارینی ادبیاتین ان عمدہ وظیفه‌سی اولدوغونو آینا کیمی گؤستره‌ن قدرت‌لی بیر فیلسوف، عینی زامان‌دا زنگین معنویاتا، حیرتامیز بیر اخلاقا، فؤوق العاده ایستعدادا مالیک بیر اینسان ایدی.

اصلینده نظامی گنجوی بیر فونومئن‌دیر کی، بیر چوخ اینسانلارین بیلمدیکلری سیررلره مالیک اولوب، بعضی منبع‌لره گؤره غیب‌دن خبر وئریب، عینی زامان‌دا گله‌جک نسیللره شعیریتین قانونلارینی، پوئتیک لؤوه‌لری، بدیعی ایفاده واسطه‌لرینی ارمان ائدن بیر معلم‌دیر. نظامینین دیوانی «تؤحید»له، «میناجات»لا، «نت»له باشلا‌ییر. نظامی بوتون وارلیغی ایله اوجا الله‌باغلی شاعر‌دیر. لاکین نظامی تورک‌دور، تورک اوغلو تورک‌دور .

آچار سؤزلر: تورک، فارس، حکمت، فلسفه، معنویات، ذهنیت، تفکور

SƏDİYƏ XANLAROVA

سعدیه خانلاروا

AMEA محمد فضولی آدینا الیازمالار اینستیتوتو، فوندلارین علمی اوچوتو

شعبه‌سینین مدیری

برگردان : حسین شرقی دره جک (سوی تورک)



خلاصه

نظامی گنجوی حاقین‌دا چوخ دانیشیلیب، چوخ دئییلیب، یوزلره علمی-تدقیقات اثرلری، مونوقرافییالار، مقاله‌لر، اوچترکلر یازیلیب، پایان نامه لر قلمه آلینیب، فیلملر چکیلیب، تاماشالار هازیرلانیب، رومانلار، حتی سیمفونیک اثرلر بستلیب. نظامی گنجوینین نفوذو بوتون دونیادا عکسینی تاپیب. چونکی بو شاعر ایلك نؤوبه‌ده اؤز حکیمتلی، آفوریزملری ایله بیر تربییه، اخلاق، اینسان‌لیق مکتبی‌دیر.

عینی زامان‌دا گله‌جک نسیللر اوچون قیامته قدر سولمایان گوللر یئتیش‌دیره‌ن بلکه ده میثیل‌سیز بیر موتفکیر، اینسان پسیخولوگیاسینین درین‌لیکلرینه نفوذ ائدن بیر پسیخیاتور، خیرله شرین موباریزه‌سینی، حیاتیین ضدیتلرینی، تلاتوملرینی ان ساغلام فورمادا تصویر ائدن بیر دوها، جمعیتین و طبیعتین

گیریش. نظامی گنجوینین یارادیجی لیغی یوخاری‌دا دئییلدی کیمی تکرار-تکرار تحلیل و تدقیق اولونوب. اونون تورک اولدوغو حاقین‌دا بیر سیرا منبع‌لر ده مؤوجوددور. لاکین شاعرین بیلاواسیطه تورک اولماسی حاقین‌دا آیریجا مونوقرافییالار، علمی-تدقیقات اثرلری یازیلیمیش‌دیر، بئله کی، بو تدقیقات‌چیلار دایم آرخیو سندلرینه ایستیناد ائتمیش و و شاعر حاقین‌دا اؤز اوبیئکتیو فیکیرلرینی دلیل‌لره بیانا گتیرمیشلر .

معلوم‌دور کی، بیر زامانلار ۷۰ ایل سوونتلر دؤورونده آذربایجان‌دا روس دیلی حکم‌ده ایدی. نظامینین دؤورونده ده آذربایجان اراضی‌سینده فارس دیلی حکم‌ده ایدی. طبیعی کی، بو دا داهی شاعری اثرلرینی فارس دیلینده یازماغا سؤوق ائدیب. لاکین یوخاری‌دا دئییلدی کی، نظامی گنجوی تورک‌دور و اونون بوتون یارادیجی لیغی، دستی-خطی، کلیاتی

(اون تهیئ مودئرن پولیتیجیزاتیون اوف تهیئ پئرسیان پوئت نئزای گانژاوی) آدلی حقیقته ضد کیتاب و سایر بو کیمی ایشلر تشکیل ائدیر.

بو ویکپییدیادا حتی ارمنی مؤلفینین قره زلی تحریفینه ده یئر وئرلمیش دیر.

لاکین تأسف کی، بورادا ۲۰-جی عصرین گؤرکم لی نظامیشوناسلاری Y.E.Bertels - H.Arasli، م.ارسولزاده، م.موباریز، م.رفیلی، م.S.Ordubadı، M.Quluzadə، م.جعفر، ض.بونیدوو، ر.علیئو، R.Azad، X.Yusifli، علیار.سفرلی، N.Arasli، چ.ساسانی، ت.کریم لی و باشقا عالیملرین دوغرو علمی تدقیقاتلارینا ایستینادلار یوخ دور.

گورکم لی شرقشوناس Y.E.Bertelsin تدقیقاتلارینا ایستینادلار اوبیئکتیو شکلده دئییل، بؤیوک آذربایجان شاعرینی فارسلاشدیرماغا جهد ائدن قوه لرین ماراقلارینا اویغون صورتده عکس اولونموش دور (۱، ص.۵).

نظامی تورک ایدی و تورک کیمی دوشونوردو، لاکین فارسجا دوشونن حاکم دایره لر تورک دیلینی فارس دیلیندن سونرا ایکینجی پلانا کئچیرتدیکلری اوچون شاعر فارسجا یازماغا مجبور ایدی. مسئله بوراسین دادیر کی، داهی شاعر ان مشهور اثری «لیلی و مجنون» او تورک دیلینده یازماق ایسته ییب، لاکین سیفاریش چی شیروانشاه آخسیتان بونا ایجازه وئرمه ییب. شاه شاعره مکتوبوندا تورک دیلینی «آشاغی» توتاراق اثری «فارس دیلینین بزه یی» ایله یازماغی امر ائدیب. نظامی ایسه بونا اعتراضینی بو میصراعلارلا بیلدیریب :

تورکی مرا در این حبش نه خرنده،

کسی دوغای مرا نمیخونند (۸، ص.۳۶).

(ترجمه سی: منیم تورکلویوم بو حبش (قارا مرکب لی فارس) موحیطینده ساتین آلینمیر، منیم بیر کاسا دووغامی (تورک سؤزومو) دادماق ایسته میرلر)

اونو دا دئیک کی، شاعرین اثرلرینده «تورک» سؤزو هم اتنتیک معنادا، هم ده «گؤزلیک»، «ایگیدلیک»، «پاکلیق» رمزی کیمی ایشلنیر. او، تورک

اونون محض تورک اولدوونو تکذیب ائدیلمز دلیلرله آشکارا یئتیریر .

اساس متن. سون زامانلار بعضی دیرناغاراسی تنقیدچیلر آذربایجانین داهی شاعری نظامی گنجوینین فارس اولماسی باره ده ملاحظه لر یورودور و اونون اؤز «خمسه» سینی فارس دیلینده قلمه آلدیغینی بهانه گتیریرلر. لاکین داهی شاعر اثرلرینده اؤز کؤکو حاقیندا بیرباشا معلوماتلار وئره رک آتاسینین و آناسینین تورک اولدوغونو وورغولاییب .

آتا طرفی: شاعر «خسرو و شیرین» پوئماسیندا «آتام، آتامین آتاسی تورک ایدی» (و یا «پدر بر پدر مرمر تورک بود») دئیهرک نسلینین تورک اولدوغونو آیدین شکلده بیان ائدیب. آتا طرفی: «لیلی و مجنون»دا آناسیندان بحث ائدرکن «رئیس قورد» (ایگید رئیسه) ایفاده سینی ایشلیدیب. بعضی منبع لر بونو یانلیش اولاراق «کورد» کیمی اوخوسا دا، تدقیقاتچیلر بو سؤزون او دؤورده «ایگید» معناسیندا ایشلندیینی و یا تورک طایفه سی اولان «قورد» طایفه سینا ایشاره ائدیینی بیلدیریرلر. اؤزونو «ایکیدیش» آدلاندیرماسی: شاعر اؤزونو تورک سؤزو اولان «ایکیدیش» (ملز، فرق لی کؤکلرین بیرلشمه سی) آدلاندیرماقلا اتنتیک کیملیینی وورغولاییب .

پروفور زهرا آلاهوردئیوا نظامینین بیوقرافیایسی حاقیندا یانلیش فیکیرلره کسکین جاواب وئره رک یازیر :

ایلک اؤنجه، سون دؤورلرده نظامینین بیوقرافیایسی اطرافیندا کوبود سحولر و ضدیتلر روس و اینگیلیس دیلینده یارادیلیمیش ویکپییدیادا یئر آلیر.

بو ویکپییدیانین علمی منبع لرینی اساساً کؤهنه ائسیکلویئدیالار، همچنین بعضی ایران، روسیا و آوروپا عالیملرینین آرتیق معاصر دونیا علمینین طلبلرینه جاواب وئرمه یه ن اثرلری و بیر نئچه قرضلی ایشلر، او جمله دن ایران مؤلفلری S.Lornejad و علی دوستزاده نین اثرمنی هاوادارلارینین دسته یی ایله ایرواندا ۲۰۱۲-جی ایله نشر اولونان «فارس شاعری نظامی گنجوینین مدئن سیاسیلشدیرلمه سی حاقیندا»

تورک فولکلورو ایله سیخ باغلی اولدوغونو علمی شکلده اساسلاندیریر .

دوینا شؤهرت لی روس شرقشوناسی نظامینین آذربایجان موحیطینده یتیشدیینی ثبوت ائدیر :
«نظامینی ایران ادبیاتی تاریخینه داخل ائتمک بؤیوک بیر یانلیشلیق دیر. او، یارادیجی لیغی و تفکورو ایله آذربایجان تورپاغینا و تورک روحونا باغلی دیر» (۳، ص. ۱۸-۱۲).

محمد امین رسولزاده نین ۱۹۵۱-جی ایله آنکارادا نشر اولونان «آذربایجان شاعری نظامی» اثری شاعرین تورک منشاینی «خمسه» دکی فاکتارلا (مثلاً، «تورکی مرا در این حبش نه خرنده» - منیم تورکلویوم بو حبش موحیطینده کئچمیر) ثبوت ائدن ان مکمل منبع لردن بیر دیر. محمد امین رسولزاده شاعرین اؤز دیلیندن گتیردی فاکتارلا اساسلانا راق، یازیر: «نظامینین فارس ناسیونالیزمیندن اوزاق، تورک سئوگیسیله دولغون، قافقاسیا موحیط و شرطلرینه باغلی اولدوغونو گؤرمه مک مومکون دئییل دیر» (۱۱، ص. ۴۵-۴۳).

بونو دا اونوتماق اولماز کی، بو اثر نظامینین میلی کیملیگی باره ده یازیلیمیش ان سیستم لی و فوندامنتال اثر دیر .

شاعرین آناسی حاقین دا «کورد» ادعاسینا گلدیک ده، توپقاپی سارایین دا ساخلانیلان ان قدیم «لیلی و مجنون» الیازماسین دا بو بئیتین اولمادیغی آشکار ائدیلمیش دیر کی، بو دا همین حیصه نین سونرادان علاوه ائدیلمیش گؤستریر .

ایرانین ان گورکملی ادبیاتشوناسلارین دان اولان سعید نفیسی نظامی گنجوینین «دیوان» ی حاقین دا گؤزل فیکر لر سؤیله یه رک اونون دیلینده کی تورکیزملری اعتراف ائدرک اثرلرینده کی بدیعی تصویرلرین، مجازلارین و ایفاده طرزینین فارسلا یابانچی، تورکلره دوغما اولدوغونو و شاعرین تورکجه دوشونوب، فارسجا یازدیغینی گؤز اؤنونه گتیرمیش دیر .

حکمدارلارینی (مثلاً، سلطان سنجر) عدالته چاغیریر و تورکلرین قطعیتینی، دؤیوش مدنیتینی فخرله ترنوم ائدیر .

هامی بیلیر کی، نظامی گنجوی تکجه آذربایجانین، یاخود تورک دونیاسینین شاعری دئییل، بوتون دونیانین متفکیری، فیلسوف-شاعری دیر.

بئله کی، دونیانین بیر سیرا عالیملری اونون حاقین دا یوکسک فیکر ده اولموش، اورک آچان سؤزلر سؤیلمیش، عینی زامان دا اونون تورک اولدوغونو تکذیبولونماز فاکتارلا اؤن پلانا چکمیشلر. مثلاً آلمان یازیچی سی ایوهان شئرز: «نظامی آتا طرفدن تورک ایدی» (۱۳).

آمریکا تاریخچی سی لئو سلیوزکین، ۱۹۳۴-جو ایله شوروی یازیچیلار بیرلینین ۱-جی قورولتاین داکه چیخیشین دا داهی شاعری بیرمعنالی اولراق «گنجده ن اولان تورک» کیمی تقدیم ائتمیش دیر .

بونو دا خاطرلاماق واجیب دیر کی، بعضی ایران لی عالیملر بئله اعتراف ائدیبلر کی، «نظامی فارسجا یازیب، اما اوندان تورک عطری گلیر .»

مثلاً، گورکملی ایران عالیمی سید نفیسی نظامینین دیلینی آنالیز ائدرکن اعتراف ائتمیش دیر کی، نظامینین فارس دیلی کلاسیک فارس دیلیندن فرق لیر و بو دیلین «تورک کاراکتری» وار. نفیسی قئید ائدیر کی، نظامی تورکجه دوشونوب، تورکجه ایفاده لری فارس قرامماتیکاسینا اویغونلاش دیرراق یازیب .

مسلمان شعرینده چوخ تانیمیش مصر عالیمی ایبراهیم امین الشعرا نظامی یارادیجی لیغینی «تورک روح لو شاعر» آدلاندیرمیش، اثرلرینده کی جسارت و قهرمان لیک اوبرازلارینین محض تورک تفکورووندن گلدیینی و ورغولامیش دیر . روس شرقشوناسی یئوگئنی بئرتلس بئرتلس «آذربایجانین داهی شاعری نظامی» (۱۹۳۹) آدلی اثرینده نظامینین بوتون یارادیجیلیغینین آذربایجان موحیطی، تاریخی و

گلی تورکی ز بوستان ارمن،
 کلاه تورکی اش بر سر نهادئه (۴، ص. ۶۱)
 (ترجمه‌سی: او، ارمن (ویلایتینین) بوستانین دان
 اولان بیر تورک گولودور، باشینا تورک پاپاگی
 (قولاغی) قویموش دور).
 شاعر اؤز آتا-باباسینین تورک اولدوغونو «خسرو و
 شیرین»ین سونون دا، اؤزو حاقین دا معلومات وئرکن
 بئله ایفاده ائدیر:

پدر بر پدر مرمر تورک بود،
 به فرزانی هر یکی گرک بود (۶، ص. ۴۸۷).
 (ترجمه‌سی: آتام-بابام هامی سی تورک ایدی،
 بیلیدم و مودریک لیک ده هر بیری بیر قورد ایدی).
 قئید: بورادا «قورد» (گرک) ایفاده‌سی تورکلرین قدیم
 توتئمی و ایگیدلیک سیمولودور.
 نظامی تورکلویو تنقیدچیلرین ادعا ائتدی کیمی
 «وحشی لیک» یوخ، پاک لیک و اوجالیک کیمی
 گؤروردو:

دولت تورک به سزا آمدست،
 ملک تورک به هوا آمدست (۹، ص. ۴۲).

(ترجمه‌سی: تورکون دؤولتی (عزتی) حاقلا
 گلمیش دیر، تورکون مولکو (حاکمیتی)
 گؤی دن/ایلاهی دن گلمیش دیر).

نظامی گنجوی تورکلویو "ایلاهی دن گلن دؤولت"
 آدلاندیریدی:

«یئددی گؤزل» پوئماسین دا تورکلرین حاکمیت
 حاقی حاقین دا بئله یازیردی:

دولت تورک به سزا آمدست،
 ملک تورک به هوا آمدست (۹، ص. ۴۲).

فیلولوگیا علمری دوکتورو اسلام صادق آذربایجانین
 گورکملی عالمی و تدقیقاتچی سی حمید
 آراسلی دان مثال گتیره رک یازیر: «حمید آراسلی
 نظامی گنجوینین یارادیجی لیغینی قاش اوزویو
 بزه یه کیمی بزمیش تورک آتالار سؤزو و مثلرله،
 خالق ایفاده لری ایله، حتی آیری-آیری دیل
 واحیدلرله، ناغیل و داستان، افسانه و روایت، لطیفه و

اوکراین شاعری و اجتماعی خادیمی میکولا باژان -
 «پراودا» قزئتین ده (۳ آپریل ۱۹۳۹-جو ایل)
 نظامینین کیملینی شوروی سوییه سین ده بیان
 ائدیب:

«نظامی گنجوی تورک دور، اونون بوتون
 یارادیجی لیغی آذربایجان خالقینین قدیم مدنیتینین
 محصولودور» (۱۴).

بو فاکتلا نظامینین یالیز «ادبی دیلی» ایله دئییل،
 «ادبی روحو» ایله ده بیزه عایید اولدوغونو گؤستریر.
 بعضی تدقیقاتچیلار نظامی گنجوینین «خسرو و
 شیرین» پوئماسین داکی شیرینی ارمنی قیزی کیمی
 تقدیم ائدیرلر. لاکین بونون یالیز اولدوغونو «تورک
 گؤزه لی» وصفینی ایشلمه سی: نظامی شیرین دن
 بحث ائدرکن اونو دفعه لرله «تورک» و «تورک زاده»
 آدلاندیریر و بونو حیرتامیز پوئتیک لؤوحه لرله
 وورغولاییر:

«او، بیر تورک دور کی، تورکلوک ده بنزری یوخ دور،
 بیر آیدیر کی، سعجیه سی تورکلوک دور»
 (۴، ص. ۶۲-۵۸).

گؤرونویو کیمی نظامی «خسرو و شیرین»
 پوئماسین دا شیرینی تورک کیمی تقدیم ائدیر و اونون
 منشاینی آیدین شکل ده گؤستریر.

شیرین آذربایجانین قدیم شهری اولان بردع نین
 حکمداری مهین بانونون باجی سی قیزی دیر. بو دا
 چوخونا معلوم دور کی، او دؤورده برده و اطرافی
 تورک-آلبان مدنیتینین مرکزی ایدی.

ارمنیلرین دییرمانینا سو تۆکن تدقیقاتچیلار
 شیرینین ارمن (ارمن) ویلایتین دن اولدوغونو اساس
 گتیریرلر. لاکین او دؤورون جوغرافیاسین دا «ارمن»
 ترمینی ایندیکی ائرمینیستان دئییل، شیمالی
 آذربایجانین (قاراباغ و اطرافی) داخل اولدوغو بؤیوک
 بیر جوغرافی اراضی ایدی و اورادا اهالینین اکثریتی
 تورک دیلی طایفا لار (ساکلار، کنگرلر و س.) ایدی.

نظامی شیرینی ارمنی کیمی یوخ، محض بیر تورک
 خانیمی کیمی وصف ائدیر. او، شیرینین گؤزلیینی و
 منشاینی بئله تصویر ائدیر:



تفکک ورونون ایفاده ائتمه سیندن قایناغلاندىغی فیکری تصدیق اولونور» (۱۰، ص. ۱۵).

نظامیشوناسلیق علمینین گورکملی نماینده لریندن اولان زهرا خانیم آلاهوردیئوا نوشابه آراسلینین نظامی حاقیندا تدقیقاتلارینی آذربایجان ادبیاتشوناسلیغینین قیمتلی تۆهفه سی کیمی دیرلن دیره رک، بیلاوسیظه اوندان سینتاتلار گتیریر:

«معلوم دور کی، اوزون ایللردن بری نظامی «خمسه» سینین تورک دیلی مثنوی ژانری و اورتا عصرلر ترجمه ادبیاتینین اینکیشافیندا رولونون آراشدیریلماسی اؤز عکسینی نوشابه خانیم آراسلینین تدقیقلرینده تاپیر. اونون یئنی نشر اولونان مونوقرافیاسی تورک ائپیک شعرینین یارانماسی و اینکیشافیندا بؤیوک رول اوینامیش نظامی گنجوی صنعتینین تورک ادبیاتینا تأثیری، ترجمه و تدقیقی کیمی آکتوال ادبی علاقه پروبلملرینی آراشدیران گئیش تدقیقات ایشی دیر» (۲).

نتیجه. بیر خالقین بؤیوکلوپو اونون یاشادیغی اراضینین سرحدلری ایله دئییل، دینی، میلی-معنوی دیرلری، عادت-عنعنلری، عینی زاماندا زنگین مدنیتی، تاریخی، عالیملری، فیلسوفلاری، موتفککیرلری ایله اؤلچولور. آذربایجان خالقى بشریت خزینه سینده بیر چوخ تۆهفه لر وئرمیش دیر. بو تۆهفه لر بشر اؤلادینین اخلاقینین زنگینلشمه سینده، علمینین آرتماسیندا، ذهنیتین فورمالاشماسیندا، تفکک ورونون ایشیقلا نماسیندا اؤلچویگلمز روللار اوینامیشلار. بو جور اینسانلاردان بیرى ده نظامی گنجوی دیر کی، تکجه خالقین دئییل، بوتون بشریتین رفاه ینین یوکسلمه سی، هر جهتدن معاریفله نمه سی اوچون قیمتلی هئچ بیر شئیله اؤلچولمه یه ن تۆهفه لر گوهرلر بخش ائتمیش دیر. بیز خوشبخت خالق کی، نظامی گنجوی ایله عینی کؤکدن، عینی سویدانیق.

Istifadə edilmiş ədəbiyyat siyahısı:

1. Allahverdiyeva, Z. Müasir Azərbaycan Nizamişünaslığının Prioritet vəzifələri // -

دیگر فولکلور ژانرلاریندان سوزولوب گلن اؤرنکلره زنگینلیینی اوزه چیخاران دان سونرا بو سؤزلری سؤیلمیش دیر. اونون بو سؤزلرینین آرخاسیندا یوزلره اؤرنکلر دایانیر. بو فیکری بئله دئمک داها دوغرو اولار کی، نظامی گنجوی «خمسه» دکی اثرین بئشینین ده فارس دیلینده کی قورو، جانسیز، چیلپاق قول-بوداقلارینی تورک دیلیندن سئچدی گوللره، چیچکلره، یارپاقلارلا بزمیش دیر، اولار جانلی لبق و گؤزلیک وئرمیش دیر» (۱۲، ص. ۲۴۸).

نظامیشوناسلیق علمینده خصوصی مهارت گؤستره عالیملریمیزدن بیرى ده نوشابه آراسلی دیر. نوشابه خانیم یارادیجیلیغینین بؤیوک بیر حیصه سینین نظامی حاقیندا تدقیقاتلارا، مونوقرافیالارا، مقاله لره حصر ائتمیش دیر. نوشابه خانیم عینی زاماندا نظامی گنجونین تورکلویونو، اثرلرینین تورک اعتقادى، تورک روحو ایله یازیلدیغینی تکرار-تکرار ایشلمیش، یادا سالمیش و اؤز دستی-خطینده نظامینین پارلاق تورک اوپرازینی اؤن پلانا چکمیش دیر.

نظامیشوناس عزیزاغا نجف او «نظامی گنجوی یارادیجی لیغی کلاسیک تورک عنعنلری کوننتکستینده» علملر دوکتورو علمی درجه سی آلماق اوچون تقدیم ائدیلمیش دیسسرئتاسیاینین آقتورئفئراتیندا داهی شاعرین عموم تورک ادبیاتینا تأثیریندن بیر چوخ سینتاتلار گتیره رک نوشابه آراسلینین نظامی یارادیجیلیغینین تورک دیلی خالقلارین ادبی-مدنی اینکیشافیندا نه قدر فایدالی اولدوغونو مثال چکیر:

N.Arasli» نین «نظامی و تورک ادبیاتی» مونوقرافیاسیندا، شاعرین تورک داوامچیلاری حاقیندا دانیشیلدیغی، تکجه تورکییه تورکلرینین دئییل، دیگر تورک دیلی خالقلارین ادبی-مدنی اینکیشافیندا نظامی صنعتینین اوزسیز مؤوقعینین دوزگون معینلشدیریلدی و شاعرین آردیجیلاری سیراسیندا تورک خالقلارینا مخصوص سنتکارلارین اوستونلوک تشکیل ائتمه سینین اونون تورک

THE NATIONAL IDENTITY OF NIZAMI

Saadiyya Khanlarova

Institute of Manuscripts named after

Muhammad Fuzuli of ANAS,

Head of the Department of Scientific

Accounting of Funds

Abstract

Extensive discourse has surrounded Nizami Ganjavi; hundreds of scholarly research works, monographs, articles, essays, and dissertations have been written, while films, theatrical performances, romances, and even symphonic compositions have been dedicated to his legacy. The prestige of Nizami Ganjavi resonates globally. This is primarily because the poet, through his wisdom and aphorisms, represents a school of upbringing, ethics, and humanity. He is an unparalleled thinker who cultivated perennial wisdom for future generations, a “psychiatrist” capable of penetrating the depths of human psychology, and a genius who depicted the struggle between good and evil, as well as life’s contradictions and turmoils, in their most profound forms. Nizami was a powerful philosopher who mirrored the laws of society and nature as the paramount duty of literature, possessing rich spirituality, astonishing morality, and extraordinary talent. In essence, Nizami Ganjavi is a phenomenon who held secrets unknown to many and, according to some sources, possessed the gift of divine foresight (ghayb). He remains a master who bequeathed the laws of prosody, poetic imagery, and artistic means of expression to posterity. Nizami’s Divan commences with tawhid (the oneness of God), munajat (supplication), and na’t (praise of the Prophet). While Nizami was a poet devoted to the Almighty with his entire being, he was, fundamentally, a Turk – a Turk of Turkish descent. Keywords: Turk, Persian, wisdom, philosophy, spirituality, mentality, cognition

- Bakı: Elmi iş (beynəlxalq elmi jurnal), – 2020. №10/59, – s.4-13.
2. Allahverdiyeva, Z. Nizamişünaslıq şöbəsi Azərbaycanın müstəqilliyi dövründə // Ədəbiyyat. – 2024, 2 mart. № 8, – s.16-17.
 3. Bertels, Y.E. Böyük Azərbaycan şairi Nizami / Y.E.Bertels. – Bakı: Təhsil, – 2017. – 166 s.
 4. Gəncəvi, Nizami, Xosrov və Şirin / Nizami, Gəncəvi. tərc. ed. R.Rza – Bakı: Lider, – 2004. – 411 s.
 5. Gəncəvi, Nizami. Həft Peykər / Nizami Gəncəvi. tərt. ed. B.Zəncani – Tehran, – 1994.
 6. Gəncəvi, Nizami. Xosrov və Şirin (elmi-tənqidi mətni) / Nizami Gəncəvi. – Bakı: Azərbaycan SSR Elmlər Akademiyası nəşriyyatı, – 1960. – 803 s.
 7. Gəncəvi, Nizami. Xosrov və Şirin / Nizami Gəncəvi. – Tehran: Vəhid Dəstgerdi nəşri – 1313.
 8. Gəncəvi, Nizami. Leyli və Məcnun / Nizami Gəncəvi. tərc.ed. S.Vurğun. – Bakı: Lider, – 2004. – 288 s.
 9. Gəncəvi, Nizami. Yeddi gözəl / Nizami Gəncəvi. farsçadan tərc. ed. M. Rahim – Bakı: Lider, – 2004. – 336 s.
 10. Nəcəfov, Ə. Nizami Gəncəvi yaradıcılığı klassik türk ənənələri kontekstində / elmlər doktoru elmi dərəcəsi almaq üçün təqdim edilmiş dis. aftoreferatı / – Bakı, 2023. – 56 s.
 11. Rəsulzadə, M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami / M.Ə.Rəsulzadə. çapın bilim düzənləyicisi Y.Türkel; düzəldicilər B.Osmanlı, Z.Məhəmmədov – Bakı: Təknur, – 2011. – 519 s.
 12. Sadiq, İ. Nizami Gəncəvinin türk xalq ədəbiyyatından bəhrələnməsi və türklüyü // izami və Nəvai irsinin mif və folklor qaynaqları: Beynəlxalq Elmi Konfransın materialları, – Bakı: – 2021, – 21-22 iyun, – s.245-274.
 13. Scherr, J. Allgemeine Geschichte der Litteratur von ihren Anfängen bis auf die Gegenwart / J.Scherr. – Berlin: G.Grote'sche Verlagsbuchhandlung, – 1881. – 823 s.
 14. Баджан, М. О своих последних встречах со Сталиным // Правда. – 1939 г, 3 апреля.





۲. گستره جغرافیایی شگفت‌انگیز زبان تاتاری

یکی از جالب‌ترین بخش‌های توصیف شوپن، گستره بسیار وسیع کاربرد این زبان است. او می‌نویسد:

«نمی‌توان توجه ویژه‌ای به زبانی نداشت که با آن می‌توان بدون کمک هر زبان دیگر، تقریباً نیمی از کره زمین را، از اوخوتسک، بخارا، قندهار، قازان و تهران تا بغداد، الجزیره، مراکش و بلگراد، درنوردید که در دو دربار اصلی اسلام بدان سخن می‌گویند.»

این گستره شامل موارد زیر می‌شود:

- آسیای مرکزی (بخارا، سمرقند
- قفقاز و شمال ایران (تهران، تبریز، اردبیل
- آناتولی و امپراتوری عثمانی (استانبول، بغداد
- بالکان (بلگراد و مناطق مجاور
- شمال آفریقا (الجزایر، مراکش

شوپن این زبان را یکی از معدود زبان‌هایی می‌داند که در آن زمان امکان سفر و ارتباط بدون مترجم را در بخش بزرگی از جهان اسلام فراهم می‌کرد — پدیده‌ای که امروز برای برای خیلی‌ها بسیار شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد.

زبان تاتاری در قفقاز قرن نوزدهم از نگاه ایوان شوپن، تاریخ‌نگار و

قوم‌شناس روس

پ. آیرملو

در اواسط قرن نوزدهم، ایوان ایوانوویچ شوپن، پژوهشگر روس که مأمور بررسی دقیق وضعیت منطقه ایروان و نخجوان پس از اشغال توسط روسیه شده بود، در کتاب خود توصیفی جالب و گسترده از زبان «تاتاری» ارائه می‌دهد.

منظور او از «تاتاری» در آن دوره، عمدتاً زبان‌های ترکی‌تبار (به‌ویژه ترکی آذربایجانی و گویش‌های نزدیک به آن) است که در قفقاز، ایران، آناتولی و فراتر از آن رواج داشت.

۱. زبان تاتاری و لهجه‌های اصلی آن در قفقاز

شوپن می‌نویسد که این قوم (ترک‌زبانان) از دو جهت به قفقاز وارد شدند: از شمال (از مسیر ولگا و استپ‌های ترک‌نشین) و از جنوب (از طریق مازندران و گیلان). در نتیجه، پنج گویش اصلی در مناطق تحت نفوذ خود مستقر کردند:

- نوغایی - در استپ‌های شمال قفقاز
- قره‌چایی - در مناطق کوهستانی قفقاز شمالی
- کومیکی - در داغستان و شرق قفقاز
- تُرک یا قزلباش - در پاشالیک آخال‌تسیخه و بخش‌های وسیعی از قفقاز جنوبی
- قزلباشی - در استان‌های مسلمان‌نشین گرجستان، ایروان، نواحی کاسپین و ...

او تأکید می‌کند که این گویش‌ها هرچند تفاوت‌هایی در تلفظ دارند، اما آن‌قدر نزدیک‌اند که تاتارهای ساکن در سواحل ولگا، آمودریا، بسفر، فرات و ارس می‌توانند یکدیگر را به راحتی درک کنند.

این توصیف شوپن، تصویری زنده از جهانی متفاوت در قرن نوزدهم به ما می‌دهد؛ جهانی که در آن زبان ترکی می‌توانست پلی میان مردمان از سیبری تا شمال آفریقا باشد.

منبع: ایوان شوپن، «یادگار تاریخی وضعیت منطقه ارمنی...»، سن پترزبورگ، ۱۸۵۲ صفحات ۹۰۷ تا ۹۱۰

فراموش کرده‌ایم که چندزبانگی قاعده بود، نه استثنا.



به‌اشتباه تصور می‌شود که چندزبانگی پدیده‌ای است مربوط به چند دهه اخیر که در نتیجه مهاجرت‌ها و سیاست‌گذاری‌های برابری‌طلبانه فرهنگی به وجود آمده است. اما چنین نیست. برای قرن‌های متمادی، چندزبانگی قاعده رایج بود و در قلمروهای جغرافیایی و مرزهای امپراتوری‌ها به‌سختی می‌شد جامعه‌ای را پیدا کرد که تک‌زبان باشد. در قرن نوزدهم بود که دیدگاه ایدئولوژیک و سختگیرانه ناسیونالیسم تک‌زبانی را به‌اجبار غالب کرد و زبان‌هایی را که دوست نداشت به صورتی نظام‌مند از مرزهای درون کشور کنار گذاشت.

آنتا پاولنکو، استاد زبان‌شناسی دانشگاه یورک، در پژوهش خود می‌کوشد نشان دهد که غفلت از تجربه‌های تاریخی چندزبانگی در جوامع و سرزمین‌های مختلف، یا همان چیزی که او «فراموشی

۳. نقش زبان تاتاری در مبادلات، آموزش و فرهنگ شوپن زبان تاتاری را زبانی بسیار کاربردی و «زبان میانجی» توصیف می‌کند که در حوزه‌های گوناگون نقش کلیدی داشت:

-مبادلات تجاری و دیپلماتیک:

در سراسر امپراتوری عثمانی، تمام روابط دیپلماتیک، تجارت، مراسلات خصوصی و امور اداری و قضایی به این زبان انجام می‌شد. حتی دربار تهران نیز به گویش قزلباشی با آن سخن می‌گفت.

-آموزش و علوم:

تاتارها واژگان و اصطلاحات گسترده‌ای را از عربی (در زمینه دین، حقوق، اخلاق، علوم دقیقه، طب، ستاره‌شناسی و هنرهای آزاد) و از فارسی (به‌ویژه در شعر و ادبیات) وام گرفته بودند.

-ادبیات و تاریخ:

هرچند شوپن معتقد است که ادبیات تاتاری هنوز به سطح کلاسیک فارسی و عربی (رودکی، فردوسی، سعدی، حافظ، ابن‌سینا و ابن‌رشد) نرسیده، اما رساله‌های متعدد در صرف و نحو، آثار تاریخی، روایت‌ها و کتاب‌های راهنما در جغرافیا، پزشکی و ستاره‌شناسی وجود داشت. برخی رمان‌ها نیز عمدتاً ترجمه یا تقلید از زبان‌های دیگر بودند.

-زبان دینی و حقوقی:

زبان تاتاری در کنار عربی، به زبان مشترک دینی و حقوقی تبدیل شده بود؛ جایی که «برای کسی که زبان عربی و تاتاری نداند، نه دانشی هست و نه تقدسی.»

شوپن در پایان تأکید می‌کند که اهمیت این زبان نه در دستاوردهای ادبی بزرگ (یحتمل شوپن به آثار ادبی امیرعلیشیر نوایی، نسیمی، خطایی، فضولی و... دسترسی نداشته یا عامدانه آنها را نادیده گرفته)، بلکه در گستردگی کاربرد و نقش آن به‌عنوان ابزار ارتباطی در جهان اسلام نهفته است.

تأثیر چندزبانگی در نظام قضایی و شیوه قضاوت نیز برجسته بود. در مصر، بطلمیوس دوم یک محکمه برای یونانی‌زبانان تأسیس کرد و یک محکمه برای مصریان. در سیسیل نیز نورمان‌های فاتح به مسلمانان، یونانیان و یهودیان اجازه دادند از قوانین خود پیروی کنند. آلفونسوی ششم، پادشاه اسپانیا، نیز امتیازی مشابه به کاستیل‌ها، فرانک‌ها، مسلمانان و یهودیان اعطا کرد.

چندزبانگی در ارتش‌های باستانی هم رواج داشت. حکومت‌ها سربازانی از اقوام و زبان‌های مختلف به خدمت می‌گرفتند تا امکان اتحاد و شورش آنان را به حداقل برسانند. چندزبانگی در سپاه‌ها در جهت یادگیری زبان دشمن هم بود. در انگلیس، در زمان جنگ صدساله با فرانسه، یادگیری فرانسه برای اشراف‌زادگان برای تقویت کارایی جنگی الزامی شد. پاولنکو یادآور می‌شود که مهاجرت و ارتباطات بین‌زبانی پدیده‌ای تاریخی است و اتفاقاً در قرن بیستم، در بسیاری از کشورها، سیاست «عدم‌آمیختگی اقوام» منجر به افزایش تک‌زبانی شده است. او با اشاره به دو جنگ جهانی، تجزیه فلسطین و قبرس و هند تأکید می‌کند که در کتاب‌های مربوط به دوزبانگی هیچ حرفی از نسل‌کشی و پاکسازی‌های قومی به میان نمی‌آید.

در طول تاریخ، پذیرش تنوع زبانی بیشتر یک واقعیت زندگی بوده است تا انتخابی خیراندیشانه. چندزبان‌بودن جوامع در گذشته نشانگر وجود نوعی «مدیریت زبانی» بود، یعنی اتخاذ تدابیر و تلاش‌هایی روشن برای گزینش قاعده‌مند زبان و خط در نهادهای اجتماعی و در ارتباط با جامعه.

پاولنکو همچنین نشان می‌دهد استفاده از کلمات و عبارات بیگانه در گفتار اشخاص، برخلاف آنچه بسیاری می‌پندارند، پدیده‌ای تازه نیست و در طول تاریخ، در کلیساها، کلاس‌های درس و دادگاه‌ها نمونه‌های فراوان داشته است.

تاریخی» می‌نامد، موجب شده تصویر نادرستی از وضعیت فعلی چندزبانگی در ذهن ما شکل بگیرد. پاولنکو می‌گوید در طول تاریخ پذیرش تنوع زبانی بیشتر یک واقعیت زندگی بوده است تا انتخابی خیراندیشانه. کهن‌ترین نمونه‌هایی که پاولنکو از چندزبانگی ذکر می‌کند مربوط به سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ پیش از میلاد است که به دانش‌آموزان اکدی‌زبان برای درک متون سنتی آموزش زبان سومری داده می‌شد. از الواح گلی کشف‌شده پیداست که دانش‌آموزان را می‌توان کاملاً دوزبانه به شمار آورد.

برخلاف تصور امروزمین که چندزبانگی جوامع را امری نادر و موردی قلمداد می‌کنند، فاتحان، کشورگشایان و فرمانروایان امپراتوری‌های بزرگ با تنوع زبانی جمعیت قلمروی‌شان کنار می‌آمدند.

مثلاً در امپراتوری‌های بزرگ دستگاه اداری معمولاً چندزبان‌بودن نورمان‌ها پس از فتح بخش‌هایی از جنوب اروپا، یک دستگاه اداری سه‌زبانۀ عربی، یونانی و لاتین برقرار کردند. ایشتوان اول، پادشاه مجارستان، در آغاز سده یازدهم میلادی از مهاجران استقبال می‌کرد و به پسرش اندرز داد: «آن قلمروی پادشاهی که فقط یک زبان و یک آیین داشته باشد ضعیف و شکننده است». در امپراتوری روسیه، پتر کبیر و جانشینانش، تا پیش از اعمال سیاست «روسی‌سازی»، سرزمین چندقومیتی خود را با زبان‌های مختلف، از جمله آلمانی، سوئدی و لهستانی اداره می‌کردند.

در جوامع چندزبان‌ها، مسائل مذهبی و زبان آیینی نیز با رواداری بیشتری مدیریت می‌شد. حاکمان نورمان در سیسیل به مردمان سرزمین‌های تازه‌شان اجازه دادند مساجد و کلیساها و کنیسه‌های‌شان را حفظ کنند. پاولنکو از سکه‌ها و بناهایی یاد می‌کند که در آنها «الله» و «مسیح» در کنار هم آمده یا آیات قرآن بر ستون کلیسا نقش بسته است.

قورد اۇنلارلا طرف گلير. اوشاقلار چيغيرا - چيغيرا قاجماغا باشلاديلار .

قورد، اۇنلارين قاباغيني كسدى و ديشلرينى شاققنلدا ديب، دئدى:

-ھارا قاجيرسينيز؟ دۆشون قاباغىما!

كمال دئدى:

-آي قورد! سن بالالارين جانى، بيزى يئمه! قۇي گئدك .

قورد، اۇنلارين ھرھه سينه بير قويروق ووروب، دئدى:

-دئديم، قاباغىما دۆشون!

اوشاقلار آغلايا - آغلايا اۇنون قاباغينا دۆشدولر. قورد،

اۇنلارنى اۇز يواسينا آپاردى. قوردون بالالارنى،

اوشاقلارنى گۆرۆنجه، آنالارينا دئدىلر:

-آنا، بونلارنى اۇناداق، سۇنرا يئيه ك .

آنالارنى راضى اۆلدو. ريحانلا كمالنى بالالارينا وئردى.

قوردون بالالارنى، ريحانلا كمالنى ايچرى آپاردىلار. و

اۇنلارلا قۇيون قويروغو يئديرتدىلر و اۇيناماغا باشلاديلار.

بير نئچه گۆن كئچدى. ريحانلا كمال، قورد بالارنى ايله

دۇست اۆلدولار. اۇنلارلا اۇخوماق، اۇيناماق دا اۆگرتدىلر .

بير گۆن قورد چۆخ گزدى و يئمگه بير شئى تاپمادى، آج

اوه گلدى. «كمال»نى يئمك ايستهدى، بالالارنى

آغلاشيب، قۇيمادىلار. قورد، اۇ گۆن بير يانا چيخمادى.

اۇ، گئجه نى آرايا سالماق، اوشاقلارين بيرينى يئمك

ايستهدى .

كمال دا بونو دويموشدو.* گۆن اورتا اۆستو قورد و

بالالارنى ياتميشدىلار. كمال تتر بير اۇجاق قالدى. ايكى

شيش قيزديردى، باجيسينا دا دئدى:

-باجى! قورد، بيزى بو گئجه يئيه جك. تتر آل بو

شيشلرى اۇنون گۆزلرينه سۇخوب، قاجاق. اوشاقلار

شيشلرى گۆتوروب، قوردون گۆزلرينه سۇخدولار و

حكايه لر - اويكولر

HEKAYƏLƏRİMİZ

ريحان و كمال

REYHAN VƏ KAMAL

يازار: حكمت حسين اؤو

كۆچۆرن: شبنم توحيدى



احمد آدلى بير كيشى نين «ريحان و كمال» آدلى ايكى

اوشاغى وار ايدى. بير گۆن احمد ايله خاتىمى سى قۇنشويا

گئتميشدىلر. اوشاقلار ائوده قالميشدىلار. آخشام ايدى،

قارانلىق دۆشوردو .

ريحان قايتيا چيخيب، قارداشينا دئدى:

-نولار گئدك باغدا بيرآز دۇلناق .

كمال دئدى:

-يۇخ! آتاميز گلر، آجىقلانار .

ريحان دئدى:

-تتر قاينداريق .

كمال، باجيسى نين سۆزۆن يئره سالمادى. هر ايكىسى بير

بيرينه قۇشولوب، باغا گئتىلر. بيردن گۆردۆلر، بير يئكه

اوشاقلار دا، قارىنين ائويندن آداما بير خورجون قيزيل گۆتوردولر، يۇلا دۆشدولر. آج - سوسوز اوچ گۆن يۇل گنتدیلر. آجلىقدان طاقتدن دۆشدولر. بير آجايين ديبينده يئره اؤتوردولار. بير بيرىنين بۇيونو قوجاقلاینب و ياتدیلار .

بونلار بوردا قالسينلار، سيزه اوشاقلارين آتا و آناسيندان خبر وئريم .

احمد كيشى ايله خاتيمىسى، قۇنشودان ائوه گلدیلر، گۆردۆلر اوشاقلار يۇخدور. نه قدر آختاردیلارسا، تاپا بيلمهدیلر. آياقلاريندا دميردن چاريق * گئيدیلر، اللرينه دميردن بير چليک * آلدیلار و اوشاقلاريني آختارماغا باشلادیلار .

كندلری، شهرلری، مئشهرلى گزدیلر، اوشاقلاريندان بير نیشان تاپمادیلار. ناعلاج قالئب، آغلايا - آغلايا ائولرينه قايتدیلار. يۇللاری همين بو آجايين آلتينان دۆشدو. گليب، نه گۆردۆلر؟! اوشاقلاری بير بيرىنين بۇيونو سارئليب، ياتیلار. آتا - آنالاری گۆزلىرىنين ياشينى تۆكه - تۆكه اۇنلاری اۇياتدی. اۇنلارا سو و چۆرك وئردیلر .

اوشاقلار اۇزلىرىنه گلدیلر. آتا و آنالاريني تاپتدیلار، بۇيونلارينا سارئلدیلار. و باشلارينا گلن احوالاتي اۇنلارا ناغئل ائله دیلر. قيزيل دۆلو خورجونلاری دا گۆتوروب، سئوينه - سئوينه ائولرينه گلدیلر .

آچيقلاملار؛

دويموشدو: حسّ ائتميشدى

ماغارا: غار

كۆپ: بۇيوك كۆزه

چاريق: بير نوع آياق قابئ

چليک: عصا

قايناق: Kirpi.az

شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۴ - خياو شهرى

قايي دان چيخيب قاجدیلار. قاجهاقاج بير مئشهيه چاتدیلار .

بيردن گۆردۆلر، بير آيي اۇنلارا طرف گلير. اتكلريني قۇملا دۆلدوروب، بير آجايين باشينا چيخدیلار. آيي گلدی، آجاجا ديرماشدى، اوشاقلارين ياخينليغينا چاتاندا، اوشاقلار اۇنون گۆزلىرىنه قۇم سپدیلر .

آيي تاپيىلتى ايله يئره دۆشدو، گۆزلىرىنى اۇوماغا باشلادى. كمال و باجيسى تئز آجاجدان دۆشوب قاجدیلار. تا كى گليب، بير ماغارايا* چاتدیلار. ماغارايا گيريب، گۆردۆلر، بورادا بير كۆپ* قارىسى اؤتوروب كى، آغزىندان، گۆزلىرىندان ايلان - قورباغا تۆكولور! قارى، اوشاقلاری گۆرن كيمي ديشلريني شاققىلداديب، دئدى:

-سيز، خۇش گلميسينيز. نه بيلدينيز كى، منيم گۆيلۆمه انسان اتى دۆشوب؟

كمال دئدى:

-قارى ننه! بيز آلتى آياق، يئددى باش پهلواتين اوشاقلاريني.

قارى دئدى:

-آلتى آياق، يئددى باش دا، آدام اۇلارمى؟

كمال دئدى:

-ايندى گلر، گۆررسن .

قارى دئدى:

-هاردادير؟

كمال جواب وئردى:

-يۇلدادير. الان گلر .

قارى، يئرىندن سيچرايب، دئدى:

-من گنتديم. منى گۆرمز .

قارى قۇرخودان كۆپه مينيب، گۆگه قالخدى و يۇخ اۇلدو .

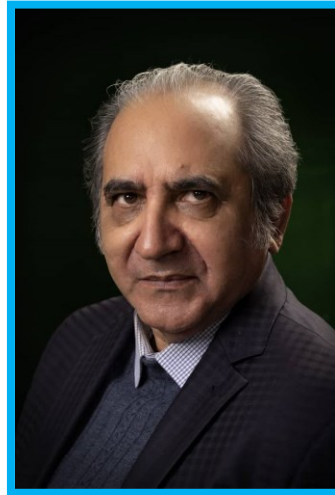
جانین نان دو یوب دی آما او قَدَر ده آنناغی وارکی بو سؤزلری اوجادان دئمه دی و منیم حؤرمتی می اؤزگه لر یانیندا سیندیر مادی . اونا گؤره امر ائلیر کی اونا بیر توربا قیزیل وئریب عزیز زَت احتیرامی نان یولا سالار . " وزیرین کی بو ایشه آغزی آچیخ قالمیشدی اؤزون یئتیریر زیرناچی یا و دئییر : " سن شاهانه دئدین کی اونا او قَدَر خوش گلدی و بو قَدَر سنه انعام وئردی؟ " زیرناچی دئدی : " دییه رم آما بو ایشین بیر آز خرجی وار . سنه باخاریب توربا قیزیلا . " وزیر دییه ر اوسسون قبول دی . زیرناچی دییه ر : " قدیم لر من شا هین زیرنا مَعَللی می یدیم کی اونا هر زادی اؤرگت میشدیم فقط قالمیشدی بیر پوفی کی اونی دئدیم . " وزیر آل چَح مه دی و دئدی هوهمان گَرَح منه ده اؤرگه ده سن . زیرناچی نچه موددت وزیره قوناغ اولوب بوتون هاوالاری اونا اؤرگه در .

گون او گون اولار کی بیر گون شاه ، وزیرین ن چیخار شیکارا . شاهلار آییغ اولالار و گؤره رکی بیرشئی اونون پالتارینی بَح شیشیدیب دی . سوروشار : " نه دی او کئف ده دیح دوروب شیشیب دی . " وزیر دییه ر : " قربان ائله سیزین کینه تای بیر شئی دی . " شاه تَعَججوب ائلی ییب دییه ر : " چیخات گؤروم نچه بیر شئی دی . " شاه گؤره ر بیر اوزون زیرنادی و دییه ر : " حتمَن کی گتیریب سن چالاسان ! پس چال گؤروم نه جور چالیرسان . " وزیر باشلار سن به یه نن بیر گووه ح هاواسی چالماغا و بوتون نؤکر لر دوشه لر اویناماغا . شاه بوله رکی اولالامویابو ایش حکمت سیز دَیی . سورا باشلار وزیر سوحمه یه و اودا اولوب گئچن لری آنادار . شاه شیکار دان واز گئچیب دستور وئره ر همامی قئیتسین قصره . سورا بیرین یوللار زیرناچی نین دالیجا و او قصره گلینجه امر ائله ر کی وزیرین زیرناچی ، لیباس لارین چیخاردیب بیر بیر لری نن ذیشه لر . سورا شاه اوزونی وزیره توتوب دییه ر : " بو گون نن سن قصرین زیرناچی سی سان و زیر ناچی دا بو هوش باشی نان منیم وزیریم . " بئله لی یه نن ناغیل

خوی ناغیلاری

علیرضا ذیحق

روایت ائده ن : رحمتلی آنام " علویه خانیم "



زیرناچی

بیر گون وارایدی بیر گون یوخ ایدی . گون لرین بیرینده زیرناچی بیر کیشی وار ایدی . زیرنا چالان دیشی دوشموشدی و کاسیب لیخ بوله سینه بَح زور وئیردی . سالدی چیخدی گوردی اؤلمه سی فالماسین نان یاخچی دی . قوللارینی بوش بئکار توولویوب قره گون نن آل لَش مَح بوله سین یورموشدی . باشینا ویریر کی گنده شاهین یانینا . شاه قاپی سیندا نؤکرلر اونا گؤروب قووورلار . آما او آل لرین نن قورتولوب قاپینی وئیرر تپی یه . شاه سوروشور : " بو های کوو ندی دوشوب ؟ " دئییلر : " آجین بیر گلیب دئییر شاها سؤزوم وارا! " شاه دئییر : " اوسسون . قویون گلوسین گؤروم سؤزونون آدی ندی . " زیر ناچی ایچه ری گیریب دئییر : " بو بیر سؤزدی کی فقط گَرَح اؤز قولاغیزا دییه م . " سورا باشلیر آغزین نان چیخانی شاهانه یه واونی بیر یوللوق یویوب آرینداماغا . شاه گؤرور بو هرکس دی

ارباب کی نچھ واخت ایدی آروادیننان شَح لی دی نامه نی آچیب اوخویان دا گۆرور آروادی معمار باشی یا تافشیرپ کی هرکس بونامه نی گتیرسه اونو دیری دیری عیمارتین خیم لارین دا قویلا. کیشی نی فیکیر گۆتوردی و آننادی بو ایش ده بیر ایش وار. اوغلانا دندی: "سن بو گنجه ائوه گلمه وگتت زمی ده کی کولوغا. من بو گنجه اورا گلمی یه جه یم. یئیب ایشم زاد دا هرزاد اوردا واردی وصاباح قئییدرسن." ارباب دا گیزلین ائوه قئییدیب میسدی بیر طرفه گۆره نه خبر دی. قراننیک دوشن ده گۆرورکی آروادی بوتون نۆکر کیفلت ذری مورخص ائله دی و اوناردا ن ایسته دی سحره جان قیش دامینا گئدیپ بو طرف لره دولانماسینار. سورا آروادی یوز قلم نن بزه نیب گۆزون تیخ دی قاپی یا و تیقفیلتی گلن کیمی قاپینی آشدی. ارباب گۆردی معمار باشی دی و خانیمی نان برابر اوتاغینا گیردیله. هره هیرنالاری تزه باشلامیشدی کی بیردن بیره آرواد آننادی نۆکر باغا گتیمی ییب و تعجوب لندی. معمار باشی دندی: "گۆره سن آغزی هارا آخیب دا. سحر اولجاخ بیرده یوللا کی خیم سهل دی من اونو دوواردا قویلارام. داش اولوم باشینا کی جواهر ندی بولمور. سنین کیمی گۆزل دن کیم گئشسه بول کی غغلی آزیب."

ارباب گۆردو سس سالیب اؤزو نو زذیل ائله مه یه گلمز. سسینی چیخاتمی ییب بوتون قاپ باجانی باغلادی و ائوی اوتا چحدی. چیغیر باغیر سالسالاردا فریادداری بیر یانا چاتمادی و آخیردا دام دام آچوب قالدیلار آلتین دا. بو سیر دان هئش کیمین خبری اولمادی آمارباب کی سونسوز اودی نۆکری اؤزونه اوولاد ائله دی. اودی کی بالالار آدم گرح اؤزونو ایکی یئرده ساخلی یا، بیر آجیبی یاندا بیر گیچی ین ده. *

* روایت یئری : خوی . روایت تاریخی : مهرایی ۱۳۷۰. ناغیلی دییه ن : رحمتلی آنام علویه خانیم

قورتولار آما او هارا کی بیر زادی گۆره سن او هارا کی ائشیده سن .

خوی روایتی - ۵۲/۲/۲۴

خانیمین اویناشی

گونلرین بیرینده لاپ قدیم لر، گۆزل بیر اوغلان وار ایدی کی بیر ائو ده نۆکر ایدی . او ائوین آروادی اونا گۆز وئریدی ایشیق وئرمیردی و هؤهمان ایستیردی کی اونو آله گئچیتسین . اوغلانین گۆزل لی یی و قد قامتی، اونو باشدان ائله میشدی و بوتون فیکری ذیکری اوبودی. نچجه یول اونا یاخین گتتسه ده اوغلان اونا هئچ اوز وئرمه میشدی . آرواد نه علاج ائله دی گۆردو بو ایش اولان ایش دئی . نئینه سین نئینه مه سین بیر نامه یازیب وئیر اوغلانا و دئییرکی بونو آپار باغدا کی معمارا. یولون چوخون گتتمیشدی کی گۆزو ساتاشیربیرفالچی یا و گئدیر کی فالینا باخدیرسین . فالچی تاس آتیب کیتاب آچاننان سورا دئییر: " حلال سوت آممیش آدم دوز یئیب دوزدان سیندیرانماز. سنین ده ذاتی سوتون پاه دی و خیانتی نن آران باران یوخ دی . آما بولمورم منه نییه آگه اولوب کی هاردا توی گۆردون دوروب باخاسان . "

اوغلان باش آلیب گئدیر آما باغا یئترمه میش ، توی دویون سسی گلیر. فالچی نین سؤزو یادینا دوشوب بیراز دایانیر کی گۆره نه خیر دی. توی آداملاری یول اوسته گووچ گئدیردیله اوغلانین دا دا آغزی آخمیشدی قیزگلینه . قراننیک دوشموشدو کی گۆردو دا گتتمه سی نین فایداسی یوخ دی و ایندی یه جان دا ایش تعطیل اولوب معمار گئدیپ ائو ائشی یینه . تصمیم توتور صاباح گئدیپ نامه نی وئره کی بیردن بیره راس گلیر اربابا . ارباب دئییر گنجه نین بوواختی بوردا نئینیرسن کی اوغلان نامه نی گۆرسه دیرو دئییر ، یول دا بؤیوح توی چالیندی و متل اولدوم . گۆردو م ایندی معمار باشی دا ایشی یاتیدار و گتتمه دیم.

سوت گۆلى

آلاه هامىنى يامان گۆزدن قوروسون وهئش كىمىن دىرناغىنا داش دىمه سىن . گونلر بىرىن ده " آسو ، قسو " آدىن دا ايكي قارداش واريدى . بونلارى اكيب دوغان يوخودى وهامى دئيه ردى كى اونلار حاميله بىر آغاج دان دوغولوبلار . بىر آغاش كى اونلار دوغماميش ، ايشيغى هريره دوشوردى . قوجالار ديه رديلر بو آغاجى مليك ممد اوزون ايشيغى دونيادان گتيرميشدى واسونان قسو نو دوغانان سورا ، اوزايشيغى نان آلولانيب يانميشدى . اما او آغاجين كول لرين ن ايكي قارقا قانات آچيب آسو نان قسويا ايكي آمزيح وئرميشديلر . او آمزيح لردن سوت داشيردى و آسو نان قسو او نلار يئيب بؤيوردولر . تا كى ويردى آرا قاريشتى مسسب ايتدى و جنگ ده ايتگين گتيدلر . اما سيزه دئيم آسوقسودان كى اونلار ائواوچاخ دان اوزاخ دوشوب بؤيوب بوى آتيجا بوتون فيكير لرى سوت گؤلون دئدى و آددارى چكىلن اما هئش كىمىن گۆرمه دى يى قيزيل آلمادا .

تاكى بىرگون يوللارى دو شورآغ قالا آدىن دا بىر شهرة و بىرىن نارينا كاباب ايبى دىير . گؤيول لرينه كاباب دوشوب گيريللر توكانا . يئيب ايچن ن سورا آل آتيللار جيب لرينه كى گؤروللر پول لارى يوخ دى . كاباب چى يا حال قضيه نى دئيللر كاباب چى دئيرعيبى يوخ دى فَعَط يولوز دوشسه دريايا منه بىر باليخ توتوب گتيرين . آسو نان قسو دريانين يولون توتوب گتديلرونچه گون اوردا باليخ چى لاراكؤمخ ليح ائلى ين ن سورا ، تور آتیب بىر باليخ توتدولار . باليغى توتماخ همى ده كابابچى ياددارينا دوشوب گتيدلر آغ قالى يا . كابابچى باليغى اونلاردان آليب آپاردى ائوه . ائوين خانيمى باليغى كسيب ايچين تميزلى ين ده ، قارنين دا بىرزومرود

اوزوح گؤردى . اوزو يو آرى گؤروب آله آماخ همى دئدى بو اول اولمويا شاهين اوزويو دى . كاباب چى اوزويو شاها آپاريب موشتولوخ ايسته دى . شاه اوزويه باخماخ همى گؤردو اوزاوزويو دى واونا بىر كيسه قيزيل وئردى . سورا دئدى آسو قسو نو تاپيب تئز گتيررسن بورا . كاباب چى قسردن چيخيب دوشدى

شهرين جانينا كى بلكه اونلار تاپا . هريرى آخ وئح ائله دى اما اونلاردان بىر خبر توتانمادى . نئينه سىن نئينه مه سىن چيخدى گتدى ساحيله كى بلكه باليخ چى لاردان خبراولا . اما بويون اونلار هئش كىم گؤرمه ميشدى . كاباب چى بىر نچه گون اونلار اختانان سورا قئيتدى آغ قالى يا و گؤردو جماعات سئل كىمى دوشوب لر يولاو گتيدلر مئيدانا . قارا ايدى ايكي نفرين باشى وورولاكى دا هئش كىم بىر ده حورشت ائلى ييب شاهين باغينا ياخين لاشمى يا . دئمه اونلار يورقونلخ دان بىر باغا دوشوب ايسته ميسديلر بىر آغاش كؤلگه سىن ده دىنجه له لر كى ، گؤزلرى ساتاشيرسوت گؤلونه و باشليلار چيم مه يه . سوت گؤلون ده چيمه ن ن سورا باغ دا كى قيزيل آلمالارى گؤروب بىر نچه سىن دريللر . شاهين قولام لارى دا اونلار گؤز قويوب باغ دان چيخماخ همى توتولار .

كاباب چى مئيدانا گنديب نظر سالماخ همى گؤردو كى بونلار آسو نان قسو دولار و تئز قاشدى كى شاه خبر وئرسين . شاهين دستورونان اونلار قصره آپاريب و بوله لرينه چوخ حورمت ائله ديلر . آسو قسو كى بو وضعيت دن گيجه لميشديلر شاهى گؤرمخ همى تعظيم ائلى ييب اؤز سرنويش لرينى دئديلر . شاه دئدى بو ايش ده آلاهيى بىر مصلحتى واريدى وباليغين قارنين داكى اوزوح منيم جديم مليك ممد ين يادىگارى ايدى . چيمدى ييز سوت گؤلون ده اونون ايشيغى دونيادان يئر اوزونه گتدى يى بىر ايچيم سودان قئنى ييب . گؤردو يوز قيزيل آلم لاردا زومرود قوشونون مليك ممد هديه سى دى . گؤيون اوچومجو مرتبه سىن ن دريلميش بىر آغاجين ميوه لرى ديلر .

اسو نان قسو بىر نچه گون شاها قوناغ اولوب يئيب ايچيب ن سورا ، بىرگون اما گؤز گؤره – گؤره يوخ اولدولار . اونلار سوت گؤلونده ئ ديلر كى بىر ايلديريم گلدى . اونون ايشيغين نان گؤزلر قاماشدى و سوراسى دا اونلار هئش كىم گؤرمه دى . او گون ن پاديشاه دستور وئردى كى هر شهرده گرح قيزيل آلم اكيله و سوت گؤلونون سويو هر يئر آخا . نييه كى اسو نان قسو ، شاه دان فقط بونو ايسته ميش ديلر .

روايت تاريخى : ۷۹/۶/۲۵ - خوى

گندردى. او واختلار من اورتا مکتبده اوخووردوم. عبدالهادى دايى اوغلو بيزيمله قونشو ايدى. آروادى گولقيزين گۆزلرى گۆمگۆى اولدوغونا گۆره دايى وغلوم ظارافاتلا اونو نيكولاى چاغيراردى.

اۆزو ده بونا او قدر ورديش ائلميشدى كى، حتى نيكولاى اونلارا قوناق گلنده بئله آروادينا اوجادان سسلندى: "آز، نيكولاى، گئت، بيزه خوروزقويروغو چاي دمله گتير" و يا "آز، نيكولاى، آخشاما زعفران لى دؤشمپلوو بيشير!" نيكولاى بوندان اصلا اينجيمزدى، عكسینه گوله-گوله دئيردى كى: "اشى، آداشيما اذيت وئرمه ده، گل چيخيب گئدك ايشيميزه-گوجوموزه... "ايش-گوج دئينده نيكولاى اووو نظرده توتوردو. كنديميزده بير چوخلارى كيمي داييم اوغلو دا اووچولوغا دولانيشيق واسطهسى كيمي باخيردى. نيكولايسا سادهجه بو ايشدهن بؤيوك ذؤوق آليردى. اودور كى، ووردوغو قوشلارى اونا-بونا پاي وئردى. يعنى نيكولايا اوودان قالان قازانچ قوروجا چوخ ساغ اول، بير ده طبيعت قوينون دا استراحتده ايدى.

بير دفعه قيش واختى نيكولاين ماشينين موتورو ايشه دوشمهدى. يئره توپوغاچان قار ياغميشدى. هاوا قارالسا دا، نيكولاى هئچ حالينى دا پوزمادى. بالاجا تونفال قالايب موتورون شاملاريني چيخاريب اوددا ايسيتدى. صحبت ائده-ئده ماشينين اورا-بوراسيني قوردالادى. داييم اوغلو دئدى:-- نوکولاى، يورما اؤزونو، گئجهنى بيزده قالارسان، قار دا سحرهجن ارير، صاباج، اينشالله، راحتجا ائوينه گئدرس! نيكولاى گولومسونوب دئدى:-- ائه دوستوم، بو هله هاراسى دير كى؟! باخ، يئره ديزهجن قار ياغا، ائوينده ده نه قاز اول، نه ايشيق يانا، اوشاقلارين سويوقدان تير-تير اسه، آروادين دا اولاميله، آغرى چكه... بير يان دان دا ماشينين يا خاراب اول، يا دا ياناجاق سيز... قالاسان گيرينچ-گيريفتار. باخ، اصل درد اونا دئيرلر...

بو صحبتى ائوده ددهمه دانیشان دا كيشى بيغالتى گولومسونودو. منه دئدى كى:-- بالا، بو احوالات گؤرونور

يارالى قوشلارى (حكايه) YARALI QU QUŞLARI NURƏDDİN ƏDİL OĞLU

نورالدين عدیل اوغلو

برگردان : علی محمدنیا



عمرومون گنج ليك فصلی، دونيانين گۆزل وعدهسى ايدى. ماساللى شهرينده "حکومت ائوى" دئييلن بئشمرتهلى بينادا ياشاييرديم. نيكولاى آدين دا ياخشى بير روس قونشوم واردى. چوخ حاضيرجاواب، ظارافاتجيل، مهربان و زحمتكئش كيشى ايدى. اونو لاپ اوشاق چاغلاريمدان تانيبيرديم.

ايلك گوردويوم گون دن تا ياشينين آهيل چاغينادك رايونداكى بوتون اوو يئرلرينى ۷۱-۷۱ نؤمرهلى نارينجى رنگلى "موسكيويچ" له گزيب-دولاشاردى. كؤهنه اولسا دا، نيكولاى اؤز اوتوموبيليني چوخ سليقهلى ساخلایاردى. دئييله نلره گۆره، اؤزو ده ياخشى اوتوموبيل چيلينگریدی.

ائله اوزون ايللر ايداره ائتديى و هميشه ساز وضعيتده اولان "موسكيويچ"ينه باخاندا بونو بيلمك اولوردو. دوزدو، ماشينيم اولماديغيندان اونون نئجه اوستا اولماغينا شخصاً بلد دئييلديم. اما اووچولوغونا سؤز اولاييلمزدى. بيز آرا نيكولاى بيزيم خيرمان دالى كندينده قوش اووونا داييم اوغلو عبدل احدى يا

باغلايا اووچولارين قاراسينجا دئييندى:-الله اينصافينيزى كسسين! واللہ، بو بينوا قوشون آهي توتاجاق بو كندى. چؤرك آتلى اولاجاق، يازيق جاماعات پيادا. هئچ قو قوشونا دا گولله آتارلار؟ او يارالى قو قوشونون گؤز ياشلارى منى او قدر ريقفته گتيردى كى، دوخسان آلتى صحيفه ليك جيلدى گؤي رنگلى شاگيرد دفتريمه نئجه "يارالى قو قوشلارى" باشليقلى احوالاتين قيسا مضمونونو يازديم اؤزوم ده بيلمديم. سونرا گؤي جيلدى او دفتر منيمله حربى خيدمته يولا دوشدو... اورادا آلاي كومانديرى اولان ظالم بير "اووچونون" غضب "گولله سينه" توش گلدى. بئله جه "يارالى قو قوشلارى" باره ده حكايه ياريمچيق قالدى. تصادفه باخ، من عائله قوروب رايون مركزينه كؤچهنده نيكولايا قونشو اولدوم. آرتيق نيكولايا اووا چوخ آز حاللاردا گنئردى. عبدل احد داياي اوغلوم دا دونياسيني ديشيميشدى. نيكولايا من دن سوروشوردو كى، اونون اوغلانلاريندان هانسي آتاسينين يولونو داوام ائتديرير؟ دئديم كى، بؤيوك اوغلو مصرفله اورتانجيل اوغلو كمالى دئيه بيلمرم، اما كيچيك اوغلو آغاده ده هم ظارافاتجيل اولماق دا، هم دوست قازانماق دا، هم ده اووچولوق دا آتاسينا چكيب (داييم اوغلو اؤز كيچيك اوغلونا فاشيست آلمانياسى ايله محاربه ده هلاك اولموش آتاسينين آدينى - يعنى منيم آنامين قارداشينين آدينى قويموشدو و هامى اونو دده دئيه چاغيريردى). نيكولايا آغاده ندين آدينى ائشيدن ده سئويندى:-هه، او واخت قارلى گونده بيز عبدالله اوودان قابى دان دا دونيايا گلن اوغلان... هه، - دئديم، - دئيه سن، همين گون سيزين سئويملى "موسكويچ" اين بنزىنى قورتارميشدى... - سن بونو هاردان بيليرسن؟ - نيكولايا ماراقلا سوروش دو. - بيز اونلارلا هم قونشو، هم ده قوهوموق آخى، - دئديم. نيكولايا هميشه ايوان دا ساماوار قايناداردى. سامووارين توستو- دومانى اطرافا ياييلان دا نيكولايا نزاكتله قونشولارين دان عذر ده ايستيردى. بعضا قونشو

يا اونون اؤزونون، يا دا ياخين دوست-تانشينين باشينا گليب... اونا گؤره بئله دئيب... ياخين دوست- تانش دئيه ده ائله من عاغليما داييم اوغلو عبدل احدى گتيرديم. اونون اوچ اوغلو، دؤرد قيزى واردى. دوشونوردوم يقين بو احوالات يا كيچيك اوغلو آغاده ده، يا دا سونبئشيك قيزى ايستگول دونيايا گلن ده اولوب. يقين كى، او واخت دا كنديميزه چوخ قار ياغييميش، ائله نيكولايا دا داييم اوغولا يا اووا گنئيرميش، يا دا اوودان گلييميش. داياي اوغلومون نيكولايا دندىي آروادى گولقيز دا آغرى چكيرميش. نيكولاياين دا نارينجى رنگلى "موسكويچ" نين ياناچاغى قورتارييميش... عبدل احد داياي اوغلو دا مجبور اولوب ابچى ميرسته قاريني چاغيريب. آخى ايستر قيش اولسون، ايستر سه ياي، كنديميزه دوغولان اوشاقلارين چوخونون ابچى سي ميرسته آرواد اولوردو. بير ده كند-كسكده او جور تجربه لى ابچى قالا-قالا هئچ بير هاميله قادين رايون مركزينده كى دوغوم ائوينه گنئتمزدى. بلكه داييم اوغلونون "نيكولايا" دندىي آروادىنى دا دوغوم ائوينه آپارماق ايديئاسىنى ائله او واخت دوستو نيكولايا ايرلى سوروب؟! نه ايسه... قيش دا قار چوخ ياغان دا، هاوا شاختالى-كولكلى اولان دا اوو يئرينده يارالانيب اووچولارين الين دن جانىنى قورتاران قوشلار گليب حيا ئلرده كى اوت تاياسين دا، سامانليقلاردا گيزلنرديلر. قيشين ننه م دئميشكن، اوغلان چاغين دا من اؤزوم تايادان مال-قارا اوچون دمير قارماقلا قورو اوت چكنده دفعه لرله يارالى قوشلارلا راست گل ميشه م. ندنسه اوشاق عاغليما دوشونوردوم كى، او قوشلارين قول-قانادىنى يارالايان قورغوشون سئچمه لر يا نيكولاياين، يا دا داييم اوغلو عبدل احدىن اوو توفنگين دن آتيليب... بير دفعه اوت تاياسين دا گيزلنن يارالى آغ قو قوشو گؤردوم. ان آزين دان بيرينجى صيفه گندن قارداشيم قورخمازين آغريلين دا اولان قوش اوشاق كيمى لال-دينمزجه ائله آغلاييردى كى... ننه م او يارالى قوشون قانادىنى تنضيفله باغلايا-



یوللانیر و آغ چالانین گؤلونده اوزن قو قوشلارینی
 نشان آلان بیر اووچونون گولله‌سینه توش گلیر.
 قیزین تابوتونو قیبرستانلیغا آپاران گون افغان
 باسماچیلارینین اسیرلیندن آزاد اولموش سئودی
 اوغلان ساغ-سالامات کنده دؤنور.

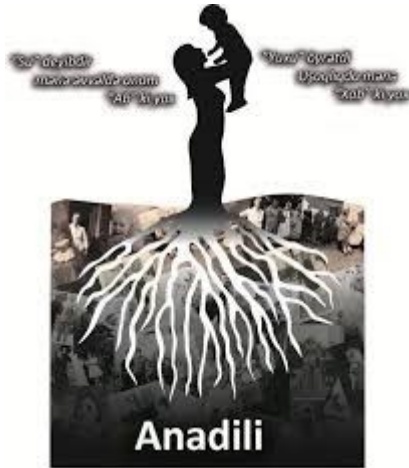
سن دئمه، افغانیستاندا ووروشماغین بین المیلل بورج
 اولدوغوندان دم ووران ظابط کئفلی ایمیش، اسیر
 دوشن عسگرله تابوتا جسدی قویولان باشی
 کسیمیش عسگرین سندلرینی سحو
 سالیبمیش... نیکولای بونو ائشیدنده دریندن کؤکس
 اؤتوردو. و:- سونلوق قملی اولسا دا، یاخشی ائردی، -
 دئدی. دئدیم، بو هله سون دئییل، اسیرلیکدن گلن
 اوغلان آخیردا سئوگی لیبی ایله بیرلیکده قو
 قوشلارینین دا قیصاصینی آلیر. نئجه؟- سن دئمه، قو
 قوشلارینی اوولاماقدان همیشه ذؤوق آلان هارین
 خالق حاکمی آغ گلینلیک پالتاری گئیمیش قیزی
 آغ قو قوشو سانیبمیش... نیکولای باشینی بولایب
 خالق حاکمینین عونوانینا: -آی سنی اجلاف... - دئدی
 و دؤنوب گئتدی. ارته سی گون من ایواندا گزنده
 گؤردوم کی، نیکولای قوشالوله توفنگینی، اوزونبوغاز
 چکمه‌سینی، رتین اؤردک موقووالارینی ماشینینین
 آرخا یوک یئرینه قویوب هاراسا گئتدی. او گون
 قیزیل آغاج قوروغو سمتیندن اووچو گولله‌سیندن
 اورکמוש بیر دسته قوش هاوایا قالخدی. گوی
 اوزونده قاناد چالان قوشلار اوچان اورکلره
 بنزیردیلر... آرادان بیر نئچه گون کئچندن سونرا
 نیکولایلا راستلاشدیق. سوروشدوم: -دئیه سن او گون
 قیزیل آغاج طرفه اووا گئدیردینیز؟ دئدی: -یوخ، آی
 قونشو، بوتون اوو لوازیما تاریمی آپاریب کئچمیش
 دوستلاریمدان بیرینین اوغلونا هدییه وئردیم. دوز
 قیرخ ایل اووچولوق منیم ان سئویملی هوببیم اولوب.
 اما سنین او گونکو قملی "یارالی قو قوشلاری" حکایه
 یندن سونرا داها هئج بیر قوشا گولله آتاماق قرارینا
 گلدیم. قوش اولاندا نه اولار، قوشون دا الله ی وار.

۸-۷ دئکابر ۲۰۱۶



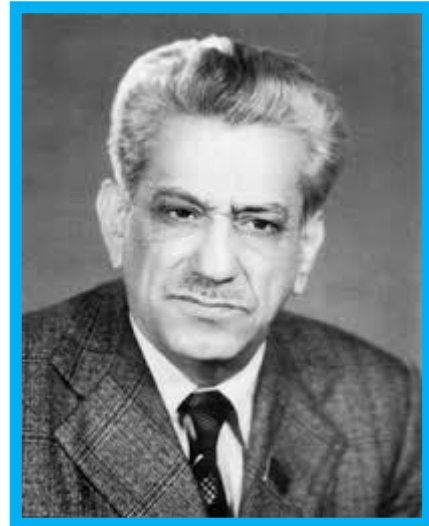
کیشیلر حیاطده ساکیت بیر گوشه‌یه چکیلیب نرد،
 دومینو، شاهمات اوینایاندا نیکولای تنبلیک
 ائلمزدی، یئکه ساموورالا بوتون چای دسگاهینی
 گؤتوروب دؤردونجو مرتبه‌دن آشای ائتردی. او گون
 پورنگی چای ایچه-ایچه ایستول اوستو اوپونلار داها
 مارقالی کئچردی. نیکولای دؤرد اوطاقلی منزلینده
 نه ایت، نه ده پیشیک ساخلاردی. آروادیلا، قوجا
 آناسیلا، قیزیلا چوخ مهربان یولا گئیدردی.

بیر باجی‌سی دا هاملت آدیندا ضیالی بیر
 آذربایجانلیا اره گئتمیشدی. بیز نئچه ایل قونشو
 اولدوق، اما بیر دفعه ده نیکولایی سرخوش گؤردیم.
 هردن منه ائله گلیردی کی، اونون قلبینده الله خوفو
 جمعیتده گؤروب-تانیدیغیم باشقا آدمالردان داها
 چوخدور. من رایون قرئتینده ایشله‌ینده نیکولای بیر
 دفعه مندن سوروشدو: -مقاله‌دن باشقا داها نه
 یازیرسان؟ دئدیم: "یارالی قو قوشلاری" ادلی سندلی
 پووئست یازیرام، او، مارقالا "یارالی قو قوشلاری؟" -
 دئییه سوروشدو. من اوشاق واختی اوت تایاسیندا
 گؤردویوم یارالی قو قوشونون نئجه آغلادیغینی اونا
 دانیشدیم. او، منه قولاق آسیب درین فیکره گئتدی. و
 بیردن: - بس بو پووئستین آخیری نئجه بیتیر؟ او
 واخت ماساللییا افغانیستاندا هلاک اولموش بیر نئچه
 عسگرین تابوتونو گتیرمیشدی. اؤزو ده عسگر
 تابوتلارینی آچماغا والیدئینلرینه و یاخینلارینا ایجازه
 وئرلمیردی. من نیکولایا اثرده سئودی اوغلانین
 تابوتونو گؤره‌ن گنج بیر قیزین باشینا هاوا گلدییندن
 دانیشدیم... او قیز آغ گلینلیک پالتاری گئیب مئشه
 کیمی قالین و کئچیلمز قامیشلیق اولان آغ چالایا



ANA DİLİM **آنا ديليم**
BƏXTİYAR VAHABZADƏ
بختيار واهابزاده

آخی نییه دئییشدیرک
 بیزیم قورقود آتامیزین یاراتدیغی کلمه‌لری
 باشقاسی نین گلمه‌سینه
 نییه منیم آنام «مادر» نییه آتام «پدر» اولسون
 بو دولاشیق تیجار تده
 نییه منیم دوغمالاریم
 اؤزگه‌سی نین تاپداغیندا هدر اولسون
 نییه یادین بکمزینه بال دئمه‌لی؟
 اؤز آشیما یال دئمه‌لی؟
 نییه منیم آنا دیلیم
 گلمه دیلین قاباغیندا
 تیتیم-تیتیم تیتره‌مه‌لی؟
 نییه دوغمام یاد اولمالی؟
 اؤز سؤزلریم اؤز دیلیمدن قوولمالی؟
 هئج گوردونمو توراغایی
 قارغا کیمی قا قا دئییه؟
 هئج گوردونمو سیغیرچینی
 سئرچه کیمی جوککولدوییه؟
 سؤزلرین ده میلت کیمی
 اؤز ازلی صیفتی وار
 هر کلمه‌نین اؤز جووه‌ری فیطرتی وار
 دئییشنده یاد سؤزونو اؤز سؤزونو اؤز لهجه‌نی
 صیفتینی دئییشیرسن
 تانیمیرام اوندا سنی



من چال دئدیم، اوجال دئدیم
 من وور دئدیم، قالدیر دئدیم
 سؤز هوجوم‌دور سؤز حمله‌دیر
 بیرجه کلمه بیر جمله‌دیر
 سن دیلده کی قودرته باخ، جورأته باخ
 بیر جومله‌نی بیر کلمه‌یه سیغیشدیران
 کلمه‌ده کی باریتا باخ
 یوز ایللرین الگیندن آریدیلیمیش آریتا باخ
 دده‌لریم بو سؤزلرین آلوونو گئیینیبدیر
 اورکلری بو سؤزلرین وورغوسو ایله دؤیونوبدور
 قالخان تاخیب قالخ سسینه، وروشوبدور وور
 سسینه



داغلاریمدان دامجی - دامجی سیزیب گلن اؤز
اثریم

ائی بو گونو دیلیم دیلیم
پارچالانان آنا دیلیم
سینه سینده اود قالانان آنا دیلیم
قاپیلارین آرخاسیندا بوینو بوکوک قالان دیلیم
وار ایکن یوخ اولان دیلیم
آیاقلاردا کیلیم دیلیم
ووروشلاردا بیر قهرمان
باریشلاردا حلیم دیلیم!
یادین فتواسیپلا اؤز گولسه میزله
اؤزگه نین دیلینه اوو اولان دیلیم
مؤهورلو حوقوقلو ایداره لردن
داخمالار کونجونه قووولان دیلیم
عالی طبقه لر سنی داندی لار
سن بیر عوممان ایکن دایاز ساندی یار
اؤزگه نین دیلینده خوروزلانیدی یار
سن ائی اؤز ساجیندا قوورولان دیلیم
خطایی تاختیندا سن فرمان اولدون
دیپلره حؤکوم ائدن قهرمان اولدون
بس نییه سن بو گون پریشان اولدون
بابک قیلینجیندان اود آلان دیلیم
تاریخین یولونو کئچدین اوغورلو
سنه باتانمادی بیر قولو زورلو
دوننی مؤحتشم صاباحی نورلو
ایندیسی تاپدانیب اوولان دیلیم
آنالی، آتالی، آیتیم دیلیم
شرفیم، شؤهرتیم غئیرتیم دیلیم



آنلامیرام فیطرتین نه؟ صیفتین نه؟
گؤوشویهنده سن اؤزگه نین سؤزلرینی
صیفت تاخدین صیفتینه
سن توپوردون اؤز بابانین اوچاغینا
آنان سنی بو اوچاغا اوولاد دوغوب
سنسه گیردین اؤزگه سی نین قوچاغینا
هر میلّتین ان قیمتی ثروتی دیر آنا دیلی
اوولادلاری یئر اوزونده سپه لئسه
پرن - پرن دوشن لرین وحدتی دیر آنا دیلی
بو دونیانین هانسی اوزاق قوچاغیندا سسلنرسه
او قوچاغی منیم اوچون عزیزلن آنا دیلیم
غوربتی ده وطن ائدن آنا دیلیم
سؤزلری نین نغمه سینده
روحوموزو جینگیلدن آنا دیلیم
منی آنا وطنیمین بوتون اوغول قیزلاریپلا
قوهوم ائدن آنا دیلیم
سن گؤزلره گؤرونمه یین بیر تئلسن کی
یول آچمیشان کئچمیشیمدن گله جگه
آنا یوردون اؤز روحونو کئچیریرسن
بو نسیلدن او نسيله
او اور کدن بو اورگه
اؤز دردیمی سئوینجیمی
دوداغیمدا چاغلادانیم
منی آنا وطنیمه
بو گونومو صاباحیما دوننیمه باغلادانیم
ائی سسیمه سس وئرنیم
سن ائی منیم وارلیغیمی یئر اوزونه گؤستریم
ائی شرفیم ائی بایراغیم
ائی آنامین کیتابیندا آدی قالان
دوغما ایکن اوگئی اولان سینه داغیم
خطایی نین قیلینجیندا فضولی نین غزلینده
بولؤوله نیب اورخالانان سؤز کسیریم



زھرا میرزائیان

میں اوش یوز اللی سکگیزینجی ایلین سکگیزینجی
آیین ایرمی بئشینجی گونو دونیایا گلیمیشم. اوشاعلیق
یاشلاریمدان ادبیاتا، موسیقی یه دوران هوسیم
حدسیز ایدی. ایرمی آلتی یاشیمدان شعر یازماغا
باشلامیشام. (یاواش، یاواش) اوجالارسان آدلی بیر
کتابیم ایشیق اوزو گوروب.

ایکینجی کتابی حاضیرلاییرام قوشما، گرایلی، قزل،
گوده ک شعرجیکلر چارپارا، بوقالیبلرده یازلمیش
شعرلردیلر. اورتا مکتب بیتیرمیشم. ایکی تخلص
داشییرام (سئوناز) (اولدوز) قاراداغلی.

گنجه لر

آی اوزون گوردو کونول یاتمادی راحت گنجه لر
قالدی جان صوبحه کیمی وصلینه حسرت گنجه لر
باغریما سالدی شرر غمزی سوزگون باخیشین
هر نازیندان باشیما قوپدی قیامت گنجه لر

بیر گنجه رحمہ گلیب گلیمه دین ائی گول یوخوما
نه قه در من اوخودوم آیه بی رحمت گنجه لر
سالمیسان گور نه گونه یوخدی حالیمدان خبرین
قالمادی منده دوزوم صبره دیانت گنجه لر

دیلی بیماریم اوچون بیر سنی درمان بیلیرم
کاش ائدئیدی اوزو بو درده قضاوت گنجه لر
(سئوناز) ام سن گوژلیم حسرتیمه سون قوی اوزون
گل شیرین لای لانیلا وئر منه عادت گنجه لر

ایتیردیک

نه سن ، سن اولارسان، نه من، من اوللام
بیر اوره ک ایتیردیک اوره بیمیزدن

"دوست" ردیفلی شعر

DOST RƏDİFLİ ŞEİR
SÜLEYMAN ABDULLA

سلیمان عبدالله.



روح دئدیین گرک جانی ساغ اولسون،
کئچهن کئچدی، اولان ناهاق اولدو، دوست.
نه فرقی وار آران اولسون، داغ اولسون،
ایلکدن سونا بیر دونیالیق یول دو، دوست.

واخت دیشیب - تولا دؤنوب شیر اولور،
قلبی قارا، اوستو-باشی کیر اولور.
خوشبخت گونلر بئش-اون ایلده بیر اولور،
چرلی دونه، چورلو صباح بول دو، دوست.

هاردا قالدی، گلیب چیخماز وئیل بخت،
نئجه ائدیر، کیمه، نه واخت... - مئیل بخت.
تلسمکله، گنچیکمکله دئیل بخت،
گنچ آچیلان چیچک نه تنز سول دو، دوست؟!

نیی قویوب آختاریریق، دی، نیی،
اوستوموزو کس دی دردین سوریی.
آخیر بییب قور تاردیق کی، اوریی،
بس دئیردین یاخشی اولار، نول دو، دوست?!



داود انتصاری

حاجی خان اؤغلو داود انتصاری. (انتصار) ۱۳۴۱ یینجی
گونش ایلی گونئی دن شرقی آذربایجانین خوجا
بؤلگه سی دئییلن شَرک (شهرک) کندینده دوغولوب.
انتصارگونوموزون دیرلی شاعیر و یازارلاریندان
بیریدیر. عومور بویو یازیب یاراتدیغی شعرلریندن
ایلک اولراق (باشا دوشمه یین ایغا دوشر) ایکینجی
کیتابی اوشاقلارا حصر اولونان (قار آدمی) چاپ
اولونوب سوزخزینه میزه علاوه اولموشدور.

آخیر چرشنه

آخیرچرشنه یدی بیر پلمه گنجه،
کۆنومو اوقیزا قورشاق ساللادیم،
اودا دوپ دورویدو بیر بولاق کیمین،
تزه قایساقلانمیش بیر قایماق کیمین،
اومودون باغلادی او قورشاغیما،
هو یو خوب دوغروخو دیلکلریمیز،
اوخودو عقدیمیزی بَبکلریمیز،
توتدو تو یوموزو ایستکلریمیز،
او جاهاز گتیردی اؤز صداقتین،
من کبین سالدیردیم محبتیمی،
بیر گؤزل ائو یاپدیق اورگیمیزدن،
پنجره سین قویدوق بَبگیمیزدن،
ایچینی دؤشه دیک امگیمیزدن،
ایلک ائولادیمیز شرافت اولدو،
آغیز شیرینلیگی کؤنول خوشلوغو،
گون به گون بو بیزه بیر عادت اولدو.

گۆرموشم

دؤرد آیاقلی گۆردوم آدمجان قانیر،
ایکی وارکی دؤرده سایاق گۆرموشم.
قوجالار گۆرموشم یئددی یاشیندا،
یئتمیش بئش یاشیندا اوشاق گۆرموشم.

بیز آیری دوشه لی بوز، بوش اوتاغدا
دارا چکیلیریک کوره ییمیزدن،

نه اوجاق ایسسیدر، نه گونش بیزی،
نه قیشی دوشوندوک، نه یازی سئودیک،
بیز نیه ایتیردیک کیملییمیزی
نه چؤخو دوشوندوک، نه آزی سئودیک،

نه سن، سن اولارسان، نه من، من اوللام
دنیا اوره یینده بولانیریق بیز
سئوگی سیز دونیادا یاشا ماق اولماز
بیلیمیرم نه ته هر ، دولانیریق بیز

سوسماق ایسته بیرم اؤله نه قه در
هئچ کس سئومییه جک ناغیلیمیزی،
بیلمه دیک هئچ هاردا، نئجه، نه ته هر،
بیز نئجه ایتیردیک آغیلیمیزی.

آنا

دؤنیا یاراناندان قوشالاشبدی
تاریخین یاشینا یازین آنانی
کولک توخونماسین ایزینه بئله
دؤنیانین قاشینا یازین آنانی

توریاغا یازما یین یویار یاغیشلار
قوپارار یئریندن سویار یاغیشلار
ایزینی پالچغا بویار یاغیشلار
وطنین داشینا یازین آنانی

اوپون قوران کیمی آنا شعئیرینی
قازانین آنانین دعا خئیرینی
موقددس ساخلا یین زیروه یئرینی
بایراغین باشینا یازین آنانی

شعرین

یاشا یوخسوللاری، دوی کوتله لری،
بوتون دویغولارا بلنسین شعرین،
یوغرولسون سوموگدن، سوزسون ایلیکدن،
آخیب اورکلری دولانسین شعرین.

سوولسون سیناقدان، گنچسین تراز دان،
سؤزو حیالی اولسون، گلیندن، قیزدان،
تلفظ ائندنده شهیدی آغیزدان،
سوزوب دوداقلاردان یالانسین شعرین.

معنا لار ایچینده اؤز یئرین تاپسین،
آغیزدان چیخاندا قولقلار قاپسین،
آغیلار دویورسون، آنلاقلار یاپسین،
کؤنولدن کؤنوله جالانسین شعرین.

گؤزلر آغزیندا چئوریلسین نازا،
اریسین نغسه، یاتسین بوغازا،
سوزسون موسیقییه، یوغرولسون سازا،
پرده دن پرده یه دارانسین شعرین.

ایتمیش سئوگیلیدن مکتوب قالان تک،
دویوندن دویونه گزسین اینام تک،
سینیقچی سینیغا ساققیز سالان تک،
سؤیکنیب جانلارا سووانسین شعرین.

شعر گرک بؤیویوب کامالا چاتسین،
مئی تک کئفلندیریب، مزه تک توتسون،
یورغان - دؤشک سالیب اورکده یاتسین
تاریخین اوزونه دیرمانسین شعرین.

انتصار شعرینله آخار لان بئله،
باغلان بو پرده یه، کؤکلن بوتئله،
چاتاق قارا باغدا یوکلنک زیله،
قورقود اوچاغینا قالانسین شعرین.

شاگیردلر گؤرموشم اوستادا اوستاد،
دانشگاه قورتارمیش گؤردوم بئساواد،
کیشیلر گؤرموشم باشیندا چارقات،
آرواد وار باشیندا پاپاق گؤرموشم.

بالا وارکی وار ده ده یه یوخ دئییب،
ده ده وارکی اون بیر اوغول ساخلایب،
باخار گؤز گؤرموشم یاتییب، یوخلایب،
یومولموش گؤز وارکی اویاق گؤرموشم.

آدام وار دانیشماز، دنیا جان بیلر،
آدام وار بیلمه میش هر سؤزو دئیر،
آدام وار آیاغی باشدان چوخ بیلر،
آدام وار کله سین آیاق گؤرموشم.

آدام وار دوواردا کؤندلن یئریر،
آدام وار دوز یئرده یئریمگه اولور،
قیچی یوخ گؤرموشم طیارا سورور،
ال آیقلی وارکی چولاق گؤرموشم.

آدام وار صاف سؤز وچئینه ییب یئیر،
آدام وار مطلبین گؤز وایله دئیر،
پلنگ وار تولکونون آرتیغین یئیر،
پیشیک وار شئرایله آیاق گؤرموشم.

گؤرمه دیم یوخسولا چیراق یاناندا،
مرد دؤولتلی اولار ائشید، اینانما،
وئرانا دنیا دا هر بیر زماندا،
مرد ایگید قیچیندا باداق * گؤرموشم.

رسم دیر روزگار وئردیگین آلا،
بو چرخ فلگه ائتمه اعتبار،
دوینا دان تمنا ائتمه انتصار،
دوینانی باشا باش بویاق * گؤرموشم .



چون آندرانیک اوزانیان و درو به وقوع پیوست. این سلسله کشتارها و نسل‌کشی‌ها پیوسته و در ارتباط با یکدیگر بودند و هدف آن‌ها، پاکسازی قومی ترکان مسلمان آذربایجان در این سرزمین‌ها و ایجاد یک دولت مسیحی بود.

همان‌طور که می‌دانیم، این جنایات تنها به شمال آذربایجان محدود نبود. در جنوب آذربایجان نیز، هم‌زمان با این رویدادها، منطقه ارومیه و سلماس با موجی از جنایات و کشتارها روبه‌رو شد که در حافظه

جمعی مردم با عنوان «جیلولوق» نقش بسته است. اسناد تاریخی از ارتباط و تأثیرگذاری متقابل این رخدادها در دو سوی ارس می‌گویند. از جمله مکاتبات و تلگرام‌هایی که نشان‌دهنده تماس و ارتباط میان فرماندهان و عاملان این جنایات در مناطق مختلف است.

برای درک بهتر ارتباط این حوادث باید یادآور شد که شائومیان در تلگرام خود خطاب به آندرانیک، او را به پاس کشتارها و خونریزی‌هایش «قهرمان ملی» می‌نامد. همین آندرانیک پس از

کشتارهای انجام‌شده در زنگه‌زور، نخجوان و قره‌باغ، از رود ارس عبور کرد و به سوی خوی حرکت نمود تا به قوای جیلو و ارمنی مستقر در ارومیه و سلماس - که نسل‌کشی معروف به «جیلولوق» را رقم زده بودند - ملحق شود. این امر نشان‌دهنده پیوستگی جغرافیایی و عملیاتی این جنایات است.

در آن روزگار، جعفر جبارلی - نویسنده، شاعر و درام‌نویس شهیر آذربایجانی - که در آن هنگام ۱۹ سال بیشتر نداشت، مرثیه‌ای در سوگ شهدای مظلوم مارس سرود که به سرعت در میان مردم رواج یافت و بسیار مشهور شد. این مرثیه در مراسم ختم شهیدان، در مساجد، کوچه و بازار، و توسط درویش، مداحان و مردم عادی خوانده می‌شد و به یکی از صداهای جمعی آن دوره بدل گشت:

در لمة لَر DƏRLƏMƏLƏR

صد و هشتمین سالروز نسل‌کشی

۳۱ مارس ۱۹۱۸



میلاد تیموری (تیمور)

۳۱ مارس ۱۹۱۸ در حافظه تاریخی ترکان آذربایجان به عنوان روزی تلخ و سرنوشت‌ساز ثبت شده است. ۳۱ مارس سالروز نسل‌کشی ۱۹۱۸ ترکان آذربایجانی در باکو و دیگر شهرهای آذربایجان قفقاز است؛ روزی که در شهر باکو و دیگر شهرهای آذربایجان کشتار گسترده و سیستماتیک آذربایجانیان به دست نیروهای داشناک و بلشویک رخ داد. معمار اصلی این کشتار، استپان شائومیان، از رهبران ارمنی تبار بلشویک، بود. ابعاد این جنایت محدود به ولایت باکو نبود. در همان روزها و در چارچوب همان سیاست‌ها، در اراضی قره‌باغ، زنگه‌زور، نخجوان و ایروان نیز کشتارهای مشابهی تحت فرماندهی ژنرال‌های جنایتکار ارمنی

کربلای سرشاخان

مؤلف: دکتر حسن هراتی

شب ۱۹ مرداد ماه؛ ۶۵ فرزند سولدوز به سمت کوهستان سرشاخان حرکت کردند. شب هنگام بود و هیچ اجباری برای جنگ در میدان با یزیدیان وجود نداشت. آنها همانند خیلی‌ها می‌توانستند میدان نبرد را ترک کنند ولی شب تا صبح را به امید نوشیدن شربت شهادت سر کردند.

در میان مردان سولدوز، شهیدانی مثل شیرزاد، آقاعلی‌نژاد، قهرمان تقی زاده، رضا فرخ نژاد و رضا افندالله حضور داشتند. همچنین بودند تازه دامادهایی مثل شهید ارشد پورایرانی که جنگیدن با کفار را به استراحت در کنار خانواده ترجیح دادند.

شهید عارفی همچون فرامرز پالهننگ و دیگر شهیدان از جمله عبدی، ریواز، پیروتی، سلطانیان، خدادادی، جعفری و نوروزی و حقوردی بابایی با مرام که هر کدام نمونه دوران خود بودند.

در کربلای سرشاخان جمعیت ۵۰ نفری سپاهیان سولدوز در مقابل لشکر ۳۰۰ نفری یزیدیان صف آرایی کردند تا ثابت کنند بیرق حسین (ع) همچنان برافراشته و فرهنگ شهید و شهادت با مردمان دلیر سولدوز عجین شده است.

اینچنین شد که فرزندان سولدوز شب تا صبح را در ارتفاعات سرشاخان طی طریق کردند و لحظه به لحظه به زمان شهادت خود نزدیک شدند.

در صبح روز ۲۰ مرداد ۶۵ فرزندان سولدوز با گروهک تروریستی دمکرات در یک نبرد نابرابر مبارزه کردند و جنگ تا ظهر همان روز ادامه پیدا میکند.

این پیروان حسین (ع) همانند شهدای کربلا، خسته و تشنه در گرمای سوزان دشت سرشاخان به مبارزه پرداختند و یک لحظه سستی و پشیمانی در انجام عملیات به دل راه ندادند و همانند سرور و سالارشان حسین (ع) با شجاعت تمام به شهادت رسیدند.

«گولزارِ وطن سولدو،
ملت خوارزار اولدو،
هامی پایمال اولدو،
دور، ای خوار اولان ملت.»

بیر یاندا عدو جلا،
بیر یان ناله و فریاد،
اول بو ظلمدن آزاد،
دور، خوار اولان ملت.

ال چک بو حقارتدن،
قورتار بو اسارتدن،
خوار اول بو خجالتدن،
دور، ای خوار اولان ملت.»

مرثیه فوق بازتاب اندوه جمعی ما آذربایجانیان است و در کنار اسناد تاریخی، قسمتی مهم از روایت جمعی مردم ما نسبت به فجایع سال ۱۹۱۸ را شکل می‌دهد. شعر مذکور دارای مضامین عمیق اجتماعی است. جعفر جبارلی در این شعر ما را به مبارزه، دفاع از شرف و حیثیت ملی و نپذیرفت ذلت و خواری فرامی‌خواند. بارها گفته‌ایم که ثبت و یادآوری این فجایع و انتقال آن به نسل‌های آینده امری واجب و حیاتی است، چرا که نداشتن حافظه تاریخی (حافظه جمعی) و فراموش کردن فجایع و مصائب ملی، به معنای استمرار احتمال تکرار آن‌ها است. ملتی که حافظه تاریخی خود را از دست دهد، ناچار است بار دیگر تلخی‌ها و فجایع گذشته را تجربه کند. بنابراین، ثبت این رخدادها و یادآوری منظم آن‌ها، وظیفه ملی و انسانی ماست - تا هرگز فراموش نکنیم و از تکرار آنها جلوگیری کنیم.

@onlinekitabci

خدا می داند در آن سالهایی که فرامرزی فرماندار بود بر مردم نقده چه قدر سخت گذشت.

وقتی شرکت غیر بومی که در تونل بگیم قلعه برنده پروژه شده بود بیش از هزار کارگر عادی و فنی غیر بومی را به نقده آورد، بحران اجاره و رهن مسکن در نقده حباب وار افزایش یافت. من که با پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار تومن به طبقه اول داده بودم، من را بیرون کردند و با رهن سی پنج میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومن به کارگران شرکت دادند...

من همین قضیه را به فرماندار فرامرزی گفتم که این بحران اجاره مسکن را مدیریت کنید. مگر در نقده کارگر عادی وجود ندارد؟

جوابشان جالب بود، بالاخره مردم روی بخش مسکن سرمایه‌گذاری کرده‌اند و باید سود کنند؟

گفتم، جناب فرماندار، نرخ اجاره نقده از همه شهرهای اطراف زیاد شد ولی در آمد مردم همان است!!

در دوره بعدی که عبدالکریم دوباره برنده شد به خاطره برخی شائبه‌ها مردم جلو فرمانداری برای اعتراض حاضر شدند به امر فرماندار نزدیک چهار روز انترنت قطع شد.

باز رنگ زدم و اعتراض کردم. گفتم جناب فرامرزی زندگی من و بسیاری از همشهری‌ها به انترنت وابسته است.

گفتند: مقامات امنیتی این کار را کردند. گفتم تلفن آن مقام امنیتی را بدهید!

گفتم، تا نیم ساعت انترنت وصل شد که هیچ، نشد صدها نفر را جلو فرمانداری جمع خواهم کرد...

خدا را شکر هشدار بنده کارساز شد و انترنت وصل شد...

همه این مشکلات از صدقه سر جناب عبدالکریم و حلقه حامیان وی بود...

فرزندان سولدوز بعد از شهادت در قربانگاه سرشاخان در روز ۲۱ مرداد ۶۵ همانند گل‌های واژگون بر روی زمین خوابیدند تا در روز عید قربان سال ۶۵ و در گرمای سوزان ۲۲ مرداد بدون کوچک‌ترین تشریفات و گروه موزیک به خاک سپرده شوند.

پس از شهادت عزیزترین و شجاعت‌ترین یاران سولدوز غنایم جنگی را دشمنان در دست گرفته و در روستای کنار سرشاخان و در کوچه و باغ‌های روستا هل هله کنان به شادی پرداختند و چه آشناست این صحنه شادی قاتلان فرزندان سولدوز با کار یزدیان روز عاشورا که در کوفه به هل هله و شادی پرداختند.

بدرستی تاریخ تکرار شد تا سره از ناسره مشخص شود، چه زیبا تداعی می شود در ذهن هر خواننده مطلب. کُلُّ یَوْمٍ عاشورا و کُلُّ أَرْضٍ کَرْبَلا. آیا ارزش این همه رشادت فرزندان سولدوز پاسخ داده شد؟!

نزدیک دویست سال است که ترکهای سولدوز نقش اساسی در برقراری امنیت اشنویه، پیرانشهر، سردشت و سایر شهرها داشته‌اند ولی مسولین مرکز نشین به دیده فرزند ناتنی به ما نگاه کرده‌اند...

وقتی عبدالکریم به سفارش حامیان خود فرامرزی نامی را فرماندار نقده کرد بزرگترین ظلم به اهالی نقده شد.

با یکی از دوستان سابق به دیدار و تبریک‌گویی فرماندار رفتیم.

بنده خواستم یادآوری مختصری درباره وضعیت شهدا، جانبازان و آزادگان و زحمات بی منت این عزیزان توضیح بدهم. همینکه گفتم ما هفتصد شهید دادیم، جناب فرامرزی بر آشفت و گفت ما اهالی شاهین دژ از شما بیشتر شهید و جانباز دادیم، این همه ادعا نداریم بس کنید...

فهمیدم که باند عبدالکریم وقایع را تحریف کرده و تصویری منفی از دلسوزان واقعی شهر به جناب فرامرزی داده اند و یا با شرایط تحمیلی خودشان ایشان را فرماندار کرده‌اند...



درخواست ورودشان به کشور، یا تلاش اسرائیل برای بازگشایی مسیرهای عملیاتی این گروه‌ها، قرار دهیم؛ مسائلی که همگی در یک راستا قابل تحلیل هستند.

بر اساس اسناد بریتانیایی که چند سال پیش از طبقه‌بندی محرمانه خارج شد، در جریان حمله ارتش به مقر اسماعیل سیمیتقو در اشنویه، فردی غیرمنتظره بازداشت شد: لورنس عربستان؛ جاسوسی که با تحریک شیوخ عرب، نقش مهمی در فروپاشی امپراتوری عثمانی ایفا کرده بود. گفته می‌شود او در آن زمان مشغول آموزش سیمیتقو برای پیشبرد اهداف بریتانیا در ایران بوده است.

عبدالله اوجالان نیز در یکی از آثار خود صراحتاً بیان می‌کند که آنچه برای آنان اهمیت دارد، دستیابی به اهدافشان است و در این مسیر، با هر کشوری، چه شرق و چه غرب، و با هر ابزاری که مصلحت بدانند، همکاری خواهند کرد.

با این حال، تاریخ نشان داده است که این گروه‌ها و رهبرانشان، پس از پایان کارکردشان، به‌سادگی کنار گذاشته می‌شوند. هنگامی که سیمیتقو در میان کوه‌ها مثل گراز شکار شد، هیچ کشوری حتی بریتانیا که زمانی برنامه‌های گسترده‌ای برای او داشت، واکنشی نشان نداد.

اوجالان در تفاهم همکاری به ترکیه فروخته شد و سال‌هاست در زندان ترکیه به‌سر می‌برد و حتی پس از اعلام انحلال پ‌ک‌ک نیز واکنش قابل توجهی از سوی قدرت‌ها دیده نشد.

همچنین سرنوشت تلخ زنان و مردان گُردی که با شعار و ابزار فریب «آزادی» در کشورهای مختلفی

بحران مسکن و قطعی اینترنت تر و خشک، کرد و ترک را یکجا سوزاند...

وقتی تعصب عشایری جای عقلانیت شهری را بگیرد مشکلات چند برابر می‌شود. قوانین زندگی عشایری را نمی‌توان در شهر اجرا کرد، و قوانین شهر را هم نمی‌توان در زندگی عشایری و روستایی تطبیق نمود...

امیدوارم، از اصطلاحات عشایری، شهری و روستایی سو برداشت نشود... قصد توهین به هیچ‌کس ندارم... در جلسه احیا دریاچه اورمیه نیز جناب عبدالکریم مواردی را مطرح نمود که موجب عصبانیت خبرنگار با سابقه صدا و سیما مرحوم فریورنیا شد و با جسارت بلند شد و عدم رای دادن جناب عبدالکریم به طرح دو فوریتی احیای دریاچه را نقد کرد...

ما هیچ عملکرد مثبت و منفی را فراموش نمی‌کنیم. ولی سیاستی که باند حامی جناب عبدالکریم بر او و شهر تحمیل کردند نشان داد که آنها هنوز در سطح کلان شهری نیستند.

امیدوارم این بار فردی را به مجلس بفرستیم که فراتر از سطح شهرستان و استان بتواند ظاهر شده و مطالبات معوقه اهالی غیور منطقه سولدوز را از دولتمردان و حاکمیت بستاند.

از سیمیتقو تا کومه؛ تروریست‌هایی با

تاریخ مصرف معین!

یادداشت جارچی

یکی از مقامات نظامی کشورمان، دیروز در صدا و سیما اعلام کرد که در پی اصابت موشک‌های ایرانی به مقر گروه‌های تروریستی در اربیل، در میان کشته‌شدگان شهروند آلمانی نیز حضور داشته است؛ افرادی که گفته می‌شود در حال آموزش تاکتیکی این گروه‌ها برای ورود به خاک ایران بوده‌اند. این موضوع زمانی معنادارتر می‌شود که آن را در کنار اخباری مانند تماس ترامپ با رهبران این گروه‌ها برای

همچنین تأکید کرده که مردم ایران خصومتی با ملت‌های دیگر، از جمله مردم آمریکا، ندارند و میان دولت‌ها و ملت‌ها تمایز قائل می‌شوند.

رئیس‌جمهور ایران در بخش دیگری از این نامه، ریشه‌های بی‌اعتمادی میان دو کشور را به وقایعی مانند کودتای ۱۳۳۲، حمایت آمریکا از حکومت پهلوی، پشتیبانی از عراق در جنگ ایران و عراق و اعمال تحریم‌های گسترده نسبت داده است. او این اقدامات را از عوامل شکل‌گیری نگاه منفی در افکار عمومی ایران نسبت به سیاست‌های آمریکا دانسته است.

پزشکیان همچنین با اشاره به مذاکرات پیشین میان دو کشور، اعلام کرده که ایران به تعهدات خود پایبند بوده، اما تصمیم آمریکا برای خروج از توافق و حرکت به سوی تقابل، روند دیپلماسی را تضعیف کرده است. او حمله به زیرساخت‌های حیاتی ایران را دارای پیامدهای گسترده انسانی و منطقه‌ای دانسته و آن را «نقض اصول بین‌المللی» توصیف کرده است.

در این نامه همچنین از نقش اسرائیل در شکل‌گیری تنش‌ها انتقاد شده و این پرسش مطرح شده که آیا ایالات متحده در این درگیری‌ها در راستای منافع خود عمل می‌کند یا تحت تأثیر سیاست‌های دیگران قرار دارد.

پزشکیان در پایان با دعوت از مردم آمریکا برای «نگاه فراتر از روایت‌های رسمی»، تأکید کرده است که جهان در نقطه‌ای حساس میان تقابل و تعامل قرار دارد و انتخاب مسیر آینده، تأثیرات بلندمدتی بر ثبات جهانی خواهد داشت.



چون سوریه، عراق، ترکیه و ایران کشته می‌شوند، هیچ کشوری واکنشی نشان نمی‌دهد.

واقعیت آن است که یک نیروی تروریستی، تا زمانی برای قدرت‌ها اهمیت دارد که بتواند ناامنی ایجاد کند یا به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف قدرتها عمل نماید، پس از آن، به‌سادگی از چرخه خارج می‌شود. پژاک، دموکرات کردستان، کومله و دیگر گروه‌های مشابه نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ آن‌ها تنها تا زمانی کاربرد دارند که بتوانند نقشی در این معادلات ایفا کنند. هنر یک تروریست «کشته شدن» است. ترامپ تماس گرفته تا آنان هنرمندانه گوشت دم توپ باشند نه سرباز آمریکایی.

@AharVarzeqan

دکتر پزشکیان در نامه‌ای به مردم آمریکا: ایران هرگز آغازگر جنگ نبوده است



رئیس‌جمهور ایران، در نامه‌ای خطاب به مردم ایالات متحده تأکید کرده است که ایران در تاریخ معاصر خود هرگز

آغازگر جنگ نبوده و همواره در موضع دفاعی عمل کرده است. او در این نامه که با هدف «بازنگری در روایت‌های رایج» درباره روابط تهران و واشنگتن منتشر شده، گفته است که تصویرسازی از ایران به‌عنوان یک تهدید، با واقعیت‌های تاریخی و شرایط کنونی همخوانی ندارد.

پزشکیان با اشاره به حضور گسترده نظامی آمریکا در اطراف ایران، این وضعیت را عامل اصلی بی‌ثباتی دانسته و اقدامات دفاعی جمهوری اسلامی را «واکنشی مشروع به تهدیدها» توصیف کرده است. او

نام خیابان‌ها و اماکن تبریز



تابلو: ستارخان / مردم: یکه دۆکان
 تابلو: قدس / مردم: قره آغاج
 تابلو: میدان کاه فروشان / مردم: سامان میدانی
 تابلو: حجتی / مردم: جامیشاوان
 تابلو: شهید زمانی / مردم: بازار فلک‌سی
 تابلو: فلکه شهریار / مردم: بؤی وک فلکه
 تابلو: عابرگذر شهریار / مردم: سنگفرش شانزلیزه!
 تابلو: بارون آواک / مردم: بارناوا
 تابلو: خیابان مصلی / مردم: والمان کوچ‌سی
 تابلو: فلکه روحانی / مردم: فلکه خیام
 تابلو: شهید چمران / مردم: آخماقیه
 تابلو: شهرک امام / مردم: خانه‌سازی
 تابلو: دمشقیه / مردم: گۆم ووش قیه
 تابلو: شهید مدرس / مردم: بهادری
 تابلو: فلسطین / مردم: ملل متحد
 تابلو: سرباز شهید / مردم: تازا خیوان
 تابلو: وحدت / مردم: ایسماعیل باقال
 تابلو: شهید باکری / ذهن: احمدآباد
 تابلو: شهید اصمعی / مردم: لوتی ایبراهیم
 تابلو: خیابان انقلاب / مردم: قیرخ متیر!
 تابلو: ثقه‌الاسلام شمالی / ذهن: منبئح
 تابلو: پاسداران / ذهن: حیدرآباد
 تابلو: مفتاح / مردم: شاه‌آباد
 تابلو: شهید رنجبر / مردم: حکم‌آباد
 تابلو: شهید مدنی / مردم: دارایی
 تابلو: شهید غلامی / مردم: تپلی باغ
 تابلو: نیروی هوایی / مردم: منجم
 تابلو: کوثر / مردم: حیدرآباد
 تابلو: کوچه دکتر نوایی / مردم: پاساژ محله‌سی
 تابلو: بهار شرقی / مردم: ورجی باشی
 تابلو: شهید حیدری / مردم: اره‌گر
 تابلو: دروازه تهران / مردم: شاطر علی دۆزؤ
 تابلو: دکتر قریب / مردم: کوی فیروز
 تابلو: ۱۲ فروردین / مردم: حسن رضی کۆچه‌سی
 تابلو: ۷ تیر / مردم: آبرسان خیوانی

تابلو: ائل‌گلی / مردم: شاه‌گۆلی
 تابلو: خیابان شریعتی / مردم: شهناز خیوانی
 تابلو: پل اتحاد ملی / مردم: پل کابلی
 تابلو: میدان جانبازان / مردم: فلکه دانشگاه
 تابلو: چهارراه بهشتی / مردم: منصور چهارراهی
 تابلو: محقق / مردم: سهرامین
 تابلو: میدان جهاد / مردم: نصف‌راه
 تابلو: میدان منتظری / مردم: مارالان میدانی
 تابلو: حکیم نظامی / مردم: آخر شهناز
 تابلو: بلوار آزادی / مردم: کمربندی
 تابلو: بلوار نیایش / مردم: کمربند میانی
 تابلو: فارابی / مردم: چایکنار
 تابلو: میدان نماز / مردم: راسته کۆچه آغزی
 تابلو: خیابان شهید مطهری / مردم: راسته کۆچه
 خیوانی
 تابلو: خیابان جمهوری اسلامی / مردم: بازار آغزی
 تابلو: میدان شهدا / مردم: بانک ملی
 تابلو: میدان فجر / مردم: قونقا باشی
 تابلو: میدان قطب / مردم: قورد میدانی
 تابلو: کوی شهید جدیری / مردم: حلمه سازنده
 دربندی
 تابلو: شهید باکری / مردم: شاه‌گۆلی یولو
 تابلو: شتربان (مدتی هم شمس تبریزی) / مردم:
 دوه‌چی

دقیقاً از همین زاویه واکاوی شود. اگرچه بسیاری این روز را به عنوان یک جشن باستانی متعلق به کل جغرافیای ایران می‌پذیرند، اما واقعیت‌های علمی، شرایط اقلیمی و حافظه جمعی نسل‌های گذشته، حقیقت دیگری را آشکار می‌سازد.

این مسئله را می‌توان بر اساس سه عامل اساسی علمی و تاریخی بررسی کرد:

۱. تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی؛ ناممکن بودن تقویم کشاورزی واحد نخستین و مهم‌ترین مسئله، تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی است. در جغرافیای پهناوری مانند ایران که دارای تنوع اقلیمی بسیار بالایی است، اعمال یک «تقویم کشاورزی» واحد و جشن گرفتن بیداری طبیعت در یک روز خاص در سراسر کشور، با منطق جغرافیایی همخوانی ندارد.

در حالی که در مناطق جنوبی مانند خوزستان، هرمزگان یا بوشهر، بهار و فصل کشاورزی از اواسط زمستان آغاز می‌شود، در مناطق کوهستانی آذربایجان و کردستان در اواسط فروردین‌ماه هنوز برف روی زمین است و طبیعت به طور کامل بیدار نشده است. بنابراین، پیوند زدن تمام این جغرافیا و تعیین دقیق ۱۳ فروردین به عنوان «آغاز سال زراعی»، رویکردی ارگانیک نبوده و با شرایط طبیعی مناطق مختلف همخوانی ندارد.

۲. فرآیند «ملت‌سازی» و فرهنگ‌سازی از بالا به پایین

دومین عامل اساسی، فرآیند «ملت‌سازی» در صد سال اخیر و نقش رسانه‌های ارتباط جمعی است. در دوران شکل‌گیری دولت مدرن (به‌ویژه از دوره پهلوی به بعد)، با هدف ایجاد ساختار «دولت-ملت» بر پایه ایده «یک ملت، یک زبان، یک فرهنگ»، برخی آیین‌های مرکز به کل کشور تعمیم داده شد.

در این فرآیند، از طریق نهادهایی چون مدارس، کتاب‌های درسی، رادیو و بعدها تلویزیون، سنت‌های

تابلو: تقاطع آزادی / مردم: چهارراه آبرسان
تابلو: خیابان ابوذر / مردم: داش ساختمان
تابلو: شهید علیپور / مردم: بالا حمام
تابلو: ملا علی‌اکبر / مردم: زیغلار
تابلو: کجاباد / مردم: ک‌جوار
تابلو: مهران رود / مردم: میدان چایی
تابلو: تلخه‌رود / مردم: آجی چای
تابلو: کوی المهدی / مردم: خان دربندی
تابلو: چهارراه جدیری / مردم: لیان شامپو چهارراهی
تابلو: چهارراه سرچشمه / مردم: ک‌وره باشی
تابلو: میدان سجادیه / مردم: سد اوستی
تابلو: شهید آشتاب / مردم: حاج رجب کوچه‌سی
تابلو: میدان فدک / مردم: نو اوستی
تابلو: عطار نیشابوری / مردم: قازان داغی
تابلو: شهیدرجائی / مردم: یوسف‌آباد

«سیزده‌بدر»؛ سنتی باستانی یا

محصول دولت‌سازی مدرن؟

محمد شکری



در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مدرن، آیین‌ها و جشن‌های اجتماعی تنها به عنوان میراثی به‌جامانده از تاریخ دیده نمی‌شوند، بلکه به عنوان ابزار و محصول فرآیندهای دوران مدرن نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مراسم ۱۳ فروردین (سیزده‌بدر) که امروزه در گستره وسیعی از ایران برگزار می‌شود نیز باید

«جشن ملی» و نهادینه شدن رسم بیرون رفتن همگانی در این روز، بیش از آنکه یک میراث معنوی و ارگانیک از دوران باستان باشد، نتیجه یک فرهنگ‌سازی مدرن است که توسط سیاست‌های مرکزگرایانه حکومت‌ها و بازتولید رسانه‌ای (رادیو و تلویزیون) در ۷۰-۸۰ سال اخیر خلق و تثبیت شده است. @qarachukha

سیزده به در

یوخسا

سیزده بئدار؟

بهرام اسدی



یازین گلیشی طبیعتین قیش یوخوسوندان اویانماسی ایله بیرگه‌دیر. بو اویانیسی گۆرمک لازم‌دیر بو اویانیسی منیمسه‌مک گرکیر. طبیعتین اویوماسی ایله بیرلیکده اکیچی انسانلارین دا چالیشمالاری ان دوشوک دوروما گلیر.

یاز بایرامی، طبیعتی و اونونلا بیرلیکده طبیعتده چالیشان انسانلاری اویادیر. اوچ آی بلکه ده آرتیق قیش دینجلمه‌سینده اولان انسانلار یازین اویانماسین گۆزلی ایله گۆرمه‌لی، روحلاری ایله دویمالی اولورلار. طبیعتده چیخیرلار. طبیعتین اویانیشین گۆزلی ایله گۆرورلر، روحلاری ایله تجربه ائدیرلر. هله اویانمامیشلارا دا اوز توتوب: سیزده اویانین سیزده بئدار اولون دئییرلر.

بخش خاصی از کشور به شکل «از بالا به پایین» ترویج یافت. هدف اصلی این سیاست‌ها، ایجاد یک «اشتراک مصنوعی» در میان گروه‌های اتنیکی و فرهنگی مختلفی بود که در اقلیم‌ها و بسترهای تاریخی متفاوتی زندگی می‌کردند.

۳. به حاشیه رانده شدن فرهنگ‌های بومی و پاک شدن حافظه‌ها

وقتی از نسل‌های قدیمی‌تر در مناطقی مانند آذربایجان پرس‌وجو می‌کنیم، در حافظه آن‌ها هیچ خاطره ارگانیک و ریشه‌داری مبنی بر «نحس بودن سیزده‌بدر» یا رسم بیرون رفتن از خانه در این روز یافت نمی‌شود؛ چراکه این مراسم اساساً بخشی از فرهنگ بومی این مناطق نبود.

در گذشته، بیداری طبیعت، طلب باران و فرارسیدن بهار در آذربایجان نه در ۱۳ فروردین، بلکه با سنت‌های عمیق و تاریخی دیگری جشن گرفته می‌شد:

-آیین‌های چیلله (بؤوک چیلله، بالا چیلله)

-آیین‌های خضر نبی (خیدیر نبی بایرامی)

آیین‌های چهارشنبه‌های آخر سال (خبر، گول، کوله و آخر چهارشنبه یا سو، یئل، توپراق و اود چهارشنبه لری) که به صورت مرحله‌ای نماد بیداری طبیعت هستند.

-اشعار و آیین‌های سایچی (برای طلب برکت در دامداری و کشاورزی).

در آن دوران، هرچند نوروز جشن گرفته می‌شد، اما روز ۱۳ فروردین عموماً یک روز عادی محسوب می‌گردید و بار معنایی خاصی نداشت.

نتیجه‌گیری:

با استناد به واقعیت‌های جامعه‌شناختی و پژوهش‌های انسان‌شناسی، می‌توان گفت که ریشه‌های تاریخی «سیزده‌بدر» (مانند باورهای مربوط به تیشتر و فرشته باران) شاید برای مناطق مرکزی ایران و جوامع زرتشتی دارای اصالت بوده باشد. اما تحمیل و تعمیم این آیین به کل کشور و تمامی اقلیم‌ها به عنوان یک

توركلره گلدیکده توركلر اوغورسوزلوقلارين و فارس دئیمی ایله نحسلیکلرین چرشنه گونو اودون اوستوندن آتیلاراق «آغیرلیغیم اوغورلوعوم اودلارا» دئییب اؤزلرین آغیرلیقدان اوغورلوقدان قورتاریبلار. داعی یئنی ایله و طبیعتین دیریلمه سی زمانینا آغیرلیقدان-اوغورلوقدان بیر شئی قالماییب.

بونولا دا نه یاخشیدیر کی ایلمیزی اوغورسوز و نحس بیر رقمه باشلاماق یئرینه اونو اوپانیش، اوپانماق، و یوخودا اولانلاری بئدار ائتمکله باشلایاق.

طبیعت اوپانیب یاشیلا دؤنوب
سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب
بولبول چمنلرین اوستونه قونوب
سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب

طبیعتین روحو ایندی اؤزلدیر
سیز ده اوپانسانیز داها گؤزلدیر
باغلاردا اوخونان ماهنی غزلدیر
سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب

سیز ده چیخین چؤله بیزیلمه بیرگه
دوراق طبیعتده بیز جرگه جرگه
گؤزوموزله گؤرک دؤنوب دؤنرگه
سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب

یاشیل چمنلرین سئیرین ائپله یک
یاز گؤزلیگینه نغمه سؤیله یک
یاتان انسانلاری «سینماز» هئپله یک
سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب.

۱۴۰۴/۱۱۰

@UrmiaPlus



«بئدار اولماق» تورک دیلینده «یوخودان داشلانماق» آنلامیندادیر. یوخویا قالانلاری سیلکه له مک، سارسیتماق، دارتماق، چکیب اوپانماق لازمدیر. «سیز ده بئدار اولون سیز ده اوپانیب» دئمک لازمدیر و بئله لیکله «سیز ده بئدار» گونو و چؤل بایرامی قورولور و تشکیل تاپیر.

«سیز ده بئدار»! بیر تورک بایرامی، بیر تورک شنلیگی کیمی باخاق. طبیعتین اوپانماسین تجربه ائدک.

ایندی بو هاردان گلیب بایرامین اون اوچونجو گونونه دوشوب و اون اوچ آنلامیندا ایشلنپ ارشدیرمالی و آختمالی بیر قونودور. «اون اوچ» یونان اساطیرینده نحس و اوغورسوز رقم ساییلیر. یونانلیلار و حتی یونان عالیملری بئله اون اوچ رقمی یئرینه اون ایکیدن بیر چوخ یا دا اون دورددن بیر آز دئیهرمیشلر. همین اینانچ فارس دیلینده گیرمیش و تورک دوشونجه لری ایله قارشیلیقدان چؤل بایرامینین یئرینه و «سیز ده بئدار» یئرینه «سیزده به در» اولموش، دیلره دوشموش و تبلیغ ائدلمیشدیر. من بو مراسمین بو معنادا اولدوغون و ایلین اون اوچونجو گونونه دوشمه سین بیر چوخ تحریفلر کیمی پهلویلردن سونرا یاراندیغین دوشونورم. بیر چوخ فارس قاینقلارین، شاعرلرین دیوانلارین ارشدیردیم اونلاردا «سیزده به در» کیمی بیر شئی گؤرمه دیم. اینترنت فزاسیندا بو قونودا یازیلان بیر نئچه مطلب ده هاداران-پاداران و سایاقلاما کیمی بیر شئی گؤرسنیر. دئمک فارس تاریخینده بئله بیر شئی یوخدور و تاممیه قوراشدیرما و قوندارمادیر.

تدقیقاتلاریندا هئجا وزیننده یازیلان فارسجا اثرلر آراسیندا چاغداش ایلریمیزه گلیب چاتمیش بیر اثر کیمی بو مثنوی نین ده آدینا ایشاره ائتمیشدیر. یلیاس طهماسب "خداآفرین"^۱ ژورنالینین ۳-جو ساییندا نثر ائتدیردیگی "اوزان شعر کلاسیک" باشلیقلی مقاله سینده یازیر: "اوستاد شفیع کدکنی "شاهنامه سلجوق" آدلی بیر منظوم کیتابدان دانیشیر کی، هئجا وزیننده دیر"

مقاله نین یازاری فارس دیلینده اولان بو مثنوی نین ایلکین قاینای و موللیفی حاقیندا هئج بیر معلومات وئرلمه میشدیر.

قئید ائتمک لازیمدیر کی، بو مثنوی نین هانسی «لطفی» اولدوغو بو گونه دک معلوم دئییلدیر. یالنیز ایلک بؤلومو بیر نادر اوغوزنامه اولان بو محتشم مثنوی نین سون بئیتینده «لطفی» نین آدی گلیمیش دیر. او بئیت بئله دیر:

"نگه کن لطفی بر افلاک

آنانکه استخوان خموش (اند) در خاک"

مثنوینین شاعیری «لطفی» صراحتله بو اثرینی «بایزید» دؤورو یازدیغینا ایشاره ائدیر. او مثنوی نین «داستان اوغوزاغظم ملوک التترک» بؤلومونون ۴نجو بئیتینده یازیر:

"در سایه شهنشاہ کشورگشا

نامش «بایزید» هم شیر آدا

آن نخل غضنفر که از نسل اورخان

شد بختیار ز تیغش اهل عرفان

روزگار که بر وی با امن و امان

رونق شد به بازویش زمان

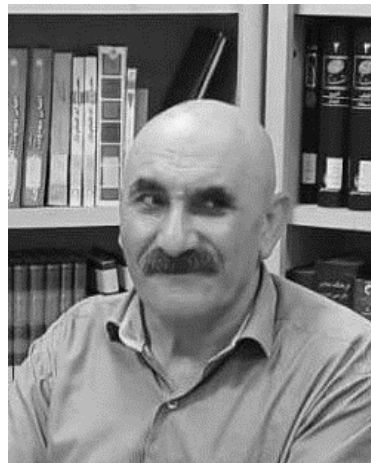
این سخنم که در سایه ی گلبن اوست

رفت دشمنان هر جا شد دوست"

اوغوزخان زامانیندا نوروز

بایرامی دبلی

صدیار وظیفه (ائل اوغلو)



(یعنی اوزه چیخاردیغیم بیر اوغوز منقبه لرینین داستان اوغوز اغظم ملوک التترک بؤلومونون اساسیندا)

۲۲ ایل بوندان ایره لی ایران مجلس کیتابخاناسینین یازمالار بؤلومونون ۹۲۱ هیجری-قمری تاریخینده «محمد سعید» آدلی خطاطین الی ایله یازیلیمیش بیر یازمانین فوتو صورتینی آلدیم. نستعلیق-ی تورکی شیوه سیله یازیلیمیش بو یازما بئله بیر باشلیقلا عنوانلانمیش دیر. «شاهنامه سلجوق از زبان لطفی» (سلجوق شاهنامه سی لطفی نین دیلیندن) یازیدان باشا دوشولور کی، بو اثر «لطفی» آدلی بیر شاعیرین اثریدیر. فارس دیلینده اولان بو نادر یازما، ایلک بئیتیندن سون بئیتینه ده ک هئجا وزنلرینده یازیلیمیشدیر. همین دؤورده (یازمانین نسخ اولوندوغو یوز ایلیکده) فارس شعیرینده هئجایی شعیرین سبک اولاراق شاعیرلر طرفیندن بیر ادبی شیوه کیمی یازدیغینا داییر قئید اولونان قاینای اله ائده بیلمه دیم. لاکین فارس دیلینده اولان شعیرلرین اولچولری اوزرینده تدقیقات آپاران تانیمیش شاعیر، عالیم پروفیسور دوکتور « شفیع کدکنی»

^۱ باخ www.khudafarin.ir؛ سال اول شماره ۳ / صفحه ۴۳

ژورنالی نین ٥٤-جو ساییندا « اوغوزلاردا نوروز بایرامی » باشلیقلی مقاله ده سایغیلی اوخوجولاریمایا بایراملیق اولاراق چاتدیرمیشام. ١٤٠١جی ایل سون تدقیق و شرح لریمله مثنوی نین فارسجا اولان متنی نی تهرانداندا نشر اولان دیرلی "خداآفرین" ژورنالی نین ١٨٩، ١٩١، ١٩٠-جی سایلاریندا آردیجیل نشر ائتدیردیم

مثنوی نین ایلك بؤلومو اوغوزخان دؤورونه و اونون قایدا-قانون لارینا، تاریخی حادثه لرینه، اوغلو «گون خان» ین پادشاه اولماسینا، اوغوزلارین تشککول تاپماسینا حصر اولونموش و او دؤورلردن قیمتلی معلومات لار وئرن دیرلی و تائیسیر بیر «اوغوزنامه» دیر. مثنوی نین ایکنجی بؤلومو سلجوق لارین ایلیکین دؤورلرده تشککول تاپماسینا و اوچونجو بؤلوم ایسه روم سلجوقلارینا عاید دیر. بو بؤلوملرده تاریخی حادثه لر دوزگون وئریلمیش دیر. اوغوز خانین آنادان اولدوغو ایلدن تا روم سلجوق لاری نین سوقوتا اوغرا دیق لاری ایلر شرح لری له وئریلمیش دیر.

مثنوی نی هئجا وزیننده یازان شخصین تورک اولدوغو ایلك بئیت لردن معلوم اولور. اما «لطفی» اونو تکجه فارس دیلینده می یازمیش، یوخسا تورک دیلینده ده یازمیش دیر؟ بو معلوم دئییل. بئله بیر سورغو ایله قارشیلان شیریق کی، لطفی بو اثرین مؤلفی دیر، یوخسا موترجمی؟ بونو دا بیلیمیریک، آنجا بیر یئرده اثرین مؤلیفی اولدوغونو وورغولایاراق یازیر:

"در سایه شهنشاہ کشورگشا

نامش «بایزید» هم شیر آدا

آن نخل غضنفر که از نسل اورخان

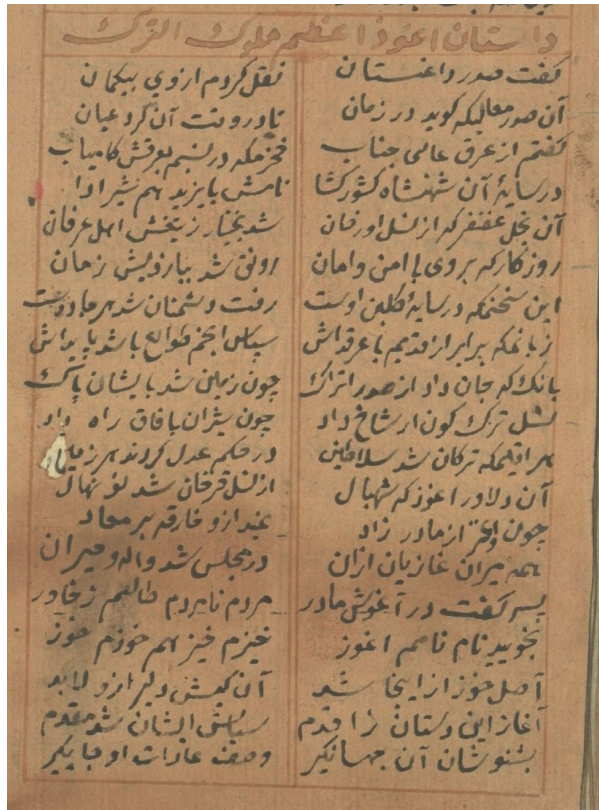
شد بختیار ز تیغش اهل عرفان

روزگار که بر وی با امن و امان

رونق شد به بازویش زمان

این سختم که در سایه ی گلبن اوست

رفت دشمنان هرجا شد دوست"



عثمانلی دؤورونده ، ایکنجی بایزید دؤورونده یازیب یارادان مشهور بیر "لطفی" ایله قارشیلان شیریق / او «فاتح سلطان محمد» ین درباریندا سلطانین کتابخاناسینین مسئولو و مصاحیب لریندن ایمیش ، بئله کی، «فاتح سلطان محمد» له ادیبانه مزاح لار دا ائدرمیش. اونون حاقیندا بیر چوخ تاریخی قاینالاردا و تذکره لرده معلومات الده ائتمک مومکوندور. ائله جهده بو مثنوی ده مدح ائتدیگی همن سلطان «بایزید» ین امری ایله اعدام اولونان "لطفی" نین حاقیندا تورکیه لی عالییم دوکتور "مصطفی جئیلان" ین مکمل مقاله سینا بیرلیکده اوخوماقلا، چوخ قدیم دؤورلرده شعر اؤلچوسو اولان هیجا وزیننده یازیلیمیش بو محتشم اثرین شاعری باره ده اؤنملی تاریخی فاکتورلار اؤیره نیریک.

پروفیسور دوکتور مصطفی جئیلان «اؤلدورولن شاعیرلر» باشلیقلی تدقیقی مقاله سینده یازیر: بو مثنوی حاقیندا ایلك معلوماتی ١٣٨٧-جو ایله تهرانداندا آنادیلیمیزده نشر اولان خداآفرین ٢

چون اغوز از مادر زاد
 نمید از او فارقه بر معاد
 همه میران،غازیان از آن
 در مجلس شد واله و حیران
 پسر گفت در آغوش مادر
 مردم نا مردم طالعم ز خاور
 نجوئید نام، نامم اغوز(اغوز)
 خیزم خیز هم خوزم خوز
 اصل خوز از اینجا شد.

آن کیش دلیر لابد

مؤلف بورادا تاریخی حقیقته ایشاره
 ائدهرک "خوز" لارین آدینی چکیر و "اغوز" لاریندا
 "خوز" لارلا بیر کؤکدن اولماسینی وورغولاییر(آد)
 تاپمایین، آدیم اغوز، خیزم ده خیز، خوزم ده خوز).
 یئرلی دیر کی، بو میصرع ایله باغلی مرهوم تاریخچیمیز
 دوکتور "محمد تقی زهتابی" نین بیر قئیدینه دقت
 ائدک. او یازیر:

"...خوز(خوزی): ایرانین جنوب غربینده و عراقین
 شمال شرقینده یاشایان تورک دیلی بیر ناحیه ده
 یاشایان خالقین دیلینه "خوزی" دیلی دئمیشلر.
 مشهور تاریخچی دوکتور محمد تقی زهتابی یازیر:
 "ایلام" حکومتی نین آرادان گئتمه سیله او خالقین
 دیلی آرادان گئتمه دی. قالیب یاشادی و ایسلام دؤورو
 تاریخچیلری طرفیندن "خوزی" دیلی آدلاندی. بو
 دلیل ایندی هم خوزیستانین شوش اطرافی و عراقین
 شوش شهرینه یاخین یئرلری او جمله دن، منده لی
 شهرینده، "لرستان" نین "سونقور" شهری و اونون
 گئیش اطراف کندیستانلاریندا و شاید باشقا
 یئرلرینده قالیبر، خالقین آدی دیلی و اونسیت
 واسطه سی دیر. اؤزو ده، چاغداش آذری
 تورکجه سی نین بیر لهجه سی دیر.^۳"

۳. ایران تورکلری نین اسکی تاریخی، بیرینجی
 جیلد، دوکتور محمد تقی زهتابی، نشر، اختر، تبریز

اونون بو بئیتلریندن بو نتیجه یه چاتیریق کی او بو
 بئیتلری اؤلکه لر فتح ائدن پادشاه «بایزید» زامانی
 یازمیش و اونون سویداشی اولدوغونادا فخر ائتمیش
 دیر.

الیازما "اغوزنامه" لر سیلسیله سیندن ان ماراقلی
 اثر دیر

« داستان اغوذ اعظم ملوک الترتک » بؤلومونده
 اوخویوروق :

نامش بایزید هم شیر آدا

در سایه شهنشاہ کشورگشا

گوژوندوگو کیمی، مؤلیف آدی بایزید اولان بیر
 پادشاه دؤورو بو اثر یازمیش و گلهجه یه میراث
 قویوموشدور. عثمانلی تاریخینده بؤیوک علم آدام لاری
 سیراسیندا تانینان و رقیبلرینین طرفیندن ایرتداد
 جورمو ایله ایتها ملاناراق اعدام ائدلمیش «فتح الله
 لطفی» دن باشقاسی نظره گلیمیر. منجه مثنوی نین
 مؤلیفی اصلی- کؤکو «توکات» ائلیندن اولان «فتح
 الله لطفی» اولمالی دیر. فاتح سلطان محمدین
 کیتابخاناسی نین مسئولو «فتح الله لطفی» چوخ
 ساوادلی بیر عالیم ایمیش. او هم فاتح سلطان
 محمدین، هم ده اوندان سونرا تاختا چیخان بؤیوک
 اوغلو ایکینجی بایزیدین کیتابخاناسی نین مسئولو
 اولموش و او بیر سیرا پاخیلار طرفیندن کافرلیک
 ایتیهامی ایله ایکینجی بایزید زامانی اعدام
 اولموموشدور. فارس دیلینده، هئجا وزنیله یازیلان بو
 مثنوی آدی اعدام اولونان «فتح الله لطفی» نین قئیده
 آلینان باشقا اثرلری نین سیراسیندا یازلمامیش دیرسا،
 من اونون یاریمچیق قالان اثرلرین دن بیری کیمی
 حساب ائدیرم.

بومثنوینین "اغوزنامه" بؤلومونده باشقا واریانتلاردان
 علاوه بیر نئچه تاریخی حادثه یه و تاریخی سنده ده
 ایشاره لر اولوب کی بورادا قئید ائتمک ایستردیم:

۱ - "خوز" (خوزی دیلی)

مؤلف اغوزون دلیل آچما صحنه سینده عایید اولان
 بؤلومونده یازیر:

۲- نووروز بایرامی

بیر سیرا خالقلارین ایده اللارینا جاواب اولاراق، بو مثنوی ده «نووروز بایرامی» نین «اوغوزخان» طرفیندن ده ب اولاراق باشلانماسی آچیق آشکار یازلیبدیر. مؤلف یازیر:

نهاد روز عید هر سال دو روز

گفتند عید جسارت، هم نیز نوروز

در عید نوروز شاعران پر کمال

بگفتند منقبة جسارت با خوش مقال

نووروز بایرامیندا اوستاد شاعرلر خوش سؤزلره قهرمانلیق داستانی دئدیله یازدیقدا گؤرونور کی، نووروز بایرامیندا تورکلر آراسیندا هله ده ب دن دوشمه یین شعیرلر اوخویوب، داستانلار سؤیله ییب، یاریشلار کئچیریب، ایگیدلیک و جسارتلر گؤستریب، میلی روحون داهادا شادلیق و اوغورلارین دیرچلمه سینه سبب اولان مراسملر ائله اوغوزخان زامانیندان قالمیش دیر. بو ده بلرین و عادت عنعنه لرین اوغوز دؤوروندن قالماسینی فاکتیک اولاراق مثنویسینده وورغولایان "لطفی" اوخودوغو قاینالاری دا، بیزه تانیتدیرماق ایستیمیشدیر. او، اوغوزخان زامانی ده ب اولان ائل عادت- عنعنه لرینی بیزه ایضاح ائدیسه سؤزونون قایناغینیدا گؤستیر و "قاتمر" آدلی منبع دن نقل ائتدیگینی بیلدیریر. عصری نین بؤیوک علم آداملاریندان اولان "لطفی" دانیشدیگی سؤزلرینین قایناغی باره ده یازیر.

۳- قاتمر (کیتاب)

چون نوشته این در قاتمر هونگار

این کتابیست که از ایرقیل یادگار

قاتمر در ترکی به معنای کتاب

هونگار ز نسل اوغوز شهرت یاب

در اینجا نوشته حوادث به هر سال

چنانکه آن کتاب دستان حال

هم نوشته به خط هونگار

چو کرد ایجاد آن شه عالی تبار

گفتند خط اغوزی آسان

هر کشور که نوشتند بر سنگ نشان

اعداد حروفش سی روزی یعنی که سی حرفست در

نشان اغوزی

دوکتور محمت دوغان چاپ ائتدیردیگی «بؤیوک

تورکجه سؤزلوک کیتابی» ندا "قاتمر" سؤزونون

معناسی بئله ایضاح ائدیله: "قاتمر" - ۱. کات کات

اولما حالی، کاتمر، کاتمی، بؤرئک. ۲. کات کات اولان

شئی لرین بیر کاتلاری..."

چوخ گومان کی، «قاتمر/کاتمر» بیر کیتاب آدی دیر.

بیزیم بو گون الیمیزده اولماسا دا یقین کی، مثنوی

نین مؤلفی «لطفی» و یا اونا روایت ائدن شخصین

دئدیگینه گؤره «قاتمر» کیتابی ایرقیلین کیتابی

ایمیش. تاریخده «خواجه ایرقیل» و «ایرقیل

یئنی کنتی» کیمی آدی چکیلن بو شخص»

اوغوزخان» یین و اوغلو «گون خان» یین باش وزیر

ایمیش. منه بئله گلیر کی، مؤلفین یازدیگی ایلک

بئیتده کی:

گفت صدر داغستان

نقل کردم از وی بی گمان

آن صدر معالی که گوید در زمان

تا در وقت آن گردد عیان

صدری- داغستان نین دئدیکلری سؤزلر ائله

"ایرقیل" یین کیتابیندان روایتلر اولمالی دیر. اونون

وئردیگی بو معلومات بیزیم الیمیزده اولان قاینالاردا

اولماسا دا، بلکه الیمیز چاتمایان منبع لرده واردیر. بو

اوغوزنامه ده «لطفی» نین دیلیندن دئیلمیش بئله بیر

بئیت وار

"گویند نمود از تیر خوزه توران

ظهور یافت به آن قطعه ایران"

دئیرلر: توران خوزه سی نین اوخوندان (توراندا اولان

خوزلایین اوخونون گوجو ایله)، یاراندی او ایران

بؤلگه سی)

او ده به قاتیلار. " بو بئیتدن آنلاشیلیر کی، توپا قاتیلان لار صاف اورکله قول- قول و وئریب، دسته لیکله ایندیکی کیمی اویناییرمیشلار. میلی رقصلریمیزدن سؤز گئدن بو کیتابدان باشقا بئله بیر اسگی سندین اولدوغونو هله اوخومامیشام. ماراقلیسی بودور کی، اله دسمال آلیب اوینایانلار ایندی ده دبدهدیرلر. بو بیزیم میلی رقصیمیز اولاراق عصرلر بویو بیزیمله عینی حاکمیت داییره سینده یاشایان باشقا خالقاردا دا، سئویلیب و اؤیرنیلیدیر. و باشقا میللت لرده ده اؤز تظاهرونو گؤسترمدکه دیر.

سه روز به نزد عروس می خورند

با آهنگ و محبت شادی می کردند

اعلان عروس که علم و رنگین

از خضرا و سرخ می سازند خوش همین

رنگ خضرا از چمن که تر

رنگ سرخ از خاک آسیه که دلبر

یعنی که علم دو شق شود

شق اول رنگ زوج خضرا بود

شق ثانی بهر دختر است

این سرخ شود از خاک بهتر است

رایت عروس که بر بام دختر

موجه کند با هر دو رنگ چو اختر

(اوج گون گلین ائوینده یئمک یئیب، سئوگی و

شادلیقلا، چالیب اوخویاردی لار

توی علامتی اولاراق "قیرمیزی" و "یاشیل" رنگلی

بایراق قاییرارلار (پارچادان

یاشیل رنگی تر چمندن، قیرمیزی رنگی یاخشی اله

نمیش تورپاقدان

یعنی علم ایکی بؤلومدن یارانیر، بیرینجی بؤلوم یاشیل

رنگ اوغلانین اولار

ایکینجی قیز اوچون دور، بو دا قیرمیزی رنگله تورپاقدان

اولار سا یاخشی اولار

توی بایراغی قیز ائوینده هر ایکی رنگ ایله دالغالانار اولدوز

کیمی)

دئمه لی، اوغوزلارین (خوزلارین) نسلیندن اولان تورانلیلارین اوخوندان یارانان ایران بؤلگه سی «اوغوزخان» دؤورونده اؤزو مستقیل بؤلگه اولموش و ایران آدلانمیش دیر.

«گون خان» که فرزند اوغوز

خاقان شد در روز نوروز

(اوغوزون اوغلو گون خان، نووروز گونو خاقان اولدو)

بیر داها نوروز بایرامینا ایشاره ائدن بو بئیت گؤستریر کی، اوغوزلار زامانی نووروز اهممیت لی گون اولوب و اونون دبلرینی اوغوز ائللرینه «اوغوز خان» اؤزو نظارت ائتمیش دیر.

۴- توی ده بلری (اسگی اوغوزلاردا فولکلور نومونه لریندن)

رقص فسونکار ، سرور دلگشا،

آیین سربست و پاک ، هم تماشا

قبیله هم جشن وانسال

با چنگ و الحان دلیران با دستیمال

رقص دستیمال آیین بزرگست

همه بهر آیین در ادب در صافست

دختران عروسی و جوانان

رقص دستیمال کنند در میدان

توی ده بلری داها گؤزل، شادلیق چاغلاری داهادا اورک آچان اولوردو.

اورک آچان رقص لر، پاک نیتله و آزادلیقلا اولان تاماشالی ده بلر.

قبیله و عاییله توپا قاتیلیردی، چنگ، آواز سسی و ایگیدلرین اینده دسمال

دسمال اویونو بیر شانلی ده بدیر، هامی صاف اورکله او ده به قاتیلار

تویا گلن قیزلار و جاوانلار، دسمال اویونو مئیداندان اوینارلار

شاعر بورادا اوغوز ائللرینده و ائله جه سینه ایندی ده تورک ائللرین چوخوندا هله ده میلی رقصلردن

اولان "یالی" دندیگیمیز رقصه ایشاره ائدیپ دئییر: "دسمال اویونو بیر شانلی ده بدیر، هامی صاف اورکله

دن آلدیم. باشندان باشا هنجایی اؤلچورله یازیلیمیش بو فارسجا مثنوی بئله بیر باشلیقلا عنوانلانمیشدی: «شاهنامه سلجوق از زبان لطفی» (سلجوق شاهنامه‌سی لطفی‌نین دیلیندن). ماراقلی دیر یازیدان باشا دوشولور کی، الیمه چاتان تاریخه دک نشر اولونمایان بو اؤنملی اثر «**لطفی**» آدلی بیر شاعیرین اثری دیر. فارس دیلینده یازیلان بو نادیر الیازمانین ایلك بئیتیندن سون بئیتینه ده ک هئجا وزنلرینده یازیلیمیشدیر. الیازمانین نسخ اولوندوغو یوز ایلیکده فارس شعیرینده هنجایی شعیرین سبک اولاراق شاعرلر طرفیندن بیر ادبی شیوه کیمی یازیلدیغینا داییر قئید اولونان هئچ بیر قاینق الده ائده بیلیمه دیم. لاکین، بو مؤوضویا آیدینلیق گتیرمک اوچون آختاریشلاریمدا، فارس دیلینده اولان شعیرلرین اؤلچولری اوزرینده تدقیقات آپاران تانینمیش شاعیر-عالیم دوکتور «**شفیعی کدکنی**» تدقیقاتلاریندا باشقا ایضاح وئرمه دن هئجا وزنیه یازیلان بو مثنوینین آدینا ایشاره ائتمیشدیر. او ایللرده ده یرلی خداآفرین مجله سینین باش یازاری کیمی چالیشیردیم. مجله یه گؤندرین یوزلرله مقاله لر آراسیندا گؤیلرده آختاردیغیم قاینقلارین بیرینه ایشاره اولونموشدور. مقاله نین مؤاللیفی خدافرین بؤلگه سینده اورتا تحصیل مدرسه لرینده تدریسه مشغول اولان سایین ایلیاس طهماسب «خداآفرین»^۴ ژورنالینین ۳-جو ساییند نشر ائتدیردیگی "اوزان شعر کلاسیک" باشلیقلى مقاله سینده بئله یازمیشدی: *اوستاد شفیعی کدکنی "شاهنامه سلجوق" آدلی بیر منظوم کیتابدان دانیشیر کی، هئجا وزنینه دیر* "مقاله نین یازاری فارس دیلینده اولان بو مثنوی‌نین ایلکین قاینغی و موللیفی حاقیندا هئچ بیر معلومات وئرمه میشدیر. ایلك بؤلومو اؤنملی بیر «اوغوزنامه» اولان بو هنجایی مثنوی‌نین سون بئیتینده «**لطفی**» نین آدی اثری فارس دیلینده یازان بیر شاعیرین آدی کیمی گلیبدیر. شاعیرینین آدی «لطفی» سؤزونده ایفاده اولونان او سون بئیت بئله دیر:

"نگه کن لطفی بر افلاک"

آنانکه استخوان خموش در خاک"

۴: www.khudafarin.ir مجله خدافرین، چاپ تهران سال اول

شماره ۳، صفحه ۴۳

بو بئیتلرده گؤرونن فولکلور رمزلی اثرین تاریخی حادثه‌لرینین دوغرو-دوز قئید اولوندوغوندان علاوه، میلی ده بالری و مدنی رمزلی بیزه آچیقلا ییر. گلین گنتمک علامتی اولان قیرمیزی تورباق رنگیه بویانان پارچا " هله‌ده بیر چوخ تورک ائللرینده "گلین" گئدن قیزلارین باش اؤرتوگو دور. هله ده بیر چوخ کیچیک ناحیه لریمیزده قیرمیزی رنگدن اولان دوواق شاللاری دهب ده دیر. دئمک تورباق آنا باشیندا اؤرتوک اولور، اونون ناموس رمزی اولور و مقدس اولور اوون ناموسو کیمی قورونور. "یاشیلیق ایسه بئجرمک، بهره‌یه بارا گتیرمک رمزی اولاراق آتاین اولور، نه یاخشی کی هر آددیمی ایگیدلریمیزین قانی قیمتینه اولان تورپاغین قیرمیزی رنگی و حیات وئرگیلیگین یاشیل رنگی بایراقلاریمیزدا هله‌ده مقدس لیگینی قورویور. ائله‌جه‌ده "یاشیل" لیق تورک ائللری‌نین بایراغیندا اؤزونو یاشادیر. دئمک اوغوز ائللرینده قورولان هر بیر عایله‌نین ائوینده دالغانان بایراق عصیرلرین سوره‌سینده میلی رنگ‌لردن اولوب و بایراق رنگینه چئوریلرک ابدی یاشاماسینی تثبیت ائتمیش دیر.

هم در عروسی آیین پهلوان

با آهنگ دلپسند شود عیان

هم با اسبان باز و چرید

در میدان ببازند بر شوق مزید

(تویدا پهلوان‌لیق (گولش) دبی ده اولار، کؤنول سئون آهنگ ایله باشلانار

هم ده مئیداندا شیکار آتلاری ایله یاریشدا اولماغا چوخ شووقلی اولارلار

اوغوز ائللری‌نین بو اسگی ده بالری هله‌ده بیر چوخ تورک ائللرینده توی ده بلریندیر. یاخین اون ایلیک‌لرده کند و کؤچری اولاریمیزدا بو ده بالرین دؤنه-دؤنه شاهیدی اولموشوق. فولکلور تاریخیمیز اوچون ظریف نوکته‌لری و ده یرلی بیلگیلری اولان بو مثنوی یقین کی، گله‌جک ایللرده تدقیقاتچیلاریمیز طرفیندن آراشدیریلماق‌قادر

تبریز - بهمن ماه - ۱۴۰۴

اؤتن ایللرده ایران مجلس کیتابخاناسینین

الیازمالار بؤلوموندن ۹۲۱ هیجری-قمری تاریخینده

«محمد سعید» آدلی خطاطین الی ایله یازیا

آلینمیش بیر الیازمانین فوتو صورتینی مرحوم

نوسخه شوناس عالیم دوکتور عبدالحسین حائری

خان»ین نوروز بایرامی نین گونونده تاختا کنچیب پادشاه اولماسینا، اوغوزلارین تشککول تاپماسینا حصر اولونموش و او دؤورلردن قیمتلی معلومات وئرن دیرلی بیر «اوغوزنامه»دیر.

بو مثنوینین "اوغوزنامه" بؤلومونده بیر نچه تاریخی حادثه‌یه و تاریخی سنده ده ایشاره‌لر اولوب کی، بورادا قئید ائتمک ایسردیم

۱ - "خوز" (خوزی دیلی)

مؤلف اوغوزون دیل آچما صحنه‌سینه عایید اولان بؤلومونده یازیر:

"...چون اغوز از مادر زاد

نمید از او فارقه بر معاد

همه میران،غازیان از آن

در مجلس شد واله و حیران

پسر گفت در آغوش مادر

مردم نا مردم طالعم ز خاور

نجوئید نام، نامم اغوز(اوغوز)

خیزم خیز ، هم خوزم خوز

اصل خوز از اینجا شد

آن کیش دلیر لابد...

مؤلف بورادا بیر تاریخی حقیقته ایشاره ائده‌رک "خوز"لارین آدینی چکیر و "اوغوز" لاریندا "خوز"لارلا بیر کؤکدن اولماسینی وورغولاییر(آد آرامیین!، آدیم اوغوز، خیزم ده خیز، خوزم ده خوز) . یئرلی دیر کی،بو میصره ایله باغلی مرحوم تاریخچیمیز دوکتور "محمدتقی زهتابی" نین بیر قئیدینه دبیقت ائده ک. او یازیر:

"...خوز(خوزی): ایرانین جنوب غربینده و عراقین شمال شرقینده یاشایان تورک دیلی بیر ناحیه‌ده یاشایان خالقین دیلینه "خوزی" دیلی دئمیشلر. دوکتور محمدتقی زهتابی یازیر: "ایلام"حکومتی نین آرادان گئتمه‌سیله او خالقین دیلی آرادان گئتمه‌دی. قالب یاشادی و ایسلام دؤورو تاریخچیلری طرفیندن "خوزی" دیلی آدلاندی. بو دیل ایندی هم خوزیستانین شوش اطرافی و عراقین شوش شهرینه یاخین یئرلری او جمله‌دن، منده‌لی شهرینده، "لرستان"ین "سونقور" شهری و اونون گئیش اطراف کندیسنانلاریندا و شاید باشقا یئرلرینده

مثنوینین شاعیری «لطفی»صراحتله بو اثرینی «بایزید» دؤورونده یازدیغینا ایشاره ائدیر. او مثنوی نین «داستان اوغوز اعظم ملوک الترتک» بؤلومونون ۴-نجی بئیتده بئله یازیر:

...«در سایه شهنشاہ کشورگشا

نامش «بایزید» هم شیر آدا

آن نخل غضنفر که از نسل اورخان

شد بختیار ز تیغش اهل عرفان

روزگار که بر وی با امن و امان

رونق شد به بازویش زمان

این سخنم که در سایه ی گلبن اوست

رفت دشمنان هر جا شد دوست...

«لطفی» نین کیم اولدوغونو آراشدیردیقا، عثمانلی ایمپراطورلوغوندا ایکینجی بایزید دؤورونده یازیب یارادان مشهور بیر "لطفی" ایله قارشیلاییر. او، «فاتح سولطان محمد» ین درباریندا سلطانین کتابخاناسینین مسئولو و مصاحیبیلریندن ایمیش ، بئله کی،«فاتح سولطان محمد» له ادیبانه مزاحلاردا ائدرمیش. اونون حاقیندا بیر چوخ تاریخی قاینقلاردا و تذکره لرده معلومات الده ائتمک مومکوندور. ائله‌جه‌ده همین سلطان «بایزید»ین فرمانی ایله اعدام اولونان"لطفی" نین حاقیندا تورکیه ده یازیلان علمی قاینقلاردا راست گلیریکسه ده، اونون بو اثرینین حاقیندا معلومات الده بیلمه دیک ،لاکین اونون شاعیر لطفی اولدوغونو صراحتله قئید ائدیرلر. بو مثنوی حاقیندا ایلك معلوماتی ۱۳۸۷-جی ایله تهراندا آنادیلیمیزده نشر اولان خداآفرین^۵ ژورنالی نین ۵۴-جو ساییندا «اوغوزلاردا نووروز بایرامی» باشلیقلی مقاله مده سایغیلی اوخوجولاردا بایراملیق اولاراق یئنی بیر تاپینتی کیمی معلومات وئرمیشدیم.

۱۴۰۱جی ایل سون تدقیق و شرح‌لریمله همین مثنوی نین اوغوزنامه اولان بولومونو "خداآفرین" ژورنالی نین ۱۹۰، ۱۹۱-جی سایلاریندا آردیجیل نشر ائتدیردیم.

سؤزو گئدن مثنوی نین ایلك بؤلومو اوغوزخان دؤورونه و اونون قایدا-قانون لارینا، تاریخی حادثه‌لرینه و داها اؤنملیسی بو کی، بؤیوک اوغوز خانین اوغلو «گون

۵. www.khudafarin.ir : مجله خداآفرین ۱۳۸۷، شماره ۵۴.

قاتمر در ترکی به معنای کتاب هونگار ز نسل اوغوز شهرت یاب در اینجا نوشته حوادث به هر سال چنانکه آن کتاب دستان حال هم نوشته به خط هونگار...
 دوکتور محمت دوغان چاپ ائتدیردیگی «بویوک تورکجه سۆزلوک کیتابی» آدلی اثرینده "قاتمر" سۆزونون معناسی بئله ایضاح اندیلیر: "کاتمئر" - ۱. کات کات اولما حالی، کاتمئر، کاتمئ بۇرئک. ۲. کات کات اولان شئی لرین بیر کات لاری..."

چوخ گومان کی، بو مثنوی ده «قاتمر/کاتمئر» سۆزو بیر کیتاب آدی و یا عموم خالق آراسیندا کیتاب مفهوموندا ایشله نن بیر دیالکتک سۆز جوک اولموش اولسون. بیزیم بو گون الیمیزده اولماسا دا، یقین کی، مثنوی نین مؤلفی «لطفی» و یا اونا روایت ائدن شخصین دئدیگینه گۆره «قاتمر» کیتابی ایرقیلین کیتابی ایمیش. تاریخده «خواجه ایرقیل» و «ایرقیل یئنی کنتی» کیمی آدی چکیلن بو شخص «اوغوزخان»-ین و اوغلو «گون خان»-ین باش وزیری ایمیش. لطفی باشقا بیر بئیتینده نوروز بایرامیندا اوز وئرن بیر تاریخی حادثه نی وورغولاباراق یازیر:

«گون خان» که فرزند اوغوز

خاقان شد در روز نوروز

(اوغوزون اوغلو گون خان، نوروز گونو خاقان اولدو)

بیر داها نوروز بایرامینا ایشاره ائدن بو بئیت گؤستیر کی، اوغوزلار زامانی نوروز بایرامی میلی بیر بایرام ایمیش و پادشاه او گونه سایغیسینی گؤستره ره ک، همن نوزوز بایرامی گونو تاختا کئچیر. بو مثنوی اوغوز خان اولادلاری اولاراق بیزلرده اولان نوزوز بایرامین اهمیتلی گون اولدوغون بیر داها وورغولاییر. دئمک نوروز بایرامینا بیر میلی بایرام کیمی قاتیلماغیمیز اولو بابالاریمیزدان بیزه قالمیش بیر فولکلوریک ده ب دیر. بایرامینیز موبارک!

اسفند ۱۴۰۴



قالیر، خلقین آدی دیلی و اونسیت واسطه سی دیر. اؤزو ده، چاغداش آذری تورکجه سی نین بیر لهجه سی دیر.^۶

۲ - نوروز بایرامی بیر سیرا خالقلارین ایددعالارینا جاواب اولاراق، بو مثنوی ده «نوروز بایرامی» نین اوغوزلا طرفیندن ده ب اولاراق باشلانماسی آچیق آشکار یازیا آلینبیدیر. «لطفی» یازیر:

"...نهاده روز عید هر سال دو روز

گفتند عید جسارت، هم نیز نوروز

در عید نوروز شاعران پر کمال

بگفتند منقبة جسارت با خوش مقال...."

(هر ایله ایکی گون بایرام گونو قرار ی قویدو، نوروز بایرامی و قوچاقلیق بایرامی دئدیله/ نوروز بایرامیندا اوستاد شاعرلر خوش سۆزلرله قهرمانلیق داستانین دئدیله.)

گؤرونور کی، نوروز بایرامیندا تورکلر آراسیندا هله ده ده ب دن دوشمه ین شعیرلر اوخویوب، داستانلار سؤیله ییب، یاریشلار کئچیریب، ایگیدلیک و جسارت لر گؤستریب، میلی روحون داهادا دیرچلمه سینه سبب اولان مراسیم لریمیز ائله اوغوزخان زامانیندان قالمیش دیر. بو ده بلرین و عادت عنعنه لرین اوغوز دؤورونون قالماسینی فاکتیک اولاراق مثنویسینده وورغولایان "لطفی" اوخودوغو و معلومات آلدیغی قاینالاری دا، بیزه تائیتدیرماق ایسته میشدیر. او، اوغوزخان زامانی ده ب اولان ائل عادت- عنعنه لرینی بیزه ایضاح ائدیرسه سۆزونون قایناغینی دا، بئله گؤستیریر. او بو تاریخی عنعنه لری "قاتمر" آدلی اعتبارلی بیر منبع دن نقل ائتدیگینی صراحتله بیلدیریر. اؤز عصرینین بویوک علم آداملاریندان اولان "لطفی" اؤز مثنوی سینین اوغوزلار بؤلومونده «نوروز بایرامی» و باشقا اوغوز عادت لری حاققیندا یازدیغی سۆزلرینین قایناغی باره سنده یازیر:

"...چون نوشته این در قاتمر هونگار

این کتابیست که از ایرقیل یادگار

۶ - ایران تورکلری نین اسکی تاریخی، بیرینجی جیلد، دوکتور محمدتقی زهتابی، نشر، اختر، تبریز

۱۳۷۹، ص: ۷۴

لؤوحنین قاباغین دان (معلم)

ایشتهای آرتیران شئی

یئمکلرین دادی دیر .

آشپاز خؤره یه قاتان

«جعفری» نه آدی دیر؟ (گؤیرتی)

بو آدی ائشیتیمیشهم

اوشاق اولان دا من ده

کیمی «دیوانه» دئییب،

کیمی اونا «دانه ده». (بهلول)

یالنیز تورپاق دا دئییل

دیل ده ده خزینه وار .

هم سمدیر، هم بویا،

قوزو دا یازدا قووار. (گؤی، گؤیرتی)

کیم بو صنعتی سئچیر،

تاریخی بیر آند ایچیر.

(حکیم لیک، هیپوکرات آندی)

هر هئجاسین دا

بیر دنه «ا» وار

«اؤلدو» یئرینه

دئییب شهریار. (قیریلدی)

احتیاطلی اولاق بیز

قیزیل گول، موروق ایله،

اگر درمک ایستسک

نه باتا بیلر اله؟ (تیکان)

هئجا یارادان

نه ایشارهسی

دورسا باش-آیاق

اولار «ای» سسی؟ («ا» حرفی ایشارهسی)



UŞAQ ƏDƏBİYYATI

برگردان: تانای شرقی دره جک

کامیل آراز یارادیجیلیغین دا اوشاق ادبیاتی

KAMİL ARAZ YARADICILIĞINDA UŞAQ
ƏDƏBİYYATI

کامیل آراز (ممداف) ۱۹۵۵-جی ایله جلفا رایونونون جامال الدین کندین ده آنادان اولوب. هله او، ۱۲ یاشین دا اولارکن اورتا مکتبده اوخویارکن ایلک قلم تجربه سی اولان شعرینی یازمیش دیر..

تقدیماتینا گلدیمیز «هامی سی تاپما جادیر» کیتابی اونون اوخوجولارلا گؤرؤشدویو دوققوزونجو کیتابی دیر..

مؤلفین ایلک کیتابی «شعیرلر» کیتابیدلیر. بو کیتاب دا هم اوشاق ادبیاتین دان نومونه لر، هم ده بؤیوکلر اوچون اثرلر داخل ائدیلمیش دیر.. داها سونرالار او، شعیرلر، «گؤی دن اوچ آلم دوشدو»، «خزینه» «گؤی قورشاغی» «قزلر» «تاپما جالار»، «تنه نهن نصیحتی»، «کینکلر» کیتابلارینی چاپ ائتدیرمیش دیر.

ناخچیوان ادبی موحیطینین یارادیجیلاریندان بیر کیمی تانینان کامیل آراز خصوصاً، اوشاق ادبیاتی یازجیلارین دان دیر. اونون سون کیتابینا ۵۱۲ تاپما جالار یئر آلمیش دیر.

اوشاق ادبیاتین دان نومونه لر یاراتماق هئج ده آسان دئییل. بو گون آذربایجان دا بارماقلا سایلاسی اوشاق یازجیلاریمیز وار کی، بونلاردان بیر ده کامیل آراز دیر. اوشاق یازچی سی گرک اوشاق پسیخولوگیاسینا بلد اولسون، اوشاقلارین مطالعه طلاباتین بیلسین کی، او دا اوشاقلار اوچون اثرلر یاراتسین.

بو گون «خدا فرین» درگی سی واسطه سیله جنوب لو سویداشلاریمیزی کامیل آراز یارادیجی لیغی ایله تانیس ائدیر، اونون اوشاقلار اوچون یازمیش اولدوغو تاپما جالاری دوستلاریمیز ارمغان ائدیریک.

تاپما جالار

گؤزلرینین نورون دان،

اورینین یاغین دان،

گله جه یه یول چکیر



Xudafərin



Türkcə - Farsca

Mart-Nisan 2026 İL 24 - SAY 247-248 (ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ)

<http://www.khudafarin.ir>
<https://t.me/xudafarindargisi>

